

رشد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجوی معلمان، استادان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره سنی و نهم • ۱۴۰۰ • شماره پیاپی ۲۳۲۸ • ۴۸ صفحه • ۳۵۰۰۰ ریال



معلم شاداب
دانش آموز سالم



کمال
در سؤال



جشن
خلاقت

ISSN: 1606-9129
www.roshmag.ir

به فردا می‌اندیشیم





تقریر سکندر

دوازدهم اردیبهشت در تقویم جمهوری اسلامی ایران، روز شهادت استاد مطهری، به نام معلم نام‌گذاری شده است. استاد مطهری علاوه بر تألیف ده‌ها کتاب، در تدریس نیز تبحر داشت، اما تأثیرگذاری ایشان بیشتر به منش و هویت معلمی اوست.

ضمن گرامیداشت شهادت ابن فیلسوف بزرگ و اندیشمند، لازم است همه ما معلمان تلاش کنیم با منش و هویت معلمی خود الگوی خوبی برای دانش‌آموزان باشیم. و این سخن گران سنگ او را همیشه در کار خود مدنظر داشته باشیم. «مهم‌ترین وظیفه معلم پرورش تفکر دانش‌آموزان است.»



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیرمسئول: محمدابراهیم محمدی

سردبیر: دکتر عظیم محبی

اعضای شورای برنامه‌ریزی:

احمد اسمعیلی

اکبر شیرزادی

اشرف فاطمی

مدیرداخلی: شهلا فهیمی

ویراستار: کبری محمودی

مدیر هنری: کوروش پارساژاد

طراح گرافیک: سیدجعفر ذهنی

تصویرگر: سید میثم موسوی

دبیر عکس: پرویز فراگوزلی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهرشمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲

نماینده: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰

roshdmag

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: moallem@roshdmag.ir

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

فکس: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳

چاپ و توزیع: شرکت افست

عکاس جلد: اعظم لاریجانی

- ۲ به فردا می‌اندیشیم / دکتر عظیم محبی
- ۳ یک گام به جلو / دکتر سهیلا فراهانی
- ۴ معلم شاداب، دانش آموز سالم / بهناز پورمحمد
- ۷ کمال در سوال / دکتر محمود مهرمحمدی
- ۱۰ فضیلت تفکر / علی لطیفی
- ۱۳ چنین است معلمی / اعظم لاریجانی
- ۱۴ استانداردهای سواد اطلاعاتی / دکتر اکرم عینی
- ۱۸ جشن خلاقیت / هوشنگ غلامی
- ۲۱ زنگ آخر، دم در / مریم شامی
- ۲۲ هوش مصنوعی در آموزش / رقیه ناموری لاله
- ۲۴ با طبیعت دست بدهیم / دکتر مینو آیت‌اللهی
- ۲۶ دانش بسازیم / فاطمه ایراندوست
- ۲۸ کدام دفتر برای معلمان بهتر است؟ / محمد تابش
- ۳۱ کیف قشنگ / زهرا شریفی‌مقدم
- ۳۲ سنجش در بوم / دکتر عظیم محبی
- ۳۴ مدرسه دیجیتال هزاره /
- ۳۷ نقش نظارت بالینی بر توسعه حرفه‌ای معلمان / مریم اشرفی
- ۳۵ دانش آموز کارآفرین / فاطمه زبیری
- ۴۲ خانواده، معلم، آموزش مجازی / روح‌الله خلیلی بروجنی
- ۴۴ تبلت و حل مسائل / کیهان خیرآبادی
- ۴۶ کار راهه شغلی / خلیل جوادیار
- ۴۸ معرفی کتاب /

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



به فردامی اندیشیم

دکتر عظیم محبی



- طراحی آموزشی موقعیت محور و تلفیقی؛
- تجربه‌های مربوط به همایش‌های علمی، جشنواره‌های تدریس و پژوهش‌سر؛
- معرفی معلمان خلاق، نویسنده، پژوهشگر و فداکار؛
- تبیین دستاوردها و چالش‌های مربوط به معلمان از طریق گفت‌وگو با رؤسای آموزش و پرورش و معاونت‌های آموزشی استان‌ها؛
- تبیین منش و هویت معلمی؛
- تبیین نقش مشاوره‌ای معلمان؛
- تبیین رویدادهای مهم فرهنگی و تربیتی.
با توکل به خداوند در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ اولویت‌های مطالب مرتبط با مجله رشد معلم به صورت یک فراخوان، از طریق پایگاه اینترنتی سازمان پژوهش، اطلاع‌رسانی خواهد شد تا به کمک شما همراهان این مجله وزین، در تحول نظام آموزش و پرورش قدم‌های کوچکی برداریم.

شماره سال ۱۴۰۰ می‌اندیشیم. از نظر شما مهم‌ترین نیازهای حرفه‌ای معلمان که باید در سال ۱۴۰۰ مورد تأمل قرار گیرند، کدام‌اند؟
گروه شورای مجله رشد معلم زمینه و محورهای اصلی مطالب مجله رشد معلم را برای سال ۱۴۰۰ به این صورت در دستور کار قرار داده است تا با هم‌فکری و مشارکت همه شما فرهیختگان، زمینه توسعه حرفه‌ای معلمان را بیشتر فراهم آوریم:
- تبیین مفاد اسناد تحول با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران؛
- تبیین اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی در شش ساحت تعلیم و تربیت؛
- تبیین اصول تدریس و ارزشیابی براساس راهنمای حوزه‌های تربیت و یادگیری؛
- تبیین یافته‌های علوم شناختی (یافته‌های مبتنی بر مغز) در آموزش و یادگیری؛
- تبیین فناوری‌های نوین در آموزش؛
- تبیین نظام آموزش و سنجش شایستگی‌های معلمان؛

← خداوند را شاکریم که توانستیم با کمک شما معلمان و صاحب‌نظران، در هشت شماره مجله رشد معلم، هم‌اندیشی را در محورهای زیر فراهم آوریم:
- زمینه‌سازی برای کاربست مفاد اسناد تحولی، به‌ویژه برنامه درسی ملی، بر اساس رویکرد فطرت‌گرایی؛
- تبیین تفکر به‌عنوان یکی از شایستگی‌های مهم در درک و اصلاح موقعیت؛
- تبیین ویژگی‌های تدریس و ارزشیابی با تأکید بر بستر فضای مجازی؛
- تبیین رویکردهای نظارت و راهنمایی بر عملکرد معلمان؛
- تبیین برنامه ویژه مدرسه (بوم)؛
- تبیین برخی از رویدادهای مهم و آینده تحولات آموزش و پرورش از طریق گفت‌وگو با صاحب‌نظران؛
- زمینه‌سازی برای درج تجربه‌های معلمان خلاق و معرفی معلمان فداکار و ... با تحلیل تجربه‌های کسب‌شده، به مطالب موردنیاز برای درج آن در هشت



یک گام به جلو

© دکتر سهیلا فراهانی، کارشناس برنامه ویژه مدرسه

← برنامه ویژه مدرسه در جهت عملیاتی شدن راهکار ۵-۵ سند تحول و بند ۲-۱۳ سند تحول، از سال ۱۳۹۷ در مدرسه‌های متوسطه اول و دوره دوم ابتدایی اجرا شده است. بر اساس این شیوه‌نامه مدرسه‌ها اختیار دارند تا ۶۰ ساعت، متناسب با نیازسنجی انجام شده، مهارت‌های زندگی و شغلی را به دانش‌آموزان آموزش دهند. در سال ۱۳۹۹ این برنامه به عنوان یکی از بسته‌های تحولی وزارت آموزش و پرورش در اولویت قرار گرفت. بر اساس این بسته تحولی، ضمن آموزش مدیران، زمینه آموزش همه معلمان و مربیان فراهم شده است. در عین حال، از هشت مدرسه مجری برتر هر استان، ارزشیابی با رویکرد کیفی انجام شده است.

ارزشیابی با کدام الگو؟

ارزشیابی کیفی برنامه‌های درسی که به آن نقادی آموزشی نیز گفته می‌شود، با مجموعه‌ای ثابت از شیوه‌نامه‌ها یا با نوعی خاص از اطلاعات قابل تعریف نیست. ارزشیابی کیفی در راستا و تا حدودی با بهره‌گیری از موضوعاتی نظیر پدیدارشناسی، هرمنوتیک و نظریه انتقادی، با هدف سنجش مفاهیم مبتنی بر تأمل بشر از موقعیت‌های خاص آموزش و ترغیب کنش انسانی در این موقعیت‌ها و زمینه اجتماعی به وجود آمده است.

عاملان ارزشیابی کیفی برنامه درسی نه فقط به قصد کشف ویژگی‌های ملموس آموزشی، بلکه همچنین با این قصد که ویژگی‌های برجسته اما غیرملموس را به‌شخصه دریافت کنند، خود را در موقعیت‌های آموزشی غوطه‌ور می‌سازند.

هر عامل ارزشیابی معانی و ارزش‌های خاص خود را، از جمله گرایش‌ها و تمایلات برای عمل، استخراج می‌کند و به‌منظور فراهم آوردن زمینه نگاه تازه و چندگانه از هر موقعیت تحت بررسی، آن‌ها را با دیگران در میان می‌گذارد. بنابراین، ارزشیابی کیفی برنامه درسی را می‌توان تلاش مبتنی بر تأمل برای دستیابی به حداکثر دامنه آگاهی ممکن - از جمله دانش فرد - در موقعیت‌های خاص آموزش و استخراج معانی و ارزش‌ها، بسط مفاهیم و ترغیب کنش اخلاقی تعریف کرد.

این رویکرد تفکر و تأمل را از طریق استفاده از روش طبیعت‌گرایانه و حرکت در چارچوب مطالعه موردی و بهره‌گیری

از مراحل چهارگانه زیر ترغیب و تشویق می‌کند:

- مشاهده
- توصیف
- تفسیر
- ارزشیابی

● **مشاهده:** در برگزیده هر نوع وسیله‌ای است که ارزشیاب برای کسب دانش و بینش از آن استفاده می‌کند. لذا این مرحله می‌تواند به مشاهده مستقیم منحصر نباشد، بلکه مصاحبه، بررسی شواهد ثبت‌شده، استفاده از روش‌های غیرمداخله‌گرانه و ملاحظات مبتنی بر درک ارزشیاب از تمام شواهد را نیز در بر می‌گیرد.

● **توصیف:** عبارت است از اینکه ارزشیاب چگونه موقعیت را به تصویر می‌کشد. در اینجا ارزشیاب باید تصمیم بگیرد از میان چیزها (امور) گوناگون، چه چیز باید به تصویر کشیده شود و این تصویر از چه راه‌هایی باید خلق شود. هدف آن است که حقایق مهم و اساسی درباره موقعیت و همچنین زمینه‌ای وسیع‌تر که موقعیت مورد بررسی در آن قرار گرفته است، به مخاطبان منتقل شود.

● **تفسیر:** عبارت است از نسبت‌دادن معانی به موقعیت.

معانی می‌توانند از درون یا بیرون موقعیت حاصل شوند. معانی درونی زمانی حاصل می‌شوند که شرکت‌کنندگان از خود می‌پرسند مزیت در این موقعیت

برای آنان چه معنایی دارد؟

معانی بیرونی زمانی حاصل می‌شوند که جنبه‌های خاص موقعیت با اندیشه، نظریه‌ها و وقایع با موقعیت‌های دیگری که راه‌های جدیدی را برای نگریستن و درک موقعیت فراهم می‌آورند، مقایسه می‌شود.

● **ارزشیابی:** بخش صریح و مستقیم در جریان نقادی آموزشی است. این بدان معناست که نقاد باید در مورد شایستگی و ارزش کل موقعیت یا اجزای آن اظهار نظر کند.^۱

نتایج ارزشیابی

بر اساس تحلیل ارزشیابی‌های انجام شده می‌توان اذعان داشت:

● مدرسه‌ها نیازمند آموزش دقیق انجام نیازسنجی هستند.

● مدرسه‌ها نیازمند آموزش فرایند تدوین برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه هستند.

● اجرای برنامه ویژه مدرسه نیازمند رفع موانع، از جمله کاهش تعداد برنامه‌های ارسالی به مدرسه است.

● اجرای برنامه ویژه مدرسه به بازبینی زمان اختصاص‌یافته نیاز دارد.

● گفتمان‌سازی و فهم مشترک از منطلق این برنامه، از سطح کارشناسان ستادی تا مناطق، ضروری است.

پی‌نوشت

۱. محمود مهرمحمدی و همکاران (۱۳۸۵) برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، سمت، تهران.

معلم شاداب دانش آموز سالم

گفتوگو با آقای دکتر مهرزاد حمیدی، معاون سلامت و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش

بهناز پورمحمد

«تحرك، شادابی و سلامت» سه واژه پیشران همه فعالیت‌های مدرسه و کلاس درس هستند. اگر خود معلم هم شاداب و بانشاط باشد، می‌تواند در رشد جسمی و یادگیری دانش‌آموزان بیشترین تأثیر را داشته باشد. براساس اهمیت این موضوع، با دکتر مهرزاد حمیدی، استاد دانشگاه و صاحب‌نظر در حوزه سلامت و تربیت بدنی، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

معلم تحرك، شادابی و سلامت

معلمان را تا چه حد مهم می‌دانید؟
معلمان رکن اصلی نظام آموزش و پرورش و میدان‌دار صحنه تعلیم و تربیت هستند. توسعه کشور بر فعالیت‌های معلمان مبتنی است. نسل کودک و نوجوان کشور زیر پوشش هدایت و رهبری معلمان تربیت می‌شوند. به همین لحاظ، جایگاه معلم بسیار بالاست. معلم کارمند نیست، معلم پرورش‌دهنده ذهن، شخصیت و هویت دانش‌آموزان است. معلم انسان‌ساز است و انسان را تربیت می‌کند. معلم حلقه بسیار ارزشمندی در انتقال فرهنگ است. فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند و هویت فردی آحاد یک نسل را پرورش می‌دهد. به همین لحاظ، به نظر می‌رسد برای اینکه معلمان بتوانند به‌عنوان ذخایر تعلیم و تربیت در حوزه مسئولیتی و مأموریتی خودشان موفق‌تر و اثربخش‌تر باشند، باید سالم و بانشاط باشند تا از این رهگذر بتوانیم تعلیم و تربیتی توأم بانشاط را

پیگیری کنیم.

در بحث سلامت جسمی معلمان، موضوع تحرك و سبک زندگی فعال برای آنان بسیار حیاتی است. همیشه ارتباط آدم با آدم را داشتیم و حالا ارتباط آدم با ماشین مطرح است. ارتباط‌های اجتماعی گسسته شده‌اند. بی‌تحركی، سکون و فرورفتن در چنبره تربیت فضاهای مجازی، تحرك را از زندگی ربوده و یکنواختی زندگی، شادابی و نشاط را از چهره‌ها زدوده است. در این وضعیت هیچ فرقی نمی‌کند چه کسی چه شغلی داشته باشد. معلمی هم یکی از مشاغل اجتماعی است. اگر شادی و نشاط در وجود فرد دمیده نشود، پژمردگی و دلزدگی را با خودش به همراه می‌آورد. همین روحیه به خانواده و مدرسه هم انتقال می‌یابد. فضای تعلیم و تربیت و یادگیری بر انگیزه مبتنی است. انگیزه اساس فعالیت دانش‌آموزان و فعالیت دانش‌آموزان اساس یادگیری محسوب می‌شود. کسی می‌تواند دانش‌آموز را انگیزه‌مند

کند که از انرژی درونی و نشاط روحی لازم برخوردار باشد. این‌ها به‌عنوان سرمایه اولیه، در کنار اندوخته علمی که معلم کسب می‌کند، زمینه‌ای را فراهم می‌آورند که او بتواند دانش‌آموز را به انجام فعالیت ترغیب کند.

ترغیب کردن، جوشش، انگیزه و نیروی درونی می‌خواهد. این موضوع در کنار همه مسائلی که وجود دارند و در کنار منزلت اجتماعی و مسائل معیشتی، کار معلمان را دشوار می‌کند. لازم است روی سبک زندگی معلمان مطالعه‌ای انجام شود و نیم‌رخ سلامت معلمان کشور به تصویر کشیده شود. آن‌گاه براساس نتایجی که به دست می‌آیند، برنامه‌های ویژه‌ای برای تأمین سلامت آنان پیش‌بینی کرد.

برای اینکه بتوانیم سبک زندگی فعال داشته باشیم، معلمان ما باید شاخص‌هایی به شرح زیر را رعایت کنند:

«سازمان بهداشت جهانی» توصیه می‌کند، هر فرد روزانه ۱۰ تا ۱۲ هزار

قدم راه برود. وقتی بدن در حالت ایستاده قرار می‌گیرد، عضلات باید منقبض شوند تا اسکلت را ایستاده نگه دارند. راه رفتن باعث می‌شود عضلات بدن تقویت شوند. تقویت عضلات باعث جلوگیری از آزدگی، فرسودگی و آسیب‌های وارده به مفاصل می‌شود. وقتی عضله در طول زمان ضعیف می‌شود، مفصل خود را رها می‌کند. بسیاری از گردن‌دردها و کمردردهایی که افراد بزرگسال امروزه با آن‌ها مواجه هستند، عمدتاً به این دلیل است که عضلات توانمندی کافی ندارند. وقتی عضله نمی‌تواند اسکلت و قامت را حفظ کند، خودبه‌خود مفصل به مفصل فشار می‌آورد و مهره‌های کمر به هم فشردگی می‌شوند.

وقتی شما روزانه ۱۰ تا ۱۲ هزار قدم راه می‌روید، دیابت، چربی خون و ... کمتر شما را تهدید می‌کند. از ۳۷۰ هزار مرگی که سالانه در کشور اتفاق می‌افتند، ۳۰۰ هزار مورد از بیماری‌های غیربالینی و سبک زندگی غیرفعال ناشی هستند. دردهای زانو، کمر، گردن و ستون فقرات همه ناشی از ضعف عضلانی و سبک زندگی غیرفعال‌اند.

راه پیشنهاد شما برای داشتن کلاس بانشاط چیست؟

می‌توانیم زمینه‌های فراهم کنیم که افراد بتوانند در حوزه سلامت، خودشان سرمایه‌گذاری ویژه‌ای داشته باشند. این سرمایه‌گذاری به هزینه نیاز ندارد. کافی است معلم صبح‌ها مسیر منزل تا مدرسه را پیاده طی کند و در کلاس و مدرسه هم تحرک داشته باشد. وقتی افراد مدام روی صندلی می‌نشینند، عضلات قامتی آن‌ها تحلیل می‌رود و با کوچک‌ترین اتفاق ناگواری ممکن است با مشکلی در دیسک کمر مواجه شوند.

موضوع دیگر بحث بهجت، نشاط و شادابی است. خود حرکت‌های ورزشی شادابی ایجاد می‌کنند و روحیه را تغییر می‌دهند. اما روحیه شادابی و نشاط هم موضوعی چندمتغیره است. در ادبیات کشور و ادبیات دینی ما روی بهجت، شادی و نشاط تأکید شده است. کلاسی که فضای شاد دارد و معلم آن را هدایت می‌کند، یادگیری در

آن عمیق‌تر خواهد بود. وقتی کسی در محل بانشاطی کار می‌کند، انگیزه‌اش برای کار و تلاش بیشتر بالا می‌رود. با آیت‌الله حائری شیرازی کلاسی داشتیم. فرمودند: «تمام پیامبران بیرونی آمده‌اند تا پیامبر درونی آدم‌ها را بیدار کنند.» هنر معلمی، قبل از درس دادن و انتقال مفهوم به دانش‌آموز، برانگیختن اوست. کلاس توأم با فشار و مدیریت دستوری، تمایل افراد را به یادگیری بالا نمی‌برد. حاصل مدیریت تلقینی و دستوری کلاسی بی‌روح و بی‌نشاط است که یادگیری به‌سختی در آن صورت می‌گیرد. امروزه معتقد هستیم، یادگیری توأم با لذت اتفاق می‌افتد. چگونه می‌توانیم یادگیری دانش‌آموز را با لذت همراه کنیم؟ این کار به خلاقیت، نوآوری و حوصله احتیاج دارد. وقتی حوصله در

هنر معلمی، قبل از درس دادن و انتقال مفهوم به دانش‌آموز، برانگیختن دانش‌آموز است

درون معلم می‌جوشد، وقتی او سالم و بانشاط باشد، این روحیه به کلاس درس و یادگیری تسری پیدا می‌کند. در کتاب «تعلیم و تربیت»، اثر استاد مطهری آمده است: «اگر می‌خواهید قلب‌ها را به دست بیاورید، با اقبال به دست می‌آید. اگر دانش‌آموزان اقبال داشته باشند، یادگیری حاصل می‌شود.»

معلمی که سلامت است و سبک زندگی فعال دارد، از حوصله بالاتری برخوردار است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معلمی در کلاس ۳۰-۴۰ نفره حوصله است. حوصله از مواردی است که در وجود هر فرد تنیده شده است. با تنش نمی‌توان حوصله داشت. وجود آرام، بانشاط و سالم، مملو از حوصله است. جالب اینکه حوصله قابل انتقال است. به کمک حوصله، یاددهی-یادگیری سالم اتفاق می‌افتد و به این وسیله نظام تعلیم و تربیت به اهداف خودش دست می‌یابد. هر قدر فضای یادگیری با

شادی و نشاط بیشتری همراه باشد، انس بچه‌ها به مدرسه بیشتر می‌شود. اگر زمانی که دانش‌آموزان به مدرسه می‌روند، قدمشان بلندتر از وقتی باشد که از مدرسه برمی‌گردند، درمی‌یابیم که مدرسه‌شان محفل عشق و علم و حوصله و شادابی و لذت بوده است. در چنین مدرسه‌ای، وقتی دانش‌آموز از مدرسه تعطیل می‌شود، ناراحت است. شادابی و سلامت معلمان پیشران ترویج و انتشار سلامتی و نشاط دانش‌آموزان است و می‌تواند به‌عنوان پیشران مدرسه عمل کند.

نقش دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی در تربیت معلمان بانشاط چیست؟

دانشگاه «فرهنگیان» و دانشگاه «شهید رجایی» باید زمینه‌های بسیار خوبی برای دانشجویان معلمان، به‌منظور فعالیت‌های ورزشی و تفریحی، فراهم آورند تا دانشجویان در طول عمرشان از این مهارت‌ها استفاده کنند. دانشجویانشان فقط یک واحد تئوری جسمانی دارند که قطعاً با یک جلسه در هفته، آمادگی جسمانی معلمان بالا نمی‌رود، ولی سبب می‌شود روش ارتقای جسمانی را برای زندگی شخصی و اجتماعی خود به کار گیرند. دو واحد عملی هم دارند که از طریق آن با یک مهارت ورزشی آشنا می‌شوند تا بتوانند اوقات فراغت خود را با آن مهارت پر کنند.

واژه «تفریح» یعنی خلق مجدد. وقتی تفریح می‌کنید، در واقع به تجدید قوا می‌پردازید. بعد از تفریح انگار موجود جدیدی به وجود می‌آید و شکل می‌گیرد. تمام انقباض‌های روحی در تفریح شکسته می‌شوند و یک وجود ناب بدون انقباض و سختی به وجود می‌آید.

موضوع بعدی اوقات فراغت است. استاد رجبعلی مظلومی که خدا رحمتشان کند، می‌گفتند: «شخصیت در تفریح و اوقات فراغت ساخته می‌شود. شخصیت افراد وقتی ساخته می‌شود که در حال تفریح کردن هستند و وجودشان آزاد است. زندگی و شخصیت در اوقات فراغت ساخته می‌شود.»

بیشتر معلمان دوره ابتدایی مسئولیت

تربیت‌بدنی بچه‌های کلاس خود را بر عهده دارند. پس باید خودشان بتوانند فعالیت‌هایی را برای ورزش دانش‌آموزان در نظر داشته باشند. دو ساعت تربیت‌بدنی برای معلمان دوره ابتدایی وقت استراحت نیست، وقت تفریح است. این دو ساعت در هفته به معلم فرصت می‌دهند با بچه‌ها جست‌وخیز و تفریح کنند. لذت‌بردن با بچه‌ها را تجربه کند تا هر دو طرف تخلیه شوند و خود را برای انرژی گرفتن مجدد و یاددهی و یادگیری در کلاس درس آماده کنند. معلمان ابتدایی به این دو ساعت به‌عنوان فرصت نگاه کنند. برای ما خود معلم از همه عوامل مهم‌تر است.

معلم با توجه به شرایط همه‌گیری ویروس کرونا و تعطیلی مدرسه‌ها، از نظر شما در حوزه تربیت دانش‌آموزان با چه چالش‌هایی روبه‌رو می‌شویم؟

الان بیش از یک‌سال است که ویروس کرونا همه را تهدید می‌کند. اکنون دانش‌آموزان ارزش مدرسه را متوجه شده‌اند و مشتاق‌اند مدرسه باز شود. اگر مدرسه، مدرسه انرژی‌زا نه انرژی‌زدا باشد، یادگیری با عشق، علاقه، شادابی و نشاط توأم می‌شود. بیش از یک سال است که بچه‌ها سر کلاس نمی‌روند. خیلی از بچه‌ها در خانه محبوس شده‌اند. وزن بچه‌ها سه درصد افزایش پیدا کرده است. این رقم بالایی است. این فقط یک شاخص از سلامت دانش‌آموزان است.

یکی از بزرگ‌ترین نیازهای کودک در دوران رشد، کسب مهارت‌های اجتماعی است. مهارت‌های اجتماعی را کودکان با کودکان می‌آموزند. یادگیری مشاهده‌ای، یادگیری از یکدیگر، یادگیری در میدان عمل، یادگیری در فضای اجتماعی، قهر و آشتی‌کردن‌ها، یارکشیدن‌ها، تقسیم‌کارکردن، رهبری‌کردن، وفاق و سازگاری، و جبرگرایی، مهارت‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان را شکل می‌دهند. در واقع صبر و تمرکز، و تصمیم‌گیری در این حوزه‌ها در بچه‌ها شکل می‌گیرد. با شروع کرونا و خانه‌نشینی آنان، با چالش‌های جدی مواجه شده‌ایم.

امروز بین «سلامت» و «موضوع تعلیم و تربیت»، آموزش و پرورش به سلامت اهتمام ورزیده است. ستاد ملی

کرونا برای کوتاه‌مدت این موضوع را در نظر گرفته و آموزش و پرورش هم از آن تبعیت کرده است.

اگر حتی یک نفر اجتماعی تربیت نشود یا یک نفر از نظر روانی، روان متناسب و متوازی نداشته باشد، یعنی مهارت‌های روان‌شناختی فرد شکل نگرفته‌اند. در همین سن پایین عضلات تحلیل می‌روند، کودکان چاق می‌شوند و در مجموع سواد حرکتی پیدا نمی‌کنند. کودک باید بتواند در حالت‌های چالش‌برانگیز فعالیت حرکتی بدنش را مدیریت کند. برای مثال، وقتی از خیابان عبور می‌کند و خودرویی به سرعت از کنارش رد می‌شود،

معلمی که سلامت است و سبک زندگی فعال دارد، از حوصله بالاتری برخوردار است

باید بتواند زمان عبور خودش، و سرعت وسیله نقلیه را محاسبه کند تا بتواند خودش را کنار بکشد.

این «ادراک» است؛ ادراکی که در حرکت اتفاق می‌افتد. اگر کودک یاد نگیرد وقتی با جایی برخورد می‌کند یا از بغل دیواری رد می‌شود یا بالای درختی می‌رود، موقعیت‌سنجی کند، همان درخت سر و صورتش را زخمی می‌کند. اگر نتواند این محاسبات را انجام دهد، وقتی می‌بیند شخص یا شیئی به او نزدیک می‌شود، از جایش تکان نمی‌خورد. می‌ایستد تا خودرو یا هر چیز دیگری که نزدیک شده، با او برخورد کند. اگر فرد سواد حرکتی نداشته باشد، وقتی سقوط می‌کند، بد سقوط می‌کند. زمین می‌خورد و لگن و پاهایش می‌شکنند. ولی اگر کسی سواد حرکتی داشته باشد، در سقوط کردن‌ها بدنش و انرژی خود را منتقل می‌کند، راحت بدنش را می‌چرخاند و آسیب نمی‌بیند؛ مانند زمین‌خوردن فوتبالیست‌ها هنگام بازی. این‌ها مسائلی هستند که سبب می‌شوند

در آینده مضرات و هزینه‌های بسیار گزافی، هم در حوزه جسمی و هم در حوزه سلامت، بپردازیم.

معلم پیش‌بینی شما برای معلمان، دانش‌آموزان و اولیا در زمان پساکرونا چیست؟ با چه چالش‌های ممکن است روبه‌رو شوند؟

قبل از کرونا ما مدرسه واقعی داشتیم. نقش مدرسه خیلی پررنگ، نقش خانواده کم‌رنگ و نقش فضای مجازی کم بود. در زمان کرونا نقش مدرسه بسیار کم‌رنگ و نقش خانواده پررنگ شد و نقش فضای مجازی نیز افزایش پیدا کرد. در زمان پساکرونا، با نگاه آینده‌پژوهانه و براساس مطالعات و پژوهش‌ها، حدس این است که دنیا به تعادل می‌رسد. یعنی نقش خانواده بیشتر و نقش خیلی پررنگ مدرسه مقداری کمتر می‌شود. آموزش‌های حضوری ادامه پیدا می‌کنند و البته نقش آموزش‌های مجازی نسبت به گذشته پررنگ‌تر می‌شود. خانواده‌ها در این ایام با کرونا درگیر بوده‌اند و این روند ادامه پیدا می‌کند.

اما بینیم چه چالش‌هایی ممکن است وجود داشته باشند؛ اولین چالش این است که ساعت خواب بچه‌ها به هم خورده است. دیرتر از زمان مدرسه بیدار می‌شوند و برایشان زود بیدار شدن سخت و سنگین است. این موضوع برای رفتن به مدرسه عاملی بازدارنده است. نظم و انضباط کلاس‌ها ممکن است مخدوش شود و زمان لازم است که بچه‌ها به حالت اول برگردند. رسمیت ارتباط معلم و شاگرد نسبت به قبل کمتر می‌شود و ممکن است اختلافاتی به وجود بیاید.

والدین ممکن است احساس کنند همان کاری را انجام می‌دهند که معلم انجام می‌داده است. ممکن است والدین در چگونگی تدریس دخالت بیشتری داشته باشند. به هر صورت، روابط از هم گسیخته است و بازگشت این موضوع، به‌خصوص برای پایه‌های اول و دوم که آموزش حضوری ندیده‌اند، سخت‌تر است و در پایه‌های بالاتر امکان دارد این نقاط ضعف با آموزش‌های جبرانی برطرف شوند. با توجه به همه این چالش‌ها، برگشت به شرایط قبل زمان می‌برد.



کمال در سؤال

© دکتر محمود مهر محمدی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس



برای مشاهده فیلم سخنرانی
این مطلب تصویر را اسکن کنید.



← متن زیر سخنرانی دکتر محمود مهر محمدی در جشنواره موسوم به چهارسوق
یازدهم، در سال ۱۳۹۷، است. نظر به اهمیت آن، بخش‌هایی از آن را تقدیم می‌کنیم.

خلق ثروت، نسل مستعدتری است. با تغییر جریان تربیت از پاسخ‌محوری به پرسش‌محوری، می‌توان از بی‌جهت گشتن در اینترنت جلوگیری کرد. بنابراین، ابتدا باید بمباران اطلاعات توسط دبیر به دانش‌آموز را کاهش داد تا فضا برای تفکر و تأمل برای دانش‌آموز ایجاد شود. همچنین، گنجاندن بخش سلبی در ارزشیابی‌های فرایندی و پایانی باعث می‌شود دانش‌آموز به طرح

آن نظریه پرسش‌محوری حاکم باشد. این نگاه به پرسشگری، در حال حاضر در مهجوریت است. دانش‌آموزی که چنین ظرفیتی در او شکل گرفته و از مطرح کردن پرسش خود و یافتن پاسخ آن لذت می‌برد، دیگر از مدرسه روی گردان نخواهد بود. به این ترتیب سیانت مدرسه حفظ خواهد شد. نسل پرسشگر قطعاً برای دستیابی به آرمان‌های توسعه علم و فناوری و

پرسش، نماد کمال و تربیت یافتگی است. پرسش در آموزش و پرورش متاع نایابی نیست. سؤال‌های متعددی در کلاس‌های ما پیش می‌آیند، اما کمال نیافته‌اند؛ یعنی برآمده از فهم و ادراک مسئله نیستند. سواد در آموزش و پرورش باید از حجم آگاهی‌ها و گستره آن‌ها، به گستره مجهولات ناب و سؤالات عالمانه دانش‌آموزان تغییر کند. آموزش و پرورش مورد تأیید است که در

سؤال در ذهن خود پردازد. فرصت پرسشگری با همسالان نیز بخش مهمی است که در این رویکرد باید مورد توجه قرار گیرد.

درباره پرسش و پرسشگری سخن بسیار گفته شده است و در عمل هم، در نظام آموزش و پرورش، شاهد جلوگیری یا نهی از طرح پرسش توسط دانش‌آموزان نیستیم، پس اگر قرار است مسئله پرسش و پرسشگری موضوع بحثی باشد که تازه و جذابیتی متفاوت داشته باشد، از چه زاویه‌ای باید به آن نگرسته شود؟

چگونه به مقوله پرسش نگاه کنیم؟

من می‌خواهم از یک زاویه دیگر به آن نگاه کنم. اینکه پرسش در آموزش و پرورش متاع نایابی نیست. اگر یک تیپ‌شناسی خیلی خیلی اجمالی و دم‌دستی بخواهیم بکنیم، یک عده دانش‌آموز به یک معنا، درس‌دوست و درس‌خوان داریم که به هر حال در فرایند آموزش، در نوعی تکاپو هستند برای فهم مطلبی که معلم در حال طرحش است. بنابراین، در این تکاپوی خودشان پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند تا بهتر بفهمند؛ خیلی هم عالی و معلمان هم کم‌وبیش از این نوع پرسش‌ها استقبال می‌کنند و تلاش می‌کنند آن فهمی که باید، برای دانش‌آموز حاصل و ابهامات برطرف شود.

عده‌ای دانش‌آموز هم داریم که اتفاقاً خیلی درس‌دوست نیستند؛ چه بسا درس‌گریز هم هستند. ولی خب، این‌ها هم پرسش دارند و این‌ها هم طرح پرسش می‌کنند. اما طرح پرسش توسط این دسته از دانش‌آموزان با اهداف دیگری دنبال می‌شود. قرار است مثلاً امتحانی برگزار شود، چند تا سؤال کنیم، معلم را منصرف کنیم از

امتحان گرفتن یا حتی خودمان معلم را امتحان کنیم. سؤال کنیم که عیار معلم دستمان بیاید و خلاصه یک خرده او را دچار معذورات خاصی کنیم. به هر حال این تیپ سؤالات هم مطرح می‌شوند.

جست‌وجوی کمال در سؤال

من به دنبال طرح این ایده هستیم که در آموزش و پرورش گونه‌ای از پرسش باید نماینده تمام و کمال دستیابی دانش‌آموزان به رشد و کمال موردنظر

آموزش و پرورش خوب است که در آن دانش‌آموزان قادر می‌شوند پرسش‌های عالمانه طرح کنند

تلقی شود. سواد در آموزش و پرورش ما باید از حجم دانسته‌ها و حجم آگاهی‌ها یا گستره اطلاعاتی که دانش‌آموزان در اختیار دارند، تعریفش تغییر کند. سؤال در گستره دانستن، سواد و تربیت‌یافتگی در گستره دانستن دیگر معنا نمی‌شود، بلکه باید در گستره مجهولات ناب، سؤالات با کیفیت، و سؤال‌های عالمانه‌ای که دانش‌آموزان مطرح می‌کنند، جست‌وجو شود.

تعریفمان از سواد را باید عوض کنیم. تعریفمان از فرهیختگی و تربیت‌یافتگی را باید عوض کنیم و پیشنهاد من این است که طرح سؤال خوب توسط دانش‌آموزان را نماینده ویژه یا نماینده برتر و برجسته تربیت‌یافتگی بدانیم، اما سؤال با عیار؛ سؤالی که به آن می‌گویید سؤال عالمانه؛ سؤال برآمده از علم؛ سؤالی که پس از فهم مطلب جدید در

ذهن دانش‌آموز جرقه می‌زند. ذهن او ذهن پرسش‌سازی است که بر اساس دانسته‌های جدید، مجهول جدیدی را خلق می‌کند. پیشنهاد من این است که این را به‌عنوان معیار تربیت‌یافتگی بپذیریم.

طرح سؤالات خوب، نه این است که ذهن ما فقط انبار اطلاعات بشود؛ حتی اگر آن اطلاعات را به‌درستی فهم کنیم. در آموزش و پرورش ما، در جریان تعلیم و تربیت، اگر جریان خروجی جریان تعلیم و تربیت، به خاطر سپاری و توسعه محفوظات باشد که خانه از پای بست ویران است، اما حتی اگر فهم مطالب هم در دستور کار باشد و خروجی کار تعلیم و تربیت فهم باشد، نظریه پرسش‌محوری می‌گوید که بسنده نیست، کافی نیست. نوعی فراتر رفتن از فهم، از شناخت، نوعی درنوردیدن مرزهای فهم و شناخت است که می‌تواند معرف آموزش و پرورش خوب باشد.

آموزش و پرورش خوب است که در آن دانش‌آموزان قادر می‌شوند پرسش‌های عالمانه طرح کنند؛ قادر به طرح پرسش‌های باکیفیت و باعبار می‌شوند. گزاره اصلی این نظریه تربیتی، این نگاه متفاوت به سواد و به تربیت‌یافتگی، این است که ما ذهن پردازش‌گر و پرسش‌ساز بر پایه معلومات و مکتوبات را ذهن تربیت‌یافته تلقی می‌کنیم، نه آن ذهنی را که مجموعه‌ای از اطلاعاتی را که در اختیارش قرار گرفته، مانند اسفنج، جذب کرده است و در ذهن خودش نگهداری می‌کند. این نگاه به پرسش و پرسشگری به‌عنوان نماد تربیت‌یافتگی، یا نماد سواد، البته به باور من، در آموزش و پرورش به رسمیت شناخته نشده و در مظلومیت و مهجوریت است. چرا ما باید به دنبال

چنین نگاه تازه و چنین برند تازه‌ای از تعلیم و تربیت باشیم؟

مجموعه‌ای از چرایی‌ها را می‌شود مطرح کرد. پرسش‌آفرینی و برخورداری از توان استخراج سؤال تازه از معلومات مکتسبه، چرا مستحق تبدیل شدن به برند یا فلسفهٔ تعلیم و تربیت رسمی در عصر کنونی است؟

به نظر من دلایل متعددی وجود دارد. اول اینکه ما در واقع به این ترتیب بهره‌وری جریان تربیت را به حداکثر می‌رسانیم. چرا که در واقع سؤال نشان‌دهندهٔ انرژی مترکام و آزاد نشدهٔ یادگیری است. دانش‌آموزی که چنین ظرفیتی را در خودش ایجاد کرده و در واقع چنین انرژی‌ای در او شکل گرفته است، نسبت به دانش‌آموزی که چنین ظرفیتی در او شکل نگرفته، در موقعیتی ممتاز است. انسانی کردن جریان تربیت، لذت بردن از طرح پرسش و همچنین لذت بردن از دستیابی به پاسخ پرسش، دو خصلت و دو ویژگی منحصر به موجود انسانی هستند.

اگر قرار باشد مدرسه بر کارکرد انتقال اطلاعات یا آنچه من به آن پاسخ‌محوری می‌گویم، اصرار کند، در واقع بر شاخه نشسته است و بُن می‌برد. پس تغییر این رویکرد و تغییر نگاه به موضوع سواد و تربیت‌یافتگی از پاسخ‌محوری به پرسش‌محوری، نوعی صیانت از نهاد اجتماعی مدرسه هم محسوب می‌شود. در غیر این صورت باید به جد نگران باشیم که مدرسه ممکن است در واقع دیگر در عصر اطلاعات و ارتباطات دوام نیاورد.

هم‌سویی با آرمان‌های توسعهٔ جامعه

مشخص است که نسل پرسشگر نسلی است که برای دستیابی به آرمان‌های توسعهٔ علم و فناوری و خلق

ثروت در هر جامعه، نسل مستعدتری است. بنابراین، نسل پرسش‌گر یکی از دلایل خوبی است که ما بتوانیم با این تغییر نگرش زندگی کنیم و کنار بیاییم و بالاخره چاره‌ای بالقوه مؤثر است.

رویکرد پرسش‌محوری که در عصر ما به حل معضلی به نام وب‌گردی تبدیل شده و یک تهدید محسوب می‌شود، ما می‌توانیم با تغییر جریان تربیت از پاسخ‌محوری به پرسش‌محوری، وب‌گردی را به فرصت

سؤال نشان‌دهندهٔ انرژی مترکام و آزاد نشدهٔ یادگیری است

تبدیل کنیم؛ فرصتی که بسیار ارزنده است و صرف وقت در فضای اینترنت را کاملاً جهت‌دار و هدف‌دار و سازنده می‌کند.

راهکارهای استقرار پرسش‌محوری در نظام تعلیم و تربیت

○ نخستین موضوع، قطع جریان باران اطلاعاتی توسط معلم و کتاب درسی است؛ البته نه متوقف کردن جریان انتقال اطلاعات و جریان انتقال دانش علمی. خیر، بمباران کردن منظور است؛ یعنی هم به‌عنوان مؤلفان کتاب درسی و هم به‌عنوان معلمان، باید قدری از چگالی مطالب کم کنیم

○ فضایی را باید آماده کنیم برای اینکه مجال تأمل و تفکر و رویش پرسش در ذهن دانش‌آموز ایجاد شود. ارج‌گذارند عملی و علنی به دانش‌آموز پرسش‌گر

توسط معلم، مدرسه و والدین. حال اینکه الان این نوع پرسشگری متأسفانه بیشتر تخطئه می‌شود. دانش‌آموزانی که پرسش‌های عالمانهٔ خوب غیر کلیشه‌ای مطرح می‌کنند، معمولاً تخطئه می‌شوند. ارج‌گذارند و فروریختن قبح ندانستن در ذهن مخاطب.

○ معلمان، برای اینکه اسوهٔ رفتاری دانش‌آموزان هستند و برای اینکه در ذهن دانش‌آموزان این اسوهٔ رفتاری دانای کل تعریف نشود، حتی اگر لازم باشد، در مواقعی به ندانستن پاسخ برخی از سؤال‌ها تظاهر کنند تا قبح ندانستن و برخورداری از پرسش‌های خوب را، با رفتار خودشان، در ذهن دانش‌آموزان فرو بریزند.

○ گنجاندن بخش سلبی در آزمون و ارزشیابی‌ها؛ چه ارزشیابی‌های فرایندی و چه ارزشیابی‌های پایانی. از بچه‌ها بپرسیم در پی معلوماتی که در این کلاس کسب کرده‌اید، چه سؤال‌های تازه‌ای برای شما مطرح شده‌اند؟ منظور از بخش سلبی در آزمون‌ها چنین چیزی است.

○ انعطاف در برنامهٔ درسی. اگر برنامهٔ درسی وجه غیرتجویزی نداشته باشد و انعطافی در آن وجود نداشته باشد و در واقع مدرسه فرصت پیگیری پاسخ به سؤال‌های خوب روییده در ذهن دانش‌آموزان را به آن‌ها ندهد، طبعاً ما راه به جایی نخواهیم برد.

○ و نکتهٔ آخر، توسعهٔ یادگیری خارج از کلاس درس است. باید در طبیعت و در محیط‌های طبیعی فرصت گفت‌وگو و یادگیری با همسالان را که فرصت بسیار ناب و بکر و بی‌نظیری است فراهم کرد تا دانش‌آموزانی که از نظر رشدی با همدیگر در سطح بیش‌و کم یکسانی قرار دارند، بتوانند هم‌افزایی کنند.



فضیلت تفکر

© علی لطیفی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

نمی‌کنند. یا با کمال تأسف، از آن‌ها استفاده ناشایست می‌کنند. آنچه باعث می‌شود مهارت‌های فکری را که آموخته‌ایم به کار بگیریم و مهم‌تر اینکه از آن‌ها به شایستگی استفاده کنیم، برخورداری از مجموعه‌ای از خلق‌وخوها، روحیه‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، عادت‌ها و گرایش‌های درونی قوی است که آن‌ها را فضایل یا منس‌های

انواع تفکر انتقادی و خلاق و مانند آن. اما به استناد تأملات و مطالعات گوناگون و تجربه‌های عینی بیشتر مربیان پرورش تفکر، چنین تصویری یک کلیشه نادرست است. البته برای فکر کردن به آموختن و ممارست مهارت‌ها و ابزارهای تفکر نیاز داریم، ولی این همه ماجرا نیست. افراد بسیاری هستند که «مهارت» فکر کردن را آموخته‌اند، اما از آن استفاده

آموزش مهارت‌های تفکر کافی نیست

تصور غالب خیلی‌ها از پرورش تفکر، خلاصه می‌شود در آموزش مهارت‌های فکری و حداکثر فراهم آوردن موقعیت‌هایی برای تمرین این مهارت‌ها. شاید به همین خاطر است که معمولاً تا از «پرورش تفکر» صحبت می‌شود، ناخودآگاه به یاد «مهارت‌های فکر کردن» می‌افتیم؛ همان مهارت‌های

تفکر می‌نامند. فضیلت یا منش حالتی درونی است که به درجه‌ای از پایداری و ثبات در شخصیت فرد رسیده (یعنی حالتی گذرا و موقتی نیست) و نوعی انگیزختگی و علاقه عمیق نسبت به افعال و رفتارهای متناسب را با خود به همراه دارد. به خاطر این دو ویژگی، کسی که از فضیلت یا منش برخوردار است، می‌تواند افعال و رفتارهای متناسب با آن را به‌آسانی و با سرعت و دقت مناسب و در موقعیت‌های گوناگون انجام دهد. فضیلت‌ها و منش‌های تفکر نقشی کلیدی در خوب فکر کردن ما دارند. دیگر نکته مهم اینکه معمولاً در برابر هر فضیلت فکری، برخی ردیلت‌ها هم هستند که باید آن‌ها را بشناسیم و به حریم شخصیتی خود و متریبانمان راه ندهیم.

مهم‌ترین فضیلت‌های تفکر

هرچند فهرست فضیلت‌های فکری شامل موارد متعددی می‌شود، لکن در اینجا ضمن اشاره به برخی از مهم‌ترین آن‌ها، معنای هر یک و برخی نشانه‌ها و آثار آن‌ها را مرور می‌کنیم:

کنجاوی و عشق به دانستن

علاقه عمیق به کشف کردن و شوق همیشگی به دانستن و آموختن، یک روحیه است که در فعال کردن توانایی‌ها و مهارت‌های تفکر فرد نقش مهمی دارد. معمولاً این روحیه در خردسالان به صورت برجسته‌تر و مشهودتر مشاهده می‌شود. افرادی که از این منش برخوردارند، غالباً نسبت به پدیده‌های گوناگون، شگفتی‌های آفرینش و محیط پیرامون خود حساس هستند. همیشه دوست دارند چیزهای تازه یاد بگیرند و محیط‌ها و فعالیت‌های جدید را تجربه کنند. علاقه‌مند به شناخت وسایل و ابزارهای جدید و ناشناخته و دستکاری

آن‌ها هستند. اهل پرسشگری هستند و از مطالعه لذت می‌برند. این منش فکری در برانگیختگی و ترغیب فرد به اندیشیدن، مطالعه و تحقیق نقش مهمی دارد.

حق‌جویی و انصاف فکری

منظور از حق‌جویی در تفکر این است که انسان هنگام فکر کردن، گفت‌وگو و اندیشه‌ورزانه با دیگران و یا پرسش کردن از آن‌ها، واقعاً به دنبال یافتن حقیقت باشد، نه اثبات منافع و خواسته‌های خود، یا ثابت کردن برتری خود، یا تحقیر و تمسخر دیگران یا مچ‌گیری آن‌ها! انصاف فکری هم به این معناست که فرد همان‌گونه و بر اساس همان معیارهایی که ادعای دیگران را سنجش و ارزیابی می‌کند، دیدگاه‌های خودش یا اطرافیانش را نیز، بدون در نظر گرفتن منافع و احساسات شخصی یا گروهی، بسنجد و در این زمینه سوگیری نداشته باشد. از ویژگی‌های افراد برخوردار از این فضیلت آن است که به‌آسانی آماده پذیرش اشتباهات خود و اقدام برای تصحیح آن هستند. کسانی که چنین فضیلتی را در درون خود پرورش ندهند، در معرض ردیلت‌ها و آسیب‌هایی همانند «تعصب‌ورزی و لجاجت فکری (اصرار بی‌جا و بی‌دلیل روی حرف خود)، تحریف و دستکاری عمدی معلومات و مرء (مخاصمه کلامی و ایراد اعتراض به سخن دیگری به هدف تحقیر وی و اظهار برتری خویش)» هستند که هر سه مورد آن‌ها در آیات و روایات متعدد و آثار اخلاق اسلامی نکوهش شده است.

تواضع فکری و علمی

تواضع از مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاق اسلامی، هم در عرصه سلوک و رفتار فردی و هم در زمینه علم‌آموزی و اندیشه‌ورزی، است. بر اساس روایات،

از مهم‌ترین نتایج علم، پدید آمدن ملکه تواضع در عالم است. این مفهوم را می‌توان این‌گونه توضیح داد که دانشمند واقعی، هنگامی که عظمت و وسعت حقایق هستی و شامل بودن علم خداوند نسبت به این حقایق را در نظر می‌آورد و از سوی دیگر دانسته‌های خود را با نادانسته‌هایش مقایسه می‌کند، نادانسته‌هایش را بسیار بیشتر از دانسته‌هایش می‌یابد. به همین خاطر احساس فروتنی می‌کند. تواضع فکری به معنای خاص نیز بدان معناست که فرد از نادانی‌ها و محدودیت‌های فکری خود آگاه و در فرایند اندیشه‌ورزی، از غرور و خودمحوری به دور باشد. کسانی که از این فضیلت فکری برخوردارند، درباره آنچه نمی‌دانند، ادعای غیرواقعی نمی‌کنند، بلکه صادقانه به آنچه نمی‌دانند اعتراف می‌کنند. در آیات و احادیث متعدد، اظهار علم نسبت به نادانسته‌ها ناپسند شمرده شده و در عوض، گفتن جمله «نمی‌دانم» در هنگامی که شخص نسبت به موضوعی آگاهی کافی ندارد، ستایش شده است.

حکمت

واژه «حکمت» در میراث اسلامی ما کاربردها و معانی متعدد و متنوعی دارد. در فلسفه و اخلاق اسلامی، این واژه هنگامی که به عنوان فضیلتی برای قوه عقل عملی به کار می‌رود، به معنای یک حالت درونی پایدار (ملکه) است که فرد برخوردار از آن می‌تواند بدون درنگ و دشواری، نیروی تدبیر و تفکر عملی خود را صرفاً در امور و موقعیت‌های اثرگذار در سعادت حقیقی خود به کار بگیرد. به عبارت دیگر، بر اساس این معنا، انسان «حکیم» کسی است که: - از توانایی‌های فکری خود فقط در مسیر آنچه به سود خوشبختی واقعی‌اش است، استفاده می‌کند؛

- استفاده از تفکر برای حل مسائل زندگی، بجا و به اندازه است؛
 - از به کارگیری تفکر برای مقاصد ناشایست و ضارزش (همانند حيله گری، آزار رساندن و ظلم به دیگر انسان‌ها و موجودات) و حتی مقاصد و امور بیهوده، غیر حکیمانه و بی ارزش یا کم ارزش خودداری می کند؛
 - تفکر او تحت هدایت قوه عقل (که عالی ترین مرتبه وجودی انسان است و رو به سوی خداوند دارد) فعالیت می کند، نه تحت رهبری قوه وهم (که به مرتبه حیوانی وجود انسان مربوط است).
 بی تردید، فضیلت حکمت، یکی از مهم ترین فضایل فکری از منظر حکمای اسلامی است که متأسفانه در دوره معاصر مورد فراموشی، سوء فهم و کم مهری واقع شده است.

پشتکار فکری

داشتن پشتکار فکری به این معناست که فرد در مسیر مواجهه با مسئله و یافتن راه حل، در هنگام تأمل درباره موقعیتی پیچیده یا در فرایند جست و جوی و کشف حقیقت، سختی های اندیشه ورزی و پژوهش را به جان بخرد و از تکاپوی فکری خسته نشود. هر چند فکر کردن خیلی ارزشمند است، اما معمولاً کار راحتی نیست. به همین خاطر، خیلی ها ترجیح می دهند زحمت فکر کردن را به خودشان ندهند و از نتیجه تفکر دیگران استفاده کنند؛ به خصوص اگر به تنبلی فکری عادت کرده باشند. تنبلی فکری مهم ترین ردیلتی است که در برابر این منش قرار دارد و معمولاً انسان را به تدریج به تعطیلی فکر می رساند. چنین فردی حوصله تأمل ندارد، خیلی سریع و قبل از آنکه درباره یک مسئله فکر کند، دوست دارد درباره آن حرف بزند یا به راه حل برسد و به همین خاطر از

انضباط فکری چندانی برخوردار نیست.

استقلال فکری

منظور از استقلال فکری آن است که فرد این روحیه و آمادگی را داشته باشد که خودش به صورت مستقل و بر پایه نظام باورها یا به تعبیر دیگر فلسفه شخصی صحیح و استواری که خود به آن دست یافته، درباره مسائل مختلف تأمل و داوری کند و خود شواهد و دلایل آن‌ها را به صورت مستقل واری کند. البته برخورداری از این روحیه به معنای نفی یا حتی بی توجهی به نظرات و دیدگاه های دیگران نیست. متفکر مستقل کسی است که در عین توجه به دیدگاه های دیگران و استفاده از آن‌ها، مقهور اسم افراد یا مشهور بودن آن‌ها نمی شود، بلکه با خودباوری معقول، ادعاها و دلایل آن‌ها را بار دیگر به دقت بررسی می کند.

برای پرورش فضیلت ها و منش های تفکر در دانش آموزان چه کنیم؟

منش های تفکر، خلق و خوی های هستند که به تدریج در عمیق ترین لایه های درونی وجود انسان رسوخ می کنند. برای همین، پرورش آن‌ها نیازمند حوصله، استمرار، دقت نظر و بهره گیری از مجموعه ای متنوع از ملاحظات و راهکارهاست که برخی از آن‌ها بدین قرارند:

● الگوهای عملی خوبی باشیم. کنجکاو بودن، انصاف فکری داشتن، متواضع بودن و اهل تلاش فکری بودن، ویژگی هایی هستند که اگر دانش آموزان آن‌ها را در ما نیابند، به سختی می توانیم از آن‌ها انتظار داشته باشیم به چنین روحیاتی آراسته شوند.

● اهل پرسش و پرسشگری باشیم. پرسشگری مناسب، کلید رشد بسیاری

از منش های فکری، به خصوص کنجکاو و عشق به دانستن، پشتکار و استقلال فکری است.

● به دانش آموزان فرصت کافی برای تأمل بدهیم. عادت دادن دانش آموزان به انتقال بسته بندی شده و یکسویه مطالب درسی، زمینه شکل گیری عادت های فکری خوب را در آن‌ها از بین می برد.

● هیچ گاه از تقویت انگیزه های درونی اندیشه ورزی غفلت نکنیم. تمام منش های فکری به نوعی گرایش، علاقه و احساس درونی متکی هستند. تقویت این گرایش های درونی در موقعیت های مختلف فردی و گروهی، هنگام به نمایش گذاشتن یک رفتار متناسب با این فضایل از سوی دانش آموز، هنگام انجام یک تمرین کلاسی یا حتی در ضمن یک فعالیت تفریحی، می تواند به تدریج آثار ماندگاری داشته باشد.

● فرصت های یادگیری تعاملی و گروهی طراحی کنیم. در چنین فرصت هایی، زمینه بهتری برای تمرین و توجه به بسیاری از منش های فکری فراهم است؛ البته در صورتی که برای آن‌ها برنامه ریزی داشته باشیم.

● درباره فضایل فکری و اهمیت آن‌ها و ناپسندی ردایل فکری گفت و گو کنیم و داستان بخوانیم!

منابع

۱. محمد الری شهری. العلم و الحکمة فی الكتاب و السنّة. دارالحدیث. ۱۳۹۰.
۲. منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، شهید ثانی، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹.
۳. آیت الله محی الدین حائری شیرازی. تفکر. معارف. ۱۳۹۷.
4. A taxonomy of critical thinking dispositions and abilities. Robert Ennis, In: J. B. Baron & R. J. Sternberg (Eds.), Teaching thinking skills: Theory and practice, 1987.
5. The disposition toward critical thinking: Its character, measurement, and relationship to critical thinking skill, Peter Facione, In: Informal Logic, 20 (1), 2000.



چنین است معلمی

اعظم لاریجانی

← امروز که به دلیل شیوع بیماری کرونا شکل آموزش تغییر یافته است، معلمی هم فداکاری بیشتری می‌طلبد. چنانکه یکی رنج راه را به جان می‌خرد تا خود را به دانش‌آموزانی برساند که از آموزش مجازی بی‌بهره‌اند. و آن یکی روی تخت بیمارستان، تا آن لحظه که جان در بدن دارد، معلمی می‌کند. دیگری هم ارثیه ۱۲ میلیارد ریالی خود را برای خرید تبلت و گوشی برای دانش‌آموزان محروم در روستاهای خوزستان وقف می‌کند! او که در روستای دهجی در جنوب استان خوزستان به دنیا آمده است، خود با محرومیت آشناست و سال‌ها نیز در مناطق محروم معلمی کرده است. مجله رشد معلم به گفت‌وگویی ساده و صمیمانه با حسین اسدی نشست است.

خودشان آینده‌شان را می‌سازند.

مجله آیا اقدام شما برای دیگران الهام‌بخش بود؟

بله. در همان ابتدا برادرم هم ۲۵۰ میلیون تومان کمک کرد. یکی از معلمان اهوازی نیز ارثیه‌اش را برای ساخت مدرسه اهدا کرد. افراد متعددی در داخل و خارج از ایران برای کمک اظهار آمادگی کردند. بعضی خرده می‌گرفتند که چرا کار را رسانه‌ای کردم؛ پاسخ من این است که برای ایجاد انگیزه و ترغیب دیگران به چنین کارهای خدایسندانه‌ای.

همین‌طور هم شد. فیلم‌هایی که از شادمانی کودکان بعد از دریافت گوشی‌ها گرفته شده‌است، آن‌قدر دیگران را تحت تأثیر قرار داده‌است که هر کسی را وادار می‌کند دست به کار خیر شود. دیدن لبخند رضایت کودکان، حتی برای خود من هم انگیزه جدیدی ایجاد کرده است. قصد دارم با کمک دوستان و خیرین، مدرسه‌های عشایری تأسیس کنم. این راه ادامه‌دار است.

حسین اسدی کارشناس ارشد فلسفه و حکمت است. ۲۸ سال در مقطع ابتدایی سابقه تدریس دارد. چندین بار رتبه‌دار تدریس الگوهای برتر بوده است. در سال ۹۱ معلم نمونه استان خوزستان و در سال ۹۴ معلم نمونه کشور شد و در حال حاضر راهبر آموزشی شهرستان اندیمشک است.

مجله به نظر شما این کار چه تغییری در زندگی این دانش‌آموزان ایجاد می‌کند؟ کودک نباید غیر از درس خواندن و شاد بودن دغدغه دیگری داشته باشد. باید به آینده امیدوار باشند. چنین کودکانی خودشان زندگی‌شان را تغییر می‌دهند. من با این کار فقط شرایط را مهیا کردم تا آن‌ها احساس نکنند چیزی از دیگر دانش‌آموزان کم دارند. آن‌ها با بازگشت به درس خواندن،

مجله چرا تصمیم گرفتید با ارثیه پدری خود، برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت موبایل و تبلت بخرید؟

تصمیم داشتم با ارثیه پدرم یک خودروی خوب بخرم. حتی تا پای قرارداد هم رفته بودم که تماسی از دبستان شهید رجایی مرا به راه دیگری کشاند. آن‌ها گفتند دانش‌آموز دختری، به خاطر نداشتن گوشی، افسرده شده است! نباید اجازه داد هیچ کودکی در هیچ شرایطی افسردگی را تجربه کند و به دلیل نداشتن گوشی هوشمند، از تحصیل دور شود. بلافاصله برای او یک گوشی خریدم. شادی و رضایت او باعث شد دیگر به روان بودن فرمان آن خودرو فکر

نکنم. تصمیم قطعی بود. با ۱۲ میلیارد ریال ۴۴۳ تبلت و گوشی برای دانش‌آموزان کم‌برخوردار خریدم تا از افت تحصیلی این عزیزان جلوگیری شود.





استانداردهای سواد اطلاعاتی

بخش دوم



دکتر اکرم عینی

در شماره قبل با موضوع سواد اطلاعاتی آشنا شدیم و در این شماره شش استاندارد سواد اطلاعاتی معلم با شاخص عملکردی و نتایج حاصل به تفصیل بیان می‌شود:

استاندارد ۱

معلم باسواد اطلاعاتی نیاز اطلاعاتی را تعریف و بیان و برای بازیابی اطلاعات ابزارها و راهکارهایی را انتخاب می‌کند.

شاخص‌های عملکردی

الف) نیاز اطلاعاتی را تشخیص می‌دهد. نتایج حاصل

- شناسایی اطلاعات مورد نیاز. شناسایی نیاز اطلاعاتی با بیان یک موضوع در حوزه مناسب، مثل ارائه طرح درس.

- تعیین عواملی که این نیاز اطلاعاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مثل ماهیت، میزان و شکل اطلاعات مورد نیاز مخاطب

دانش آموز.

- بررسی منابع اطلاعاتی به منظور آشنایی با دامنه نیاز اطلاعاتی
- شناسایی انواع مواد و منابع قابل دسترس مثل دایرةالمعارف‌ها، و مقالات خبری برخط تخصصی معتبر و ارزیابی شده

- تعریف یا اصلاح نیاز اطلاعاتی برای دستیابی به منابع اطلاعاتی جدید و مدیریت جست‌وجو

ب) نیاز اطلاعاتی را بیان کند.

نتایج حاصل

- برای تدوین و روشن کردن نیاز

اطلاعاتی، سؤالاتی کلیدی تنظیم می‌کند.

- نیاز اطلاعاتی را به مفاهیم و واژه‌های جزئی خرد می‌کند.

- کلمات مترادف و جایگزین را که نشان‌دهنده مفاهیم جزء است، انتخاب و از آن‌ها استفاده می‌کند.

پ) برای برآوردن نیاز اطلاعاتی، راهبردهایی را انتخاب می‌کند.

نتایج حاصل

- حوزه‌هایی را که دانش را سازمان‌دهی می‌کنند، می‌شناسد و تأثیر



شناسایی مفاهیم

شناسایی مفاهیم
جست‌وجویی



انتخاب کلیدواژه

انتخاب کلیدواژه‌هایی که
مفاهیم را شرح می‌دهد



تعیین مترادف

تعیین مترادف‌ها، واژه‌های
مرتبط یا دیگر انواع آن



انتخاب عملگر

انتخاب عملگرهای
جست‌وجویی



انجام کاوش

انجام کاوش با کلیدواژه‌ها و
ترکیب عملگرها



ارزیابی نتایج

ارزیابی نتایج، تعداد نتایج،
میزان ربط آن‌ها با پرسش



اصلاح کاوش

اصلاح جستجو (در صورت نیاز
برگشت به مراحل ۲ تا ۴)
و بازنگری در آن



سایر موتورهای جست‌وجو

در صورت عدم دریافت نتیجه،
آزمایش موتورهای جست‌وجو
و پایگاه‌های دیگر



آن‌ها را بر شیوه جست‌وجو و دسترسی به اطلاعات موردنیاز می‌داند.

● می‌داند اطلاعات رشته‌های علوم تربیتی، علوم اجتماعی و حوزه‌های مرتبط به‌طور رسمی و غیررسمی چگونه تولید، سازمان‌دهی، اشاعه، دسترس‌پذیر و نگهداری می‌شوند.

● برای برآوردن نیاز اطلاعاتی، ارتباط آن با رشته‌های دیگر را هم در نظر می‌گیرد.

● انجمن‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها، بنگاه‌های دولتی و موقعیت‌ها و افراد کلیدی را برای کشف، بازیابی، و تحلیل اطلاعات می‌شناسد. مثل فهرست انجمن‌های علمی که در سایت اداره کتابخانه سازمان پژوهش به نشانی lib.oerp.ir ارائه شده است.

● برای برآوردن نیاز اطلاعاتی ارزش و عامل بالقوه انواع منابع اطلاعاتی را در نظر می‌گیرد.

ت) برای پیدا کردن اطلاعات ابزارهایی را انتخاب می‌کند.

نتایج حاصل

● می‌داند شکل و نوع دلخواه اطلاعات موردنیاز از کجا قابل دسترس است و چگونه می‌توان به آن‌ها دسترسی داشت (جایابی منابع برای موضوع انتخاب‌شده).

● می‌داند اطلاعات کتاب‌شناختی مقالات علمی انگلیسی را می‌توان در

پایگاه اریک (مرکز اطلاعات منابع اطلاعاتی آموزش و پرورش^۱) بازیابی کرد. **پوشش موضوعی:** تعلیم و تربیت شامل آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی، آموزش بزرگسالان، آموزش فنی و حرفه‌ای و مدیریت آموزشی است. می‌داند از طریق سایت مرکز ملی آمار به نشانی <https://www.amar.org.ir> می‌توان به آمار آموزش و پرورش دسترسی داشت. همچنین، دسترسی و قابلیت استفاده از منابع اطلاعاتی را تعیین می‌کند و منابع قابل دسترس را از طریق کتابخانه‌های عمومی و یا کتابخانه‌های تخصصی دیگر اطلاع‌یابی می‌کند.

استاندارد ۲

معلم با سواد اطلاعاتی اطلاعات را بر اساس تناسب آن‌ها با نیاز اطلاعاتی خاص و عمومی خود، جایابی و انتخاب می‌کند.



شاخص‌های عملکردی

الف) اطلاعات را جایابی می‌کند.

نتایج حاصل

- ابزارهایی را انتخاب می‌کند که دسترسی به اطلاعات را در انواع شکل‌ها ارائه می‌کنند.
- از این ابزارها برای دسترسی به اطلاعات استفاده می‌کند.
- برای جایابی اطلاعات، راهبردهای کارآمد را انتخاب و از آن‌ها استفاده می‌کند.
- از اطلاعات سازمان‌دهی‌شده و طرح‌های رده‌بندی‌گوناگون استفاده می‌کند. مثل رده‌بندی کتابخانه کنگره.
- از راهبردهای جستجوی پیشرفته در انواع نظام‌های بازیابی الکترونیکی اطلاعات استفاده می‌کند؛ مثل عملگرهای بولی.
- با ترجمه و تعبیر مفاهیم به کلمات کلیدی دقیق و مترادف، با استفاده از ابزارهایی مانند اصطلاحنامه، اصطلاحات مناسب را به کار می‌گیرد.
- در شیوه جست‌وجو بر اساس نتایج حاصل، تجدیدنظر می‌کند.
- در بین مدارک بازیابی‌شده الکترونیکی، برای شناسایی اطلاعات مرتبط بیشتر، از پیوندها استفاده می‌کند.
- از خدمات برخط تخصصی یا خدمات مرجع الکترونیکی بهره می‌گیرد.

ب) اطلاعات را انتخاب می‌کند.

نتایج حاصل

- کمیت، کیفیت و ربط اطلاعات بازیابی‌شده را ارزیابی می‌کند.
- جنبه‌های حرفه‌ای منابع اطلاعاتی انتخاب‌شده را که نیاز اطلاعاتی را برآورده می‌کنند و برای مخاطب موردنظر مناسب هستند، تعیین می‌کند. مثال: انتخاب موضوعی برای یک طرح درس که هم‌راستا با استانداردهای ملی برای گروه سنی خاص است.
- برای برآوردن نیاز اطلاعاتی، مطالب مرتبط یک منبع را انتخاب می‌کند.
- از ویژگی‌های یک منبع اطلاعات برای انتخاب ایده‌ها و اقدامات مناسب استفاده می‌کند.

استاندارد ۳

معلم با سواد اطلاعاتی اطلاعات را در زمینه نیازهای اطلاعاتی خاص و متناسب

با حرفه، برای مخاطب سازمان‌دهی و تجزیه و تحلیل می‌کند.

شاخص‌های عملکردی

الف) اطلاعات را سازمان‌دهی می‌کند.

نتایج حاصل

- از فرایندهای گوناگون برای حفاظت، سازمان‌دهی، و مدیریت منابع جایابی‌شده استفاده می‌کند. مثال: ذخیره اطلاعات روی پوشه یا استفاده از یک دستگاه اسکنر.

ب) اطلاعات را تجزیه و تحلیل می‌کند.

نتایج حاصل

- ساختار، منطق و هرگونه روش یا استدلال مؤید اطلاعات را تحلیل می‌کند.
- تعیین می‌کند چگونه فلسفه آموزشی یا دیدگاه نظری فرد بر نحوه استفاده، انتخاب و ارائه اطلاعات تأثیر می‌گذارد.
- محتوا و زمینه تجاری، فرهنگی، تاریخی و یا هر زمینه‌ای را که اطلاعات در آن ایجاد شده است، می‌شناسد و بر تأثیر زمینه و محتوا در تفسیر اطلاعات آگاهی دارد.
- سودمندی و تفاوت بین منابع اطلاعاتی را می‌شناسد.

استاندارد ۴

معلم با سواد اطلاعاتی، به روشی متناسب با مقاصد که در آن اطلاعات مورد نیاز است، اطلاعات را ترکیب، پردازش و ارائه می‌کند.

شاخص‌های عملکردی

الف) پردازش اطلاعات

نتایج حاصل

- تعیین می‌کند آیا دیدگاه‌هایی که در بازیابی اطلاعات با آن مواجه شده‌است را بپذیرد یا رد کند.
- اطلاعات، مفاهیم، داده‌ها، یا اقدامات را از جهت وابستگی، مرتبط و غیرمرتبط بودن می‌شناسد و آن‌ها را با شواهد پشتیبان^۳ ترکیب می‌کند.
- به منظور ساخت اطلاعات، نظریه‌ها یا فرضیه‌های جدید را به سطح انتزاعی بالاتر بسط می‌دهد.
- بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده، استنتاج و نتیجه‌گیری می‌کند.
- با روش‌های پذیرفته‌شده مثل

مشاهده، بررسی و پیمایش و یا آزمون‌ها، نظریه‌ها و فرضیه اطلاعات را می‌سنجد.

ب) اطلاعات را ترکیب می‌کند.

نتایج حاصل

- برای بررسی تعامل بین اطلاعات، منابع آموزشی، شیوه‌های اسناد و مدارک یا هر اطلاع دیگر، از ابزارهای تحلیلی مانند صفحه گسترده و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کند.

● برای ارائه نظریه و دیدگاه‌های جدید یا به‌منظور افزایش عملکرد حرفه‌ای، اطلاعات جدید را با اطلاعات یا دانش قبلی تلفیق می‌کند.

پ) اطلاعات را ارائه می‌کند.

نتایج حاصل

- بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده، نتایج را بیان می‌کند.
- برای برنامه‌ریزی و اجرای یک اقدام آموزشی، از اطلاعات جدید و قبلی استفاده می‌کند.
- یک رسانه ارتباطی را که بهترین پشتیبان یادگیری عملکردی یا اقدام آموزشی است، متناسب با سبک یادگیری مخاطبان قصد شده‌است، انتخاب می‌کند.
- تعیین می‌کند در صورتی که ارائه و نمایش اطلاعات برای هر تنوع (فرهنگ، قومیت، نژاد، مذهب و غیره) متناسب و مسئولانه است، آن را برای مخاطبان قصدشده ارائه کند.
- برای خلق محصول یا اقدامات آموزشی، از طیف وسیعی از قابلیت‌های فناوری استفاده می‌کند.
- اطلاعات را به شیوه‌ای سازمان‌دهی و ارائه می‌کند که از اهداف، شکل آموزشی، تولیدات علمی یا عملکرد حرفه‌ای پشتیبانی می‌کند.
- متن، عکس و داده‌ها را به صورت اخلاقی و قانونی به کار می‌برد و به هنگام نیاز و ضرورت، آن‌ها را از شکل اصلی به زمینه یا شکل جدید انتقال می‌دهد یا تبدیل می‌کند.
- در کلاس یا انجمن‌های الکترونیکی با مسئولیت حرفه‌ای که با هدف تشویق گفت‌وگو طراحی شده‌اند، شرکت می‌کند.
- با همکاران، استادان یا دیگر کارشناسان آموزشی تعامل و همکاری مشترک دارد.

استناد به کتابی که یک نویسنده دارد	
به کتابی که یک نویسنده دارد به این صورت استناد می‌شود:	
الگوی کلی	
در متن	(نام‌خانوادگی نویسنده، سال نشر، شماره صفحه یا صفحات)
در فهرست منابع	نام‌خانوادگی نویسنده، نام، (سال نشر). عنوان کتاب. محل نشر: نام ناشر.
مثال فارسی	
در متن	(دلاور، ۱۳۹۲، ۲۵) یا (دلاور، ۱۳۹۲، ۲۸-۳۰) یا (دلاور، ۱۳۹۲، ۲۵، ۷۵)
در فهرست منابع	دلاور، علی. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. تهران: جامعه‌شناسان.
مثال انگلیسی	
در متن	(Weiner, 2010) (Chessick, 2007)
در فهرست منابع	Chessick, R. D. (2007). <i>The future of psychoanalysis</i> . New York, NY: State University of New York Press Weiner, M. F. (2010). <i>Power, protest, and the public school: Jewish and African American struggles in New York City</i> . New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.

استاندارد ۵

معلم باسواد اطلاعاتی توانایی ارزشیابی فرایند کامل اطلاع‌یابی و هر قطعه مجزای اطلاعات را دارد.

شاخص‌های عملکردی

الف) هر قطعه مجزای اطلاعات را ارزیابی می‌کند.

نتایج حاصل

● به منظور ارزیابی و تعیین اعتبار، روایی، صحت و پایایی، اطلاعات منابع مختلف را آزمایش، مقایسه و تحلیل انتقادی می‌کند.

● تفاوت بین منابع اطلاعاتی و ابزار ارزیابی را می‌داند و از آن استفاده می‌کند.

● با تعیین منبع اطلاعات، محدودیت‌ها و شواهدی که بر اساس نتیجه‌گیری ایجاد شده‌اند، صحت و درستی احتمالی اطلاعات را تعیین می‌کند.

● تقلب یا دستکاری اطلاعات را می‌شناسد و از استفاده کلیشه‌ای یا توهین‌آمیز اطلاعات اجتناب می‌کند.

ب) فرایند اطلاع‌یابی را ارزیابی می‌کند.

نتایج حاصل

● تعیین می‌کند اطلاعات بازیابی شده

به اندازه کافی نیاز اطلاعاتی را برآورده کرده باشد.

● راهبردهای جست‌وجو را اصلاح می‌کند و با ابزار یا روش‌های تحقیقی جدید، تا به دست آوردن اطلاعات موردنیاز، جست‌وجو را ادامه می‌دهد.

استاندارد ۶

معلم باسواد اطلاعاتی می‌داند به لحاظ اخلاقی چگونه از اطلاعات استفاده و آن‌ها را منتشر کند.

شاخص‌های عملکردی

الف) اطلاعات را به صورت اخلاقی استفاده می‌کند و آن‌ها را انتشار می‌دهد.

نتایج حاصل

● مسائل اخلاقی، حقوقی، و اجتماعی - اقتصادی پیرامون اطلاعات و فناوری اطلاعات را می‌شناسد.

با حق مالکیت فکری و حق مؤلف، قانون آموزش افراد دارای معلولیت (آی‌دی‌ای‌ای) ۴ و یا مشکلات ناشی از ایجاد و پردازش اطلاعات آشناست.

● درک درستی از مالکیت معنوی، حق چاپ و نشر و استفاده منصفانه از مواد دارای حق چاپ و نشر نشان می‌دهد.

● با احترام به ایده‌های دیگران، از سرقت ادبی دوری می‌کند.

اگر یک فرد، ایده، متن از هر حوزه‌ای شامل کتاب، فیلم، مقاله، نقاشی، اختراع، عکس، موسیقی، محتوای سایت و... منتصب به فرد دیگری را به نام خود منتشر یا بدون ذکر نام صاحب اثر از آن استفاده کند، سرقت ادبی^۵ انجام داده است.

● برای استناد به منابع اصلی اطلاعاتی، سبک مستندسازی مناسب را انتخاب می‌کند و به کار می‌گیرد. مثل دست‌نامه انتشارات انجمن روان‌شناسی آمریکا^۶ (جدول ۱).

● استناد به منابع نشان می‌دهد پژوهشگر انواع منابع را مشاهده و از آن‌ها استفاده کرده است.

● از منابع، عبارات، اسناد یا داده‌هایی بصری استفاده می‌کند که محدودیت حق چاپ و نشر نداشته باشند.

● برای استفاده از مواد دارای حق چاپ و نشر، کسب اجازه می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

- ERIC (Education Resources Information Center)
- linkages
- support ing evidence
- The Individuals with Disabilities Education Act (IDEA)
- Plagiarism
- American Psychological Association (APA)



جشن خلاقیت

گفت‌وگو با مدیر پژوهش‌سرای دخترانه بصیرت شهری

هوشنگ غلامی

«همه تمهیدات قانونی برای رشد و شکوفایی پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی دیده شده‌اند. این پژوهش‌سراها می‌توانند برای توسعه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی دانش‌آموزان فعالیت‌های متنوع، ابتکاری و نوآورانه‌ای داشته باشند. پژوهش‌سراها همچنین می‌توانند چهره و سیمای آموزش و پرورش ما را عوض کنند و دبیران و دانش‌آموزان را در معرض کسب مهارت‌های تفکر، ایده‌پردازی، تاب‌آوری و مسئولیت اجتماعی قرار دهند، ولی اکنون از طرف مسئولان و متولیان نظام آموزشی به‌طور جدی حمایت و پشتیبانی نمی‌شوند.»

مطالب بالا شاکله بحث و گفت‌وگویی است که سعیده سلمانی‌زارجی، مدیر پژوهش‌سرای دانش‌آموزی دخترانه بصیرت ناحیه ۲ شهری و دبیر جشنواره ملی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی، با مسئولان رشد معلم داشت.

یکی از ابتکارات این پژوهش‌سرا، اجرای جشنواره ملی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی است که گزارش آن را با هم می‌خوانیم.

مقدمه لطفاً فرایند شکل‌گیری جشنواره ملی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی را توضیح دهید.

ما جشنواره را سه سال تحت عنوان ایده‌های برتر دانش‌آموزی در سطح استان تهران برگزار کردیم. در سال سوم ۹ استان دیگر نیز در جشنواره حضور داشتند. همه کارهای کارشناسی آن را طی مدت سه سال انجام دادیم. آسیب‌های احتمالی و راهکارهای آن را بررسی کردیم و یک‌دفعه نیامدیم بگوییم می‌خواهیم این کار جدید را انجام دهیم. چهارمین دوره هم به «جشنواره ملی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی» تبدیل شد. این تنها جشنواره‌ای است که در واقع از کف مدرسه، یعنی از ایده خود ما و همکاران ما، بالا آمد. من همه زندگی‌ام را روی این قضیه گذاشتم. تدریس در دانشگاه را رها کردم. چون دکترای شیمی هستم، در یک شرکت هم کار می‌کردم. آن را نیز رها کردم و کل وقت، انرژی و توانم را روی این کار گذاشتم.

بالاخره، با سماجی که داشتیم، قبول

از نظر علمی یا جهشی نجات دهد و ارتقا بخشد، همین مقوله خلاقیت و نوآوری است، کار جلو نمی‌رود. این نکته را اولیا باید بفهمند و حس کنند. برای تفهیم این موضوع، حدود ۳۲ وبینار برگزار کردیم. ضمن آن نیز با استادانی که در زمینه خلاقیت در ایران صاحب‌نظر هستند، مانند استادان دانشگاه تهران و استادان ستاد علوم‌شناختی، صحبت و ۲۰ وبینار علمی تخصصی خاص «خلاقیت، نوآوری، فرایندهای ذهن و کارکردهای مغز» برگزار کردیم. مثلاً دکتر قائدی را داشتیم. خانم دکتر افضل‌السادات حسینی را داشتیم. آن‌ها خیلی استقبال کردند و یک دوره برای ما برگزار کردند. برایشان بسیار جالب بود که بتوان یک کار عملیاتی انجام داد. نظرات ۲۰ استاد مطرح را جمع کردیم که مجموعه مکتوب آن نیز وجود دارد. دکتر برخورداری از دانشگاه خوارزمی نیز در زمینه «ذهن آگاهی» یک دوره برگزار کرد؛ همچنین، دکتر نوروزی از دانشگاه اصفهان، که در زمینه خلاقیت خیلی کار کرده است.

کردند ما در سطح کشور جشنواره برگزار کنیم. خیلی هم جواب خوبی گرفتیم. بر حسب اتفاق، فراخوان کار با آغاز دوران کرونا مصادف بود. همه‌جا تعطیل شد و دسترسی مستقیم به دانش‌آموز نبود. شروع کردیم به برگزاری وبینارهای ترویجی و آموزشی، تا مسئولان استان‌ها و شهرستان‌ها را نیز مطلع کنیم. جالب این بود که خیلی استقبال کردند. شبانه‌روزی کار کردیم. جاهای مختلفی رفتیم که کمک بگیریم. همه گفتند این چیزی است که به نفع دانش‌آموز است و خیلی هم کمک کردند. حدود هشت‌هزار شرکت‌کننده داشتیم. همه را به نوعی در فرایند آموزش و چالش درگیر کردیم. وبینارهای بسیاری برای اولیای دانش‌آموزان داشتیم.

مقدمه برای ترویج این تفکر چه اقداماتی انجام دادید؟

تازمانی که خود اولیا متوجه نباشند نیاز مهم جامعه ما همین خلاقیت و نوآوری است و آن چیزی که می‌تواند جامعه ما را

ما حتی برای سرگروه‌های آموزشی سازمان آموزش و پرورش استثنایی و خود دانش‌آموزان استثنایی کم‌توان ذهنی و جسمی کلاس گذاشتیم. دانش‌آموزان آن‌ها چهار گروه هستند. شرکت‌کنندگان خوبی از این گروه داشتیم. با سرگروه‌های درسی و دبیران آن‌ها نیز وینارهایی برگزار کردیم. همه این‌ها به خاطر این بودند که بتوانیم شروعی برای فرهنگ خلاقیت و نوآوری و فرهنگ تفکر کارآفرینانه داشته باشیم. در این راستا و در جشنواره، ایده و فکر بچه‌ها برایمان مهم بود و حتماً لازم نبود آن چیز را ساخته باشند. اگر فکر خلاقانه خود را ارائه می‌دادند، قابل قبول بود. یعنی ایده برای ما مهم است. فرایند تفکر مطرح است. یک مجموعه دوره‌های آموزشی نیز برای خود دانش‌آموزان، با عنوان دوره‌های پرورش خلاقیت و ایده‌پردازی، گذاشتیم. بچه‌ها با این آموزش‌ها و پیش‌زمینه‌های آموزشی، وارد کار شدند.

امکانات ما محدود بود. برای اینکه بتوانیم کارهای خود را انجام دهیم، شاید به حدود سی‌چهار مرکز رفتیم تا آخرش رسیدیم به بانک ملی. گفتند حمایت مادی می‌کنیم، ولی چون سال اول بود، آن‌ها نیز در مورد نوع و میزان کمک مالی مردد بودند. به هر حال مشکل ما را تا حدودی رفع کردند. جالب این است که پژوهش‌سراها بودجه زیادی دارند، ولی بودجه‌شان برای جشنواره‌های دیگر است. به ما هیچ کمکی نکردند. ما فقط با تلاش خودمان و کمک بانک ملی کار خود را جلو بردیم. آن‌ها کمک مالی می‌کردند، ولی فرایند تأیید آن از بالا به پایین بسیار طول می‌کشید. حتی برای خرج کردن این پول و کمکی که خودمان تهیه کرده بودیم، دسرهای بسیاری کشیدیم.

معلم با ایده‌ها و فکرهای رسیده از دانش‌آموزان چه کرده‌اید؟

همه ایده‌ها داوری شده‌اند. ما یک سامانه جامع داوری ایجاد کرده‌ایم که چیز منحصر به فردی است. داوری ما سه مرحله‌ای است. چون می‌خواستیم بررسی آثار و داوری‌ها به صورت فرایندی باشد و به نتیجه‌ای برسیم، یک سامانه اینترنتی ترتیب دادیم. ضمن اینکه داوران ما از سراسر کشور هستند. یک فراخوان در کل کشور دادیم و از همه متخصصان علاقه‌مند در این زمینه در ۴۲ رشته علمی دعوت کردیم. در بخش دانش‌آموزی ۱۴ محور داشتیم. یک محور به اولیا و مربیان و دو محور هم به نیروهای آموزشی و

«جشنواره ملی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی» تنها جشنواره‌ای است که در واقع از کف مدرسه، یعنی از ایده خود ما و همکاران ما، بالا آمد

اجرایی مدرسه‌ها مربوط می‌شد. داوران داوطلب شدند و سابقه کاری خود را فرستادند. حدود ۸۲ داور داشتیم که ۵۱ نفر از آن‌ها مدرک دکترا و بالاتر داشتند. سعی کردیم افرادی را جذب کنیم که واقعاً دغدغه آموزش و پرورش را دارند.

داوران در هر سه مرحله ایده‌های دانش‌آموزان را بررسی و داوری کردند و نظرات خود را درباره هر دانش‌آموز گفتند؛ به گونه‌ای که برای هر ایده هر دانش‌آموز، یک کارنامه تشکیل شد. هر داوری در هر زمینه نظر خود را درباره دانش‌آموز، طرح و ایده او مطرح کرده، نقاط ضعف و قوت کار را گفته و پیشنهاد

خود را ارائه کرده است. برای هر ایده، یک شناسنامه و کارنامه‌ای تهیه شد که می‌توان آن را در هر مرحله به دانش‌آموز داد. در داوری‌ها نمی‌خواستیم بچه‌ها را طبقه‌بندی کنیم که یک نفر فکر کند خیلی قوی است و دیگری حس کند ضعیف است. برخی از بچه‌ها حرفه‌ای شرکت در جشنواره‌ها هستند! این قبیل دانش‌آموزان همه‌جا شرکت کرده‌اند و همه‌جا هم انتظار دارند اول بشوند، رتبه بیاورند و نشان کسب کنند. ما بساط این کار را در کل به هم زدیم.

بیشترین استقبال شرکت در جشنواره از استان‌های محروم مانند هرمزگان و لرستان بود. کار ما به نوعی برعکس جشنواره خوارزمی بود. چون در جشنواره خوارزمی دانش‌آموز فکر و ایده خود را به نتیجه رسانده است. یعنی آن‌ها در واقع در آن جشنواره میوه چینی می‌کنند، به جای آنکه فرایند تولید میوه را ایجاد کنند. می‌آیند و می‌گویند دانش‌آموز کارهایش را انجام داده باشد، طرح و ایده خود را ساخته و به نتیجه رسیده باشد. ثبت اختراع کرده باشد و حالا بیاید و ارائه کند.

من خودم به عنوان مدیر پژوهش‌سرا می‌دانم که بعضی از این طرح‌ها و ایده‌ها هم کار خود دانش‌آموز نیست و ایده و طرح از استاد راهنماست. یعنی خانواده یا مدرسه هزینه هنگفتی صرف می‌کند، برای اینکه دانش‌آموز در جشنواره خوارزمی رتبه بیاورد. از استاد راهنما و استاد دانشگاه کمک می‌گیرد و او هم بخشی از پایان‌نامه یکی از دانشجویانش را می‌دهد به دانش‌آموز و او تا آخر می‌رود و رتبه هم می‌گیرد. در چنین شرایطی، دانش‌آموز در واقع فقط یک معرفی‌کننده و ارائه‌کننده صرف بوده و کار خاصی انجام نداده است. ما به خاطر اینکه چنین آسیب‌هایی را نداشته باشیم، طرح‌ها و ایده‌هایی را که شائبه پایان‌نامه داشتند، حذف کردیم.

معلم کمی درباره پویبش خلاقیت قرنطینه نیست توضیح دهید.

یکی از کارهایی که انجام دادیم، در همان اوایل آمدن کرونا، این بود که پویبشی برگزار کردیم. پویبش «خلاقیت قرنطینه نیست» را با کمک بانک ملی



ایجاد کردیم. زیاد هم سر و صدا کرد. در این پویش از دانش‌آموزان خواستیم از کار خلاقانه‌ای که خودشان یا پدر و مادرشان در خانه در هر زمینه‌ای انجام داده‌اند، یک فیلم ۵۰ ثانیه‌ای بگیرند و برای ما بفرستند تا داوری شود. استقبال بسیاری از این پویش شد و حدود ۵۰ فیلم برای ما فرستادند که داوری شد. دانش‌آموزی که طرح او را به‌عنوان نفر اول انتخاب کردیم، این بود که دانش‌آموز در آشپزخانه منزلشان، در کل فضای زیر کاسه ظرف‌شویی (سینک) که اکثراً استفاده نمی‌شود و حالت انباری دارد، لامپی گذاشته بود که هنگام باز شدن در کابینت، لامپ روشن می‌شد و هنگام بسته شدن نیز خاموش. مادرش هم آن فضا را طبقه‌بندی و از آن استفاده کرده بود. این کار را ما انتخاب کردیم، در حالی که خیلی‌ها ممکن است بگویند کجای این طرح نوآوری است. از نظر ما این مسئله فرایند تفکر دانش‌آموز را نشان می‌دهد. اول آمده مسئله‌یابی کرده، بعد فکر کرده حالا چه کار می‌شود کرد که این مشکل را حل کنیم و به فکرش رسیده که این کار را انجام بدهد. یک فرایند ساده را طراحی و مشکل را حل کرده است.

ما از دانش‌آموز همین را می‌خواهیم. اینکه ذهنش بتواند مشکلات ساده زندگی خودش را حل کند. ما نمی‌خواهیم مشکل کلان مملکت را دانش‌آموز حل کند. او اول باید بتواند مشکل خانواده خود و مسائلی را که با آن‌ها درگیر است، حل کند. همین دانش‌آموز برنده اتفاقاً آمده بود و همین فیلم را برای ماکروسافت هم فرستاده بود. ماکروسافت یک برنامه سالانه دارد که از همه دنیا، کارهایشان را برایش می‌فرستند. در دوران قرنطینه، یک بخش فیلم هم گذاشته بود که فیلم‌های خلاقانه را بفرستند. دانش‌آموز ما هم کار را فرستاده بود. دو سه روز بعد از آنکه ما نتایج را اعلام کرده بودیم، نتیجه ماکروسافت هم برای او آمده بود که در آنجا هم نفر اول شده بود. یعنی نخستین فیلمی که از کل دنیا نشان دادند، فیلم این دانش‌آموز ایرانی بود که به خلاقیت او توجه کرده بودند. این چیزی است که ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم. نه اینکه بروند هزینه کنند و کار شاق ارائه دهند و در

صف آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها بایستند و خود را معطل استادان دانشگاه‌ها کنند! از فکر خودشان استفاده کنند و مشکلات کوچک خود را حل کنند.

در دوره قبل نیز دو برادر در جشنواره شرکت کرده بودند که در واقع سه‌قلو بودند و یک قل آن‌ها معلول جسمی حرکتی بود و مدرسه نمی‌رفت، ولی دو نفر دیگر مدرسه می‌رفتند. این دو برادر برای اینکه مشکل برادر معلول را حل کنند، دو سه وسیله ساخته بودند که یکی دستگاه شست‌وشوی دندان (مسواک) معلولان بود که رتبه هم آورد و ما به او کمک کردیم. خانواده محرومی بودند. برای ساختن همین وسیله نزد ما آمدند و گفتند برای ساختن و تهیه این وسیله پول نداریم. پژوهش‌سرا که بودجه خاصی برای این کار ندارد، ولی ما از جیب خودمان به آن‌ها کمک کردیم تا وسایل موردنیاز را بخرند.

معلم ارتباط جشنواره خلاقیت را با باشگاه کارآفرینان جوان وزارت تعاون، توضیح دهید.

وزارت تعاون در مورد کشورهایی چون هند و مالزی که در زمینه کارآفرینی حرف اول را می‌زنند، مطالعاتی انجام داده بود تا ببینند آموزش دانش‌آموزی در این کشورهای مطرح چگونه است. در نهایت، براساس این پژوهش خود، یک مجموعه آموزشی تهیه کرده بودند و می‌خواستند باشگاه کارآفرینان نوجوان را راه‌اندازی کنند. در دو سه استان نیز کار خود را شروع کردند. ما از دوره سوم جشنواره رفتیم و با آن‌ها صحبت کردیم و برگزیدگان دوره سوم خود را وارد باشگاه کارآفرینان نوجوان کردیم. در همین فضای پژوهش‌سرا، فعالیت‌ها را انجام می‌دادند؛ فعالیت‌هایی که واقعا جذاب و منحصربه‌فردند و بچه‌ها در

آن‌ها خیلی خوب تعامل را یاد می‌گیرند و تیم تشکیل می‌دهند. تا آن اندازه که برای اولیای دانش‌آموزان هم جذاب است. آن‌ها می‌آمدند و از صبح تا عصر اینجا می‌ماندند تا فعالیت و کارهای بچه‌ها را ببینند. ما از کارآفرینان دعوت می‌کردیم بیایند با بچه‌ها درباره کارها و فعالیت‌هایشان صحبت کنند. بچه‌ها حین کار احساس نمی‌کردند چیزی یاد می‌گیرند، ولی بعد که از اینجا می‌رفتند، اغلب اولیا می‌گفتند حال بچه‌هایمان خیلی بهتر از وقتی است که وارد شده بودند. چون چیزی که یاد می‌گرفتند، به‌صورت عملی بود.

معلم شاید یکی از عوامل رضایت بچه‌ها و اولیای آنان، همین روند حل مسئله باشد! چون واقعا حال فرد را خوب می‌کند.

بله، کاملاً درست است. بچه‌ها همین‌طور بودند. آن‌ها با هم تیم تشکیل دادند و دارند کار می‌کنند، ایده می‌دهند و سعی می‌کنند آن را عملی کنند. فعالیت باشگاه هم به‌گونه‌ای است که خیلی به معلم نیاز ندارد و هزینه‌ای هم ایجاد نمی‌کند. مثلاً برای بچه‌ها رهیار تعریف می‌کنیم که وزارت تعاون آموزش‌هایی به این رهیارها می‌دهد. رهیارها دانشجویانی هستند که سنشان به بچه‌ها نزدیک است و هر پنج شش نفر یک تیم می‌شوند، با هم کار می‌کنند و با هم رفت و آمد دارند. مشکلات خود را هم مطرح می‌کنند. روش «بارش فکری» داشتیم. ما سعی داریم کاری را که از وزارت تعاون گرفتیم، در کل کشور اجرا کنیم، چون واقعا نیاز به مربی خاصی ندارد. ما حتی با دانشگاه فرهنگیان صحبت کردیم تا دانش‌جو معلمان بیایند و کار «رهیار»ها را انجام دهند، چون خودشان می‌خواهند بعداً معلم شوند.

موفقیت‌های پژوهش‌سرای دخترانه دانش‌آموزی بصیرت

- دبیرخانه جشنواره ایده‌های برتر دانش‌آموزی
- دبیرخانه مرکزی جشنواره جوان خوارزمی
- دبیرخانه جشنواره جوان خوارزمی
- قطب ایده‌پردازی و خلاقیت انسان
- پژوهش‌سرای برتر کشور در سال ۹۳
- پژوهش‌سرای برتر استان در سال ۹۵
- نهاد ترویجی برتر کشور در فناوری نانو در سال ۹۴
- آزمایشگاه فناوری نانو برتر کشور در سال ۹۴ و ۹۵



زنگ آخر، دم در

مریم شامی، آموزگار، زنجان

رتبه دوم، چهارمین دوره فراخوان خاطرات معلمی

مدتی به همین منوال گذشت. روزی به خاطر تصحیح اوراق امتحانی در زنگ تفریح در کلاس نشسته بودم که در کلاس باز شد. سید اکبر، یکی از شاگردانم، در پاشنه در نمایان شد و اجازه خواست وارد کلاس شود. کنار میز من ایستاد و از من خواست اجازه دهم امروز حسین کمی زودتر برود. وقتی علت را پرسیدم، جواب داد: خانم، به خدا حسین به خاطر دیدن خواهرش به سمت مدرسه دخترانه می‌رود. وقتی تعجب را در چشمان من دید، ادامه داد: آخه تابستان امسال پدر و مادر حسین به خاطر اعتیاد پدرش از هم جدا شده‌اند. حسین یک خواهر دوقلو دارد که در مدرسه دخترانه همسایه مادرش می‌خواند. حسین به سرعت از مدرسه خارج می‌شود تا خواهرش را ببیند. چون بعد از تعطیل شدن مدرسه، حسین با عمویش که روی وانت میوه می‌فروشد، به روستاهای اطراف می‌رود و شب برمی‌گردند. با پولی که حسین در ازای شاگردی از عمویش می‌گیرد، خرجی خواهر و مادرش را تأمین می‌کند. این پول را از طریق خواهرش به دست مادرش می‌رساند و الان مدتی است که نتوانسته‌است آنان را ببیند.

مات و مبهوت شده بودم. اکبر را فرستادم حسین را نزد من بفرستد. وقتی حسین وارد کلاس شد، از او پرسیدم: سید اکبر راست می‌گوید؟ و او با صدای ضعیف جواب داد: بله.

این بار چشمان من پر از اشک شده بود! چقدر احساس گناه می‌کردم!

گفتم: ببخشید حسین جان، من درباره شما اشتباه کردم!

حسین که سرش پایین بود جواب داد: نه خانم، شما ببخشید، تقصیر من بود.

من در صورت معصوم این پسر جز بزرگواری، محبت، جوانمردی و عشق به خانواده، چیز دیگری نمی‌دیدم. حسین رفته بود و من همچنان در جایم می‌خکوب بودم و شرمنده از قضاوتم!

موضوع را با مدیر مدرسه در میان گذاشتم. او نیز غیرت و بزرگی این دانش‌آموز را تحسین کرد. تصمیم گرفتیم اجازه داشته باشد هر روز چند دقیقه زودتر مدرسه را ترک کند. من هم به خود قول دادم دیگر هیچ‌گاه عجولانه قضاوت نکنم.

به سخن بگشاید، یکی از دانش‌آموزان با شیطنت جوابی داد که برایم جای تردید داشت. بلافاصله چند دانش‌آموز دیگر هم با هم حرف او را تأیید کردند. خیلی تعجب کردم. منتظر بودم حسین نسبت به این حرف عکس‌العملی نشان دهد. ولی او هیچ اعتراضی نکرد و وقتی نگاه پرسشگرانه مرا دید، سرش را پایین انداخت و سکوت اختیار کرد. خیلی ناراحت شدم. گفتم: از تو چنین انتظاری نداشتم! بعد از این حق نداری زودتر بروی. می‌مانی و بعد از اینکه همه بچه‌ها رفتند از کلاس خارج می‌شوی. حسین آرام اشک ریخت، هرگز تحمل گریه کودکان را نداشتم! ولی رفتار را بسیار ناشایست می‌دانستم. به چشمان پر از اشک و چهره معصومش توجه نکردم. با نواخته شدن زنگ آخر، ایستادم تا همه دانش‌آموزان کلاس را ترک کنند. حسین همچنان نشسته بود. با اجازه من که به او گفتم می‌توانی بروی، کلاس را ترک کرد.

دوران تدریس همه لحظه‌هایش عشق و خاطره است. معلمی فقط آموختن یکطرفه علم نیست، بلکه می‌توان از همین دانش‌آموزان کوچک درس‌های بزرگی آموخت. این خاطره مربوط می‌شود به چندین سال پیش که در مدرسه‌ای پسرانه با ۲۶ دانش‌آموز پایه پنجم در یکی از روستاهای زنجان مشغول تدریس بودم. حسین یکی از دانش‌آموزانم بود؛ پسری مؤدب، باهوش و درس‌خوان بود که همه تکالیفش را مرتب و دقیق انجام می‌داد. چند ماه از آغاز سال تحصیلی گذشته بود. یک روز متوجه جابه‌جایی حسین، آن هم در آخر زنگ، شدم. او زنگ‌های آخر جایش را عوض می‌کرد و روی نزدیک‌ترین نیمکت به در خروجی کلاس می‌نشست. چند روزی او را زیر نظر گرفتیم. هر روز این کار را تکرار می‌کرد. این کار حسین برایم تبدیل به سؤال شده بود. از او علت را پرسیدم، ولی قبل از اینکه حسین لب



← **هوش مصنوعی** یا هوش ماشینی (AI) مقوله جالبی است. روزگاری ما تنها در فیلم‌ها و داستان‌های علمی-تخیلی می‌توانستیم ردی از هوش مصنوعی بباییم، ولی امروزه به لطف فناوری‌های مدرن و پیشرفت‌های صورت‌گرفته، هوش مصنوعی با سرعت در حال ورود به زندگی روزمره انسان‌هاست. اکنون شما می‌توانید در خانه‌ای هوشمند زندگی کنید، با دستیار مجازی خود صحبت کنید، به یخچالتان دستور بدهید و غیره.

اکنون هوش مصنوعی آرام‌آرام وارد حوزه آموزش و یادگیری نیز شده است و می‌توانید کاربرد هوش مصنوعی را در آموزش ببینید. در سال ۲۰۱۶ یک استاد دانشگاه در آمریکا نوعی برنامه هوش مصنوعی برای پیشبرد امور آموزشی خود ابداع کرد که می‌توانست به پرسش‌های افراد پاسخ دهد، تکالیفشان را به آن‌ها یادآوری کند و به مقالات و نوشته‌هایشان امتیاز بدهد. دانش‌آموزان از طریق ایمیل با این دستیار آموزشی ارتباط برقرار می‌کردند و سؤالات خود را از او می‌پرسیدند، ولی هرگز تصور نمی‌کردند این فقط یک برنامه رایانه‌ای است نه یک انسان واقعی!

این نوع سیستم‌های هوش مصنوعی به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند حمایت لازم خود را دریافت کنند. به استادان نیز کمک می‌کنند جاهایی را که بهبود و اصلاح روند آموزش دانش‌آموزان نیاز است، پیدا کنند. برنامه‌های هوش مصنوعی فقط به دانش‌آموزان مشاوره نمی‌دهند. برخی از آن‌ها سیستم‌هایی را توسعه می‌دهند که می‌تواند در انتخاب رشته براساس موضوعاتی که دانش‌آموزان در آن‌ها موفق بوده‌اند، به آن‌ها کمک کند. نقش معلمان در آموزش همیشه مشخص است، اما این نقش

تأثیر هوش مصنوعی بر فعالیت‌های آموزشی

معمولاً فرایند نمره‌دهی به دانش‌آموزان، چه برای تکالیفشان و چه امتحانات، برای معلمان زمان‌بر و خسته‌کننده است. گرچه هوش مصنوعی نمی‌تواند در نمره‌دهی کاملاً جایگزین انسان شود، اما این فرایند را بسیار نزدیک به انسان انجام می‌دهد. امروز برای معلمان میسر شده است که نمره‌دهی به تقریباً همه انواع سؤالات چندگزینه‌ای و جای خالی را خودکار کنند. البته نمره‌دهی خودکار به سؤالات تشریحی نیز چندان دور نیست.

یکی از روش‌های مهم کاربرد هوش مصنوعی در آموزش، از مهد کودک تا دانشگاه، در به‌کارگیری سطوح پیشرفته‌ای از یادگیری، شخصی‌سازی شده است. برخی از آن‌ها در حال حاضر با رشد تعداد برنامه‌ها، بازی‌ها و نرم‌افزارهای یادگیری انطباقی عملی شده‌اند. این سیستم‌ها به نیازهای دانش‌آموز پاسخ می‌دهند، بر موضوعاتی خاص تأکید می‌کنند، مباحثی را که دانش‌آموز بر آن‌ها تسلط پیدا نکرده است تکرار می‌کنند و به دانش‌آموز کمک می‌کنند با سرعت خودش جلو برود.

این نوع آموزش شخصی‌سازی شده می‌تواند یک مسئله ماشین‌محور باشد که در سطوح گوناگون به دانش‌آموزان کمک می‌کند با هم در یک کلاس کار کنند. در تسهیل آموزش نیز به معلم کمک می‌کند و هر زمان دانش‌آموزان نیاز به کمک داشته باشند، کمک می‌کند. یادگیری انطباقی همچنین بر یادگیری در سطح کشور تأثیر بسزایی دارد، چرا که برنامه‌های هوش مصنوعی روزبه‌روز در حال پیشرفت و گسترش هستند. یادگیری انطباقی می‌تواند نقاط نیازمند بهبود را در دوره‌های آموزش مشخص کند.

برنامه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی

هوش مصنوعی نه‌تنها می‌تواند به معلمان و دانش‌آموزان کمک کند دوره‌ها را متناسب با نیازهایشان بسازند، بلکه می‌تواند بازخوردهایی کلی برای هر دو، درباره موفقیت دوره، فراهم کند. برخی مدرسه‌ها، به‌خصوص آن‌ها که آنلاین هستند، از سیستم هوش مصنوعی برای کنترل روند دانش‌آموزان و هشدار دادن به معلمان، در مواقعی که مشکلی در عملکرد دانش‌آموز وجود دارد، استفاده می‌کنند.

هوش مصنوعی در آموزش

گردآورنده: رقیه ناموری لاله

مدیر متوسطه دوم فرزنانگان ۳، آذربایجان شرقی، تبریز

روش‌های کاربرد هوش مصنوعی در آموزش مجازی پرسش در زمان واقعی

یکی از چالش‌هایی که افراد در آموزش مجازی با آن روبه‌رو می‌شوند، از بین بردن شکی است که آن‌ها در خصوص آموزش مجازی دارند. این فقط «ترس از بی‌استعداد نشان دادن» است یا ترس از اینکه مربی در دسترس نیست. یا اینکه افراد نمی‌خواهند در حین آموزش حواسشان پرت شود. اما مهم است که فراگیرندگان سوالات فوری و سریع بپرسند، زیرا در غیر این صورت فرایند یادگیری حتی پیچیده‌تر می‌شود. با ادغام هوش مصنوعی در دوره‌های آموزش مجازی، می‌توان از لزوم ارتباط مستقیم با مربی یا جست‌وجو در اینترنت در زمان سردرگمی کاست. تنها کاری که باید کرد، سؤال از موتور هوش مصنوعی و دریافت پاسخ مناسب است. محققان معتقدند، هوش مصنوعی می‌تواند کوهی از دیتا را در صورت آموزش مناسب یاد دهد.

پردازش زبان طبیعی

پردازش زبان طبیعی زیرمجموعه‌ای از هوش مصنوعی است که بر توانمندسازی رایانه‌ها برای ادراک و پردازش زبان انسان تمرکز دارد. در اصل، صحبت کردن با موتورهای هوش مصنوعی مانند صحبت کردن با انسان است، با همان زبانی که حرف می‌زنیم. هوش مصنوعی امکان صحبت کردن با دستگاه به زبان مادری را فراهم می‌کند.



حال که درباره کاربرد هوش مصنوعی در آموزش گفتیم، آینده چه خواهد شد؟ این فناوری به کجا خواهد رفت؟ فناوری‌های جدیدی چون واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و ترکیبی، در شکل‌گیری تجربه جذاب برای دانش‌آموزان در کلاس آنلاین تأثیر بسزایی دارند. پیدا کردن منابع مناسب در زمان مناسب، آسان‌تر و سریع‌تر از قبل خواهد شد و دانش‌آموزان قادر خواهند بود تجربه یادگیری‌شان را شخصی‌سازی کنند.

هوش مصنوعی قادر است نقاطی را که دانش‌آموز در آن مشکل دارد شناسایی کند و شیوه مناسبی برای بهبود عملکرد ارائه دهد. اما آیا هوش مصنوعی جایگزین معلمان می‌شود؟ ما به این باور نداریم، اما هوش مصنوعی می‌تواند ابزار خوبی برای معلمان باشد. با این حال، نقش معلم فراتر از تنها ارائه اطلاعات به روشی مؤثر است.

معلم، علاوه بر انتقال دانش، به دانش‌آموز یاد می‌دهد چطور در جامعه رفتار کند و فرد موفق باشد. در واقع آموزش اجتماعی و عاطفی را نیز شامل می‌شود. تنها انسان است که می‌تواند کودکان را تربیت کند تا انسان‌های بزرگی در آینده بشوند. نسل جدید به مهارت‌های اجتماعی، خودآگاهی و تصمیم‌گیری نیاز دارد و این مهارت هیچ‌وقت نمی‌تواند توسط ماشین آموزش داده شود.

هوش مصنوعی، بدون معلمی که بلد باشد چطور از آن به شیوه‌های کارآمد استفاده کند، هیچ ارزشی ندارد.

پی‌نوشت‌ها

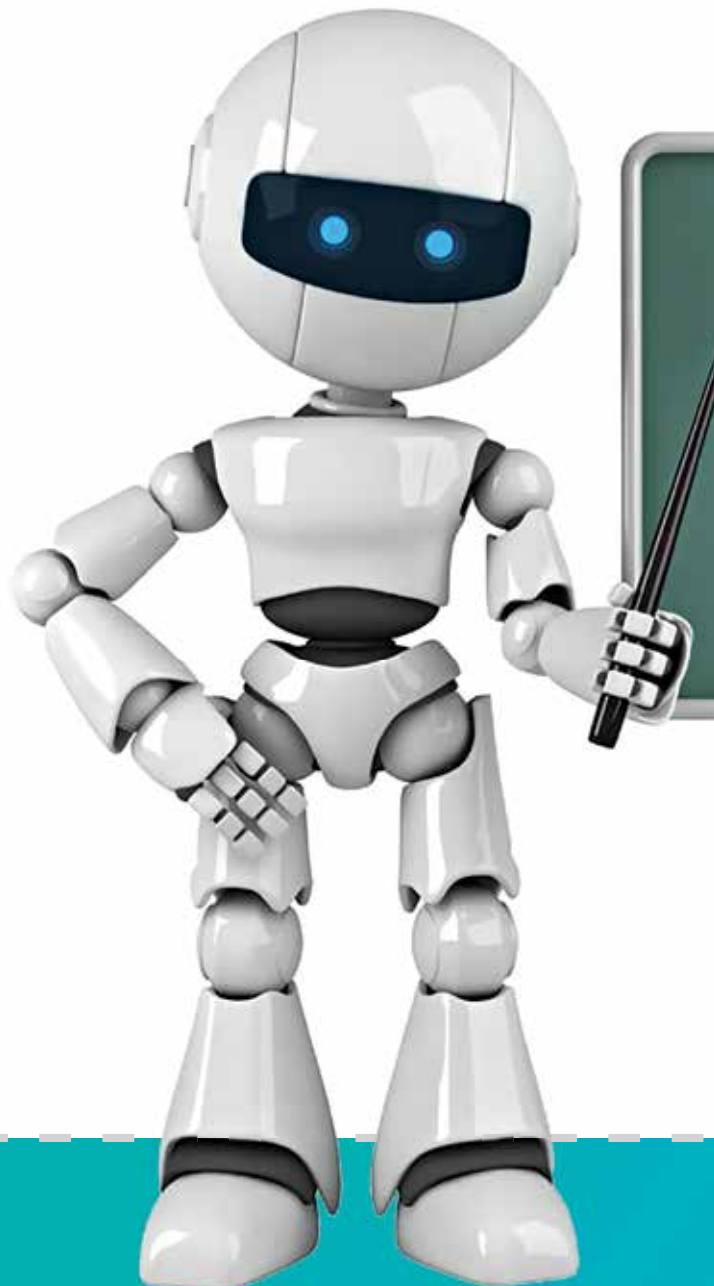
1. Artificial Intelligence
2. flipped classroom

منبع

1. irandnn.ir/mag/using-artificial-intelligence-in-education/

ممکن است به وسیله فناوری جدید در قالب سیستم‌های محاسبه هوشمند تغییر کند. همان‌طور که گفتیم، هوش مصنوعی می‌تواند مجموعه‌ای وظایف مانند نمره‌دهی را انجام دهد، به دانش‌آموزان در بهبود یادگیری کمک کند و حتی جایگزینی برای تدریس در دنیای واقعی باشد. در عین حال، هوش مصنوعی می‌تواند با دیگر جنبه‌های آموزش نیز منطبق شود. سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند برای ارائه تخصص برنامه‌ریزی شوند و محلی باشند برای سؤال دانش‌آموزان و پیدا کردن اطلاعات. یا حتی در یک مجموعه درس‌های پایه‌ای، می‌توانند جای معلمان را بگیرند. در بسیاری موارد، هوش مصنوعی نقش معلم را به تسهیلگر تغییر می‌دهد.

معلم می‌تواند تدریس هوش مصنوعی را کامل کند، به دانش‌آموزان ضعیف کمک کند، تعاملات بین فردی و تجربه‌های مفیدی برای دانش‌آموزان فراهم کند. از بسیاری جهات، فناوری این تغییرات را به کلاس‌های درس برده است؛ به‌خصوص در مدرسه‌هایی که آنلاین هستند یا الگوی کلاس درس معکوس^۲ دارند.





برقراری امنیت

این حدیث نبوی را بارها شنیده‌ایم که ارزش دو نعمت از مردم پوشیده است: سلامتی و امنیت. شاید برای دانش‌آموزان ارتباط سلامتی با موضوع محیط زیست تا حدودی قابل تبیین باشد، اما بررسی امنیت و ابعاد مختلف آن، از جمله امنیت زیست‌محیطی، یکی از موضوعاتی است که تا حدودی از آن غفلت شده است. لازم است معلمان با بررسی ابعاد امنیت، از جمله امنیت زیست‌محیطی، به روشن شدن هر چه بیشتر این

یکی از مسائل جوامع در قرن بیست‌ویکم مشکلات زیست‌محیطی است. این مشکلات در جامعه ما نیز همچون جوامع دیگر رو به افزایش هستند. بدون شک هر فرد مسئولیت‌پذیر در جامعه، در هر جایگاهی، از خود می‌پرسد چگونه می‌تواند به حفظ محیط زیست در سطح بومی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی کمک کند. این سؤال برای معلمان، با توجه به جایگاه و نقشی که در تعلیم و تربیت ایفا می‌کنند، بیش و پیش از دیگران مطرح است. به نظر می‌رسد، مسئولیت هر فرد در حفظ محیط زیست باید به باور و بخشی از هویت او تبدیل شود. بنابراین، نقش معلمان در فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن فرهنگ حفاظت از محیط زیست، اهمیت ویژه‌ای دارد. رسیدن به این باور که حفاظت از محیط زیست وظیفه تک‌تک ماست، باید از دوران ابتدایی و با برنامه‌های متنوع تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و هنری آغاز شود. با توجه به دلایل زیر، شما می‌توانید به دانش‌آموزان کمک کنید ضرورت توجه به محیط زیست را درک کنند و برای آن بکوشند:

حفظ بهداشت روانی و جسمی

همه ما این ضرب‌المثل را شنیده‌ایم که عقل سالم در بدن سالم است. بنابراین، یکی از نیازهای ابتدایی برای داشتن زندگی سالم و بانشاط، داشتن بدنی سالم است. برای داشتن بدن سالم به چه چیزهایی نیازمندیم: تغذیه سالم، ورزش، بهداشت و... بدون شک، هر یک از نمونه‌های مطرح شده، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با محیط زیست ارتباط دارند. به نظر شما، آیا استفاده از مواد غذایی سالم، انجام حرکات ورزشی و بهداشت جسمی و روانی، در محیط آلوده امکان‌پذیر است؟ شما می‌توانید صرف‌نظر از اینکه معلم چه درسی هستید و با توجه به وظیفه‌ای که همه ما در حفظ محیط زیست داریم، توجه دانش‌آموزان را به موضوعات آشنا، ناآشنا و جدید در این حوزه جلب کنید؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها متوجه بحران‌های زیست‌محیطی بشوند. در این زمینه می‌توانید با طرح پرسش‌ها، و نشان دادن انواع محتوای سمعی و بصری، به آن‌ها کمک کنید، مسائل را بشناسید و پاسخ‌های خود را نیز در قالب‌های گفتاری، نوشتاری، تصویری و... ارائه کنید. در این زمینه می‌توان به انواع آلودگی‌های صوتی و هوا، و آب و نقش آن‌ها در از بین رفتن سلامتی جسمی و روحی اشاره کرد.

با طبیعت دست بدها

دکتر مینو آیت‌اللهی

رعایت فرهنگ اسلامی-ایرانی

حفاظت از محیط‌زیست از گذشته تا حال در فرهنگ ما ریشه داشته است. از جمله می‌توانیم به جشن نوروز، جشن روز دهقان و رسم نهال‌کاری اشاره کنیم که همه‌ساله در اکثر مناطق کشور برگزار می‌شوند. از سوی دیگر، دین مقدس اسلام همواره به پاکی و حفظ محیط زیست تأکید کرده است. اما با کمال تأسف، این توجه و تأکید در محدوده‌ای خاص باقی‌مانده یا تحت تأثیر شرایط خاص، سبب شکل‌گیری فرهنگ حفاظت از محیط زیست و تقویت آن نشده است. پس راه‌اندازی برنامه‌های فرهنگی و هنری، به‌منظور نهادینه‌کردن فرهنگ حفاظت از محیط زیست، بهترین ابتکار است. این‌گونه برنامه‌های تربیتی و فرهنگی زمینه‌ای را مهیا خواهند ساخت تا فرهنگیان مسئولیتشان را در حفظ محیط‌زیست در جامعه ادا کنند. پس حفظ فرهنگ ایرانی-اسلامی در گرو حفظ محیط زیست است.

توجه به هنر

بدون شک راه‌اندازی برنامه‌های فرهنگی-هنری و خلق انواع آثار هنری دیداری و ادبی، در ایجاد انگیزه، باور، تغییر تفکر نسبت به محیط زیست و حفاظت از آن، تأثیری عمیق و ماندگار دارد. با مطرح‌کردن مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، از دانش‌آموزان بخواهید راه‌حل‌های متعدد برای حل آن‌ها ارائه دهند. ارائه راه‌حل می‌تواند در قالب مقاله، خلق اثر هنری و ... باشد.

امروزه، در بیشتر کشورهایی که برای حفاظت از محیط‌زیست کار می‌کنند، ایجاد نمایشگاه‌های آثار هنری محیطی، بخشی از برنامه‌های فعالان محیط زیست به‌شمار می‌رود. دانش‌آموزان با همکاری شما معلمان، همانند سایر افراد مسئولیت‌پذیر جامعه، می‌توانند موضوعات محیط زیستی را در آثارشان به‌خوبی انعکاس دهند و آثار ماندگار و تأثیرگذاری خلق کنند. با شیوه هنر محیطی و خلق اثر هنری با استفاده از بازیافت، می‌توان به حفاظت از محیط زیست کمک کرد.

مفهوم در ذهن دانش‌آموزان کمک کنند. توجه به این نکته که امنیت تنها دور بودن از خطرهای مادی و معنوی نیست، بلکه «وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف است و بررسی این تعریف در حوزه زیست‌محیطی، به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند آنچه را در حوزه محیط زیست محل امنیت فردی و اجتماعی ماست شناسایی کنند، بسیار مهم و حیاتی است. در این زمینه می‌توان توجه دانش‌آموزان را به مشکلات ناشی از بی‌آبی و کم‌آبی و زلزله جلب کرد.



دانش بسازیم

فاطمه ایراندوست، دبیر عربی، منطقه میمه، استان اصفهان

از هر نظریه‌ای که به یادگیری انسان بپردازد، می‌توان کاربردهای آموزشی استنتاج کرد. بدون شک مهارت‌های تدریس موروثی نیستند، اما می‌توان از اطلاعاتی که افراد بسیاری در نتیجه تجربه‌های خود کسب کرده‌اند استفاده کرد. پژوهش حاضر به دنبال خلق روش یا نظریه‌ای خاص نیست، بلکه در پی آن است با استفاده از اطلاعاتی که از نتایج پژوهش‌های صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در اختیار قرار دارد، زمینه موفقیت معلمان مدرسه‌ها را فراهم کند و به‌طور گذرا، برخی راهکارهای موجود در جهت بهبود وضعیت مدرسه‌ها را بیان کند.

در گام نخست، آشنایی با چند اصطلاح خالی از فایده نیست. از جمله نظریاتی که شناخت و آشنایی با آن در جهت تغییر نقش معلمان از یاددهنده به یادگیرنده به آنان کمک می‌کند، نظریه ساختن‌گرایی است. این نظریه در سال‌های اخیر شهرت زیادی کسب کرده است و بنا به گفته متیوس (۱۹۹۸)، در سه دهه گذشته بیشتر از ۵۰۰۰ مقاله علمی درباره جنبه‌های گوناگون سازندگی و رابطه آن با آموزش و پرورش منتشر شده است. نظریه سازندگی یادگیری با نظریات دیگر یادگیری از جمله رفتاری و خبرپردازی متفاوت است. اعتقاد پیروان نظریه سازندگی یادگیری بر آن است که یادگیرندگان، براساس تجربه‌های شخصی خود، دانش (مفاهیم و اصول و فرضیه‌ها) را می‌سازند و این کار را به‌طور فعال انجام می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت، سازندگی به آن دیدگاهی گفته می‌شود که بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و معنی بخشیدن به اطلاعات تأکید می‌ورزد.

کاربردهای آموزشی نظریه سازندگی یادگیری

روش آموزشی ساختن‌گرایی باید بر فعالیت یادگیرنده در جریان ساختن دانش تأکید بورزد و اصطلاحاً شاگردمحور باشد. از این رو می‌توان گفت، بهترین روش آموزشی برخاسته از این نظریه، روش آموزشی مبتنی بر یادگیری اکتشافی است (همان، ۳۳۶).

شرایط یادگیری از نظر پیروان نظریه ساختن‌گرایی

بنا به گفته سیف در کتاب «روانشناسی پرورشی»، دریس‌کول (۱۹۹۴) برای تحقق هدف‌های یادگیری مبتنی بر سازندگی در یادگیرندگان شرایطی را مفید تشخیص داده است که عبارت‌اند از:

محیط‌های یادگیری پیچیده

پیروان این نظریه بر این باورند که چون در دنیای واقعی غالباً مسائل و موقعیت‌های پیچیده بر سر راه یادگیرندگان قرار می‌گیرند، محیط‌های آموزشی نیز باید یادگیرندگان را با این‌گونه مسائل و موقعیت‌ها روبه‌رو کنند. معلمان باید بکوشند در یادگیرندگان توانایی برخورد با محیط‌های پیچیده را ایجاد کنند و به آنان فرصت دهند خود با مسائل پیچیده کنار بیایند. لازم است معلمان آنان را در یافتن منابع مورد نیاز یاری دهند و پیشرفتشان را زیر نظر بگیرند و هدایت کنند.

مذاکره اجتماعی

طبق این باور، بسیاری از مسائلی که هیچ یادگیرنده‌ای به تنهایی قادر به حل آن نیست، از طریق تبادل اندیشه و مشارکت گروهی میان یادگیرندگان حل می‌شود. به‌منظور تشویق یادگیرندگان به مشارکت، باید از آنان خواست نظرات خود را بیان کنند و به نظرات دیگران گوش فرا دهند.

کنار هم قرار دادن وجوه چندگانه

منظور از پهلوی هم قرار دادن وجوه چندگانه این است که موضوع واحدی از دیدگاه‌های متفاوت، با توضیحات متفاوت، مورد توجه قرار گیرند. در این شیوه، علاوه بر بحث و بررسی مسائل از زوایای گوناگون علمی، استفاده از حواس متعدد یادگیرنده نیز به درک و فهم بیشتر مطالب کمک می‌کند. به این معنا که وقتی یادگیرنده در ضمن یادگیری، انواع حواس بینایی، شنوایی و بساوی خود را به کار می‌گیرد، جنبه‌های گوناگون مطلب را می‌آموزد.

درک فرایند ساختن دانش

نظریه‌پردازان سازندگی اظهار می‌دارند، علاوه بر دانش شناختی و فراشناختی، یادگیرندگان موفق از نقش خود در ساختن دانش نیز آگاهند. از آنجا که فرض‌ها و تجربه‌های گوناگون، دانش‌های مختلف را می‌سازند، آگاهی یادگیرندگان از فرایند ساخت دانش سبب می‌شود از عواملی که تفکر و دانش‌اندوزی آن‌ها را تشکیل می‌دهند نیز آگاه شوند. لذا آن‌ها می‌توانند دیدگاه‌های خود را بسازند و از آن‌ها دفاع کنند، درحالی که به دیدگاه‌های دیگران احترام می‌گذارند و آن‌ها را تحمل می‌کنند.

آموزش شاگردمحوری

در روش‌های آموزش معلم‌محوری، مانند روش آموزش سخنرانی، معلم ابتدا هدف‌های آموزشی خود را در

نقش معلمان از معلم یاددهنده به معلم یادگیرنده آشنا شدیم، برخی پیشنهادها را که از صاحب‌نظران براساس این نظریه ارائه کرده‌اند بیان می‌کنیم.

● دانش‌آموزان را از طریق روش الگودهی و تمرین مهارت بحث کلاسی برای شرکت فعال در بحث آماده کنید.

● موقعیت یادگیری را به گونه‌ای ترتیب دهید که دانش‌آموزان با دیدگاه‌های مختلف درباره یک موضوع یا مسئله روبه‌رو شوند.

● از راه پرسیدن یک سؤال خاص، ارائه یک موضوع برانگیزنده یا خواستن از دانش‌آموزان که خودشان موضوعی را انتخاب کنند، به جریان بحث سازمان بدهید.

● اگر زمان محدود است و تنها یک موضوع باید انتخاب شود، از دانش‌آموزان بخواهید در یک حلقه قرار بگیرند و در یک بحث گروهی شرکت کنند.

● اگر وقت کافی در اختیار دارید یا اینکه یک موضوع چالش برانگیز مورد بحث قرار دارد، دانش‌آموزان را به گروه‌های پنج نفری تقسیم کنید و ترتیبی فراهم کنید که میان آن‌ها تماس چشمی برقرار شود.

● در هر گروه یک نفر را به‌عنوان هماهنگ‌کننده و نفر دیگر را به‌عنوان منشی برگزینید.

● هنگامی که گروه مشغول بحث است، با مهربانی اما در سکوت، فعالیت‌ها را مشاهده و فقط در صورتی دخالت کنید که فکر می‌کنید لازم است.

● پس از آنکه فرصت کافی برای بحث صرف شده، از گروه بخواهید از کار خود نتیجه‌گیری کنند (سیف، ۱۳۸۰: ۳۴۵-۳۴۴).

منابع

۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰) روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش). آکاد. تهران.
۲. لفرانسوا، گای. آر (۱۳۸۶). روان‌شناسی برای معلمان. ترجمه هادی فرجامی. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد.
۳. گلور، جان ای و راجر. ج. برونینگ (۱۳۸۶). روان‌شناسی تربیتی: اصول و کاربرد آن. ترجمه علینقی خرازی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.
۴. حسن‌زاده، رمضان و گلین مهدی‌نژاد گرچی (۱۳۹۱). نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش. روان. تهران.



از یادگیرنده سر بزنند، بلکه به‌صورت راهنمایی‌هایی تعیین می‌شوند که جهت حرکت او را مشخص می‌کنند.

در این روش، معلم ابتدا باید هدف‌های کلی یادگیری را برای دانش‌آموزان تعیین کند. گام بعدی، ایجاد یک محیط یادگیری است که به یادگیرندگان فرصت دهد ضمن حرکت به‌سوی اهداف، علاقه‌ها و توانایی‌های شخصی آن‌ها نیز مورد احترام قرار گیرد. در این روش، تأکید معلم بیشتر بر فرایندهای یادگیری دانش‌آموزان است تا فراورده‌های فکری آنان. در این روش معلم بیشتر زمان خود را به در اختیار قرار دادن منابع و هدایت یادگیری دانش‌آموزان اختصاص می‌دهد (همان، ۳۴۲-۳۳۸).

پیشنادهایی براساس نظریه ساختن‌گرایی

حال که با کلیات نظریه ساختن‌گرایی و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ آن با تغییر

اختیار شاگردان قرار می‌دهد. سپس به اجرای روش‌های متناسب با هدف‌های او اقدام می‌کند. سرانجام از شیوه‌های ارزشیابی برای تعیین مقدار آموخته‌های یادگیرندگان استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، معلم آنچه را باید آموخته شود و چگونه آموخته شود را کنترل می‌کند. اما در آموزش شاگردمحوری، معلم و شاگردان به کمک هم به طراحی آموزشی می‌پردازند. یعنی معلم و شاگردان به کمک هم تصمیمات مربوط به محتوای یادگیری، فعالیت‌های یادگیری و روش‌های مورد نیاز را می‌گیرند. معنا این نیست که در این روش معلمان هیچ هدفی ندارند و هیچ هدفی را دنبال نمی‌کنند، در روش آموزش شاگردمحور، هدف بسیار کلی‌تر از هدف‌هایی است که در آموزش معلم‌محور به کار می‌روند. در این روش، هدف‌های یادگیری نه به‌صورت اعمال و رفتاری که لحظه‌به‌لحظه باید



کدام دفتر برای معلمان بهتر است؟

محمد تابش، طراح و پژوهشگر در زمینه معماری مدرسه

در شماره‌های پیشین اشاره شد، برخی از فرصت‌های تصمیم‌گیری در مدرسه که در پیکربندی و ساختار آن، فرصتی برای انتخاب بین دو یا چند مسیر میسر است، می‌تواند به یک چالش دوراهی تبدیل شود که معماری و مبلمان مدرسه را تحت تأثیر قرار دهد. معماری و مبلمان مدرسه نیز می‌توانند به نحوی بر انتخاب مسیر اثرگذار باشند. گاهی اوقات نوع معماری و مبلمان مدرسه اجازه انتخاب مسیرهای مطلوب دیگر در اداره مدرسه را به شما نمی‌دهد و ناچارید برای افزایش کارآمدی مدرسه خود، در این معماری و مبلمان تغییراتی ایجاد کنید.

در مقالات قبلی در مورد چالش‌های دوراهی بین مدرسه شفاف یا مدرسه ناپیدا، به واسطه جداره‌های داخلی آن و همچنین مدرسه بدون کفش یا مدرسه با کفش، بررسی و تحلیل کردیم. در این شماره به یک دوراهی دیگر می‌پردازیم.

دفتر بزرگ محیط کار اشتراکی یا دفترهای پراکنده کوچک؟

یک دفتر بزرگ که چندین بخش از بخش‌های مدرسه در آن جمع شوند تا یک محیط کار اشتراکی تشکیل شود، ایده‌ای است که در سال‌های اخیر، به جهت محدودیت فضا و برخی ملاحظات دیگر در مدرسه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. قبل از اینکه برای یک دفتر بزرگ کار اشتراکی در صدد ارزش‌گذاری برآییم، باید قدری بیشتر به ویژگی‌های این نوع دفترها و زمینه‌های راه‌اندازی و توجه به آن‌ها بپردازیم. البته بدیهی است، بررسی این موضوع به‌مانند موضوعات پیشین، مستقل از شرایط پیش‌آمده ناشی از شیوع ویروس کرونا معنی پیدا می‌کند. زیرا در شرایط فعلی، هر نوع فضای جمعی، زمینه این شیوع و سرایت بیماری را افزایش می‌دهد.

اشتراک کاری؛ کار اشتراکی

موضوع دفتر محیط کار اشتراکی، نه

موضوع جدیدی است و نه محدود به مدرسه‌هاست. به‌ویژه در دوران جدید، با همین عنوان دفتر کار اشتراکی، برخی فضاهای بزرگ در نقاط شهر به شرکت‌ها و مؤسسات گوناگون امکان استفاده از محیط خود را با شرایط مشخصی فراهم می‌کنند. یعنی در بیشتر مواقع، چند شرکت که چه‌بسا هیچ اشتراک کاری ندارند، در یک محیط کار اشتراکی گرد هم می‌آیند و بدون مزاحمت نسبت به هم، از امکانات موجود به شکلی مشترک برخوردار می‌شوند.

بنابراین، وقتی می‌توان بدون اشتراک کاری در یک محیط کار اشتراکی فعالیت کرد، چه‌بسا امکان فعالیت با وجود اشتراکات کاری در این محیط بیشتر فراهم می‌شود.

ویژگی‌های محیط کار اشتراکی

همه ما تا حدودی از شکل فیزیکی محیط‌های کار اشتراکی باخبریم.

معمولاً دفترهای بزرگی هستند که برای فعالیت افراد با تعداد بیش از معمول دیگر دفترها، به مبلمان اداری مجهزند. علاوه بر آن، امکان استفاده مشترک از برخی امکانات و تجهیزات اداری و رفاهی برای همه این افراد فراهم می‌شود. در اینجا قدری بیشتر به این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

چشم‌انداز وسیع‌تر

یکی از ویژگی‌های این نوع دفترها، چشم‌انداز بصری به نسبت وسیع‌تر نسبت به دفترهای کوچک‌تر است. این موضوع باعث می‌شود از نظر دل‌باز بودن محیط و فراخ بودن فضاها، احساس بهتری برای بیشتر افراد فراهم شود. هر چند الزاماً همه افراد چنین حسی را ندارند و برخی فضاهای کوچک و جمع‌وجور را بیشتر می‌پسندند و در آن‌ها احساس آرامش بیشتری دارند، ولی بیشتر افراد، به‌خصوص کسانی که



دفتری دیگر، به همراه معلمان درس‌ها، اعضای یک سامانه به‌نسبت گسترده در آن دبیرستان هستند که همراهی و هماهنگی بین آن‌ها بسیار ضروری است. محیط کار اشتراکی می‌تواند برخی از امور آموزشی مدرسه را تسهیل کند؛ هر چند ایجاد هماهنگی به عناصر مهم‌تر دیگری نیز وابسته است.

دفتر معلمان، یک محیط آشنا با رویکرد کار اشتراکی

یکی از فضاهایی که از دیرباز در همهٔ مدرسه‌ها به‌نوعی می‌تواند یک دفتر کار اشتراکی فرض شود، دفتر معلمان هر مدرسه است. البته اینکه تا چه حد ویژگی‌های این نوع دفترها را در خود دارد یا ندارد، به ابعاد، مبلمان و همچنین نوع ادارهٔ این دفترها وابسته است. در دفتر معلمان در یک مدرسه که در ساعاتی از روز تعدادی از معلمان در آن جمع می‌شوند و ضمن استراحت و صرف چای و یا خوردن صبحانه و ناهار، تجربیات خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند، یا در گوشه و کنار این دفتر، گروه‌های کوچک علمی رسمی و غیررسمی بین معلمان با درس‌های مشترک در پایه‌های گوناگون شکل می‌گیرد و چه‌بسا با رایانه و یا رایانه‌های موجود در آن، نیازهای کاری معلمان تا حدودی برطرف می‌شود، یک محیط دفتر کار اشتراکی شکل گرفته است. دربارهٔ دفتر معلمان کارآمد، در یک شماره از مجله در سال تحصیلی گذشته، به‌شکل اختصاصی پرداخته‌ایم. اینجا به آن اشاره شد تا تأکید شود محیط کار اشتراکی یک محیط کار ناآشنا در مدرسه نیست و همهٔ مدرسه‌ها تا حدود زیادی با آن آشنایی دارند.

مدرسه، در یک دفتر کار اشتراکی مرتبط با نیروهای آموزشی آن مدرسه، برای آن فعالیت جدید، فضایی را فراهم کرد.

صرفه‌جویی در فضاها

این موضوع از نظر معماری به‌راحتی قابل تحلیل است. هر فرد در محیط کار خود، علاوه بر اینکه فیزیک آن فرد و میز و صندلی و سایر امکانات پیرامونش به فضای مشخص نیاز دارند، به یک محیط پیرامونی به‌ظاهر خالی، به‌عنوان فضای تنفس یا هر عنوان دیگر نیز نیاز دارد. این فضاهای خالی به‌شکل ساده‌تری قابلیت به اشتراک‌گذاری دارند و ادغام دفترها در صورت امکان، در فضاهای مدرسه صرفه‌جویی می‌کند.

هماهنگی و هم‌افزایی

دفترهای کار اشتراکی برای کسانی که اشتراک کاری دارند، فرصتی بسیار ارزشمند در راستای فعالیت و همکاری هماهنگ فراهم می‌کند. مسئولان و دست‌اندرکاران آموزش مدرسه، در بخش‌های گوناگونی با هم فعالیت می‌کنند که همراهی و همکاری قابل‌توجهی نیاز دارند. اشتراک کاری در این بخش‌ها در مدرسه زیاد است. البته هرچه این اشتراک بیشتر باشد، امکان تلافی کاری نیز افزایش می‌یابد. مثلاً در یک دبیرستان، معاون آموزشی، دبیر درس‌ها و گروه‌های علمی، مشاوران تحصیلی و کنکور، مسئول پژوهش و جشنواره‌های پژوهشی، متولی کلاس‌های المپیادهای علمی، مسئول برگزاری امتحانات و ارزشیابی‌های دیگر، مسئول تکثیر و انتشارات آموزشی و مسئول بایگانی پرونده‌های دانش‌آموزی و امور

روحیهٔ جمعی بیشتری دارند، نسبت به این فراخی و چشم‌انداز وسیع‌تر، گرایش بیشتری دارند.

ظرفیت شناور

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع از محیط‌های کاری، ظرفیت شناور آن‌هاست. به بیان ساده و مختصر، کم یا زیاد شدن افراد در این نوع فضاها آسان‌تر است. هر چند بالاخره ظرفیت هر فضایی محدود است، اما وسعت و نوع مبلمان این فضاها باعث می‌شود امکان اضافه‌شدن یا کاهش بهره‌برداران به سادگی صورت پذیرد. مثال معروف دستکش‌های پنج‌انگشتی معمول در مقابل دستکش‌هایی که فقط انگشت شصت، یک محل مخصوص دارد و چهار انگشت دیگر در یک‌جا قرار می‌گیرند، کمک می‌کند این موضوع بهتر درک شود. در این نوع دستکش‌ها، اگر فرض کنیم دستی وجود داشته باشد که انگشتان بیشتری دارد، با مشکل کمتری روبرو می‌شود. این فضاها هم امکان شناور بودن در ظرفیت را فراهم می‌کنند. اگر به فعالیت‌های آموزشی یک مدرسه، موضوع جدیدی اضافه شود، می‌توان به‌شکل ساده‌تری، بدون ایجاد یک دفتر جدید در



محیط کار اشتراکی؛ موانع و محدودیت‌ها

تا اینجا به کارایی‌ها و قابلیت‌های دفترهای کار اشتراکی اشاره شد. اما این دفترها، مشکلات و محدودیت‌هایی نیز دارند. این پرسش که آیا همهٔ دفترهای مدرسه باید در یک دفتر جمع شوند، از اساس، پرسشی بی‌معنی است و تا حدودی روشن است که پاسخ آن منفی است. برخی دفترها با یکدیگر قابل جمع نیستند. ضمن اینکه جمع‌شدن همهٔ دفترها در یک موقعیت هم مشکلات متعددی ایجاد می‌کند. بنابراین محدودیت‌هایی برای دفترهای کار اشتراکی در مدرسه‌ها وجود دارد.

ناهماهنگی اشتراکی!

به نظر می‌رسد دفترهایی که در یک مدرسه با هم هیچ نوع هماهنگی ندارند و نوع فعالیت آن‌ها با یکدیگر سازگار نیست، بهتر است از هم جدا باشند. در برخی دفترها سکوت یا تمرکز زیادی نیاز است که با دفترهای محیط کار اشتراکی سازگار نیست. برخی فعالیت‌ها نیز هیچ رنگ اجتماعی به خود نمی‌گیرند. مثلاً

انجام مشاوره‌های فردی در یک دفتر کار اشتراکی با مشکلاتی روبرو می‌شود، یا انجام امور ثبت‌نام مالی در مدرسه‌ای غیردولتی در دل یک دفتر آموزشی، صورت نامطلوبی به خود می‌گیرد.

اشتراکی

وقتی مسئولان مدرسه تصمیم می‌گیرند به‌منظور صرفه‌جویی یا شناور کردن ظرفیت در فضاها، دست به ایجاد دفتر بزرگ کار اشتراکی بزنند، حتماً باید به فکر نوع مراجعان به این دفترها هم باشند. مراجعات دانش‌آموزی پر حجم در زنگ‌های تفریح، یا مراجعات اولیای دانش‌آموزان و هم‌زمانی با حضور دانش‌آموزان در این دفترها و مشکلاتی از این دست، به اختلال در ادارهٔ این دفتر و حتی ادارهٔ مدرسه منجر می‌شود. پیش‌بینی نوع مراجعان در هر بخش از کارهای دفتری و اداری در مدرسه، برای مدیران و متولیان باتجربه در مدرسه‌ها بسیار آسان است. از این رو تصمیم به تجمیع دفترها و ایجاد فضای کار اشتراکی، باید با در نظر گرفتن نوع، زمان و حجم مراجعان صورت پذیرد.

توزیع دفترها؛ توزیع حضور در مدرسه

توزیع دفترها در محیط مدرسه از مواردی است که امکان نظارت عمومی به فضاهای گوناگون مدرسه به‌شکلی مداوم و مطلوب را فراهم می‌کند. اگر در یک بخش وسیع از فضاهای مدرسه هیچ دفتری وجود نداشته باشد، زمینه برای حضور نیافتن مربیان و مسئولان مدرسه در آن فضا بیشتر فراهم می‌شود و ضمن کاهش ظرفیت نظارت عمومی بر حسن اجرای فعالیت‌ها در مدرسه، این موضوع به کاهش ایمنی و همچنین امنیت در آن بخش از مدرسه منجر می‌شود و اگر اتفاق خطرآفرینی در این بخش شکل بگیرد، ممکن است که مسئولان مدرسه آخرین افرادی باشند که از آن مطلع می‌شوند. بنابراین، توزیع دفترها در مدرسه می‌تواند ظرفیتی مناسب در جهت کارآمدی بیشتر در آن مدرسه باشد.

دوراهی و انتخاب هر دو راه

با توجه به همهٔ ابعاد موضوع در دوراهی تجمیع برخی دفترها در یک دفتر کار اشتراکی و یا تفکیک دفترها و توزیع آن‌ها در مدرسه، می‌توان گفت از نوعی از دوراهی صحبت شد که توجه به هر دو راه در آن ضرورت دارد و تصمیم‌گیری پیرامون آن، به جزئیات موضوع بستگی دارد و در انواع دسته‌بندی‌ها و فعالیت‌ها قابل تحلیل و ارزیابی به شکل‌های گوناگون است و نتیجهٔ آن در هر زمینه متفاوت است. تجربیات مدیران و معلمان مدرسه‌ها زمینهٔ بسیار مناسبی برای تصمیم‌گیری در این باره فراهم می‌کند و منجر به شکل‌گیری شایسته‌ای در نوع معماری و مبلمان مدرسه و دفترهای آن‌ها می‌شود.





کیف قشنگ

◎ زهرا شریفی مقدم، آموزگار پایه سوم، خراسان رضوی، شهرستان فریمان

تصمیم ذهنی عکس العملی نشان دهم، چند دقیقه مانده به زنگ آخر، از کلاس خارج شدم و در گوشه سالن ایستادم. محتویات کیف را خالی کردم، درون یک کیسه ریختم و به کلاس برگشتم.

زنگ آخر به صدا درآمد. بچه‌ها با شور کودکانه به بیرون از کلاس شروع به دویدن کردند. زینب مثل همیشه آرام و متین در حال قرار دادن کتاب‌هایش در کیفش بود. صدایش زدم. نزدیک‌تر آمد و گفت «بله خانم». لبخند زدم و چند تار مویی را که از زیر مقنعه‌اش به گوشه صورتش ریخته بود، با نوازش کنار زدم و گفتم، زینب جان، کیفم قشنگ است؟ آرام و خندان گفت «خیلی خانم، خیلی. مبارکتان باشد!» دست راستش را در دستم فشردم و پرسیدم دوستش داری؟ لبخندش کوچک‌تر شد و با تردید گفت: «بله، اما خب مال شماست خانم!» دستش را که در دستم بود روی بند کیف گذاشتم و گفتم از این به بعد این کیف قشنگ مال شماست.

چشمانش گرد شد و گفت «آخر خانم...» حرفش را قطع کردم و گفتم «مبارکت باشد عزیز دلم. وسایلت را بردار و به خانه برو که دیر شد». خنده‌ای از ته دل کرد و با شوق عجیبی گفت «خانم، خیلی ممنون. خیلی ممنون». دوید و وسایلتش را از روی نیمکت برداشت و در حالی که کیف در دستش بود، بدون خداحافظی، از کلاس خارج شد.

حال عجیبی داشتم. گویی زندگی از آن لحظه شروع شده بود؛ آرامشی وصف‌ناشدنی و حس و حالی که فقط باید آن را تجربه کرد تا بتوان از آن سخن گفت!

زینب رفت. من در سکوت راهروی سالن به زمین چشم دوخته بودم و تنها چیزی که مانده بود عشق بود. و عشق تنها با بخشش بود که می‌آمد. از آن پس دیگر با هیچ وسیله نو و زیبایی به کلاس نرفتم. اما در تمام طول راه با خود تکرار می‌کردم: «ای کاش به تعداد تمام دانش‌آموزان دخترم از آن کیف داشتم!»



همهمه‌ای به پا شد. یکی پس از دیگری این جمله را تکرار می‌کرد که: «وای، چه کیف خوشگلی دارید خانم!»

حالم دگرگون شد. نمی‌دانم چه شد، اما حس خوبی نداشتم. به چشم‌های معصومان که به کیف من چشم دوخته بودند خیره شده بودم. شاید هیچ‌کس به اندازه من نمی‌دانست در یک روستای محروم که حتی برخی از مردم آن از امکانات اولیه و ساده زندگی محروم بودند، آوردن یک وسیله زیبا و شیک از شهر چقدر می‌تواند ذهن بچه‌ها را به خود درگیر و احساس کمبود را در آنان دوچندان کند!

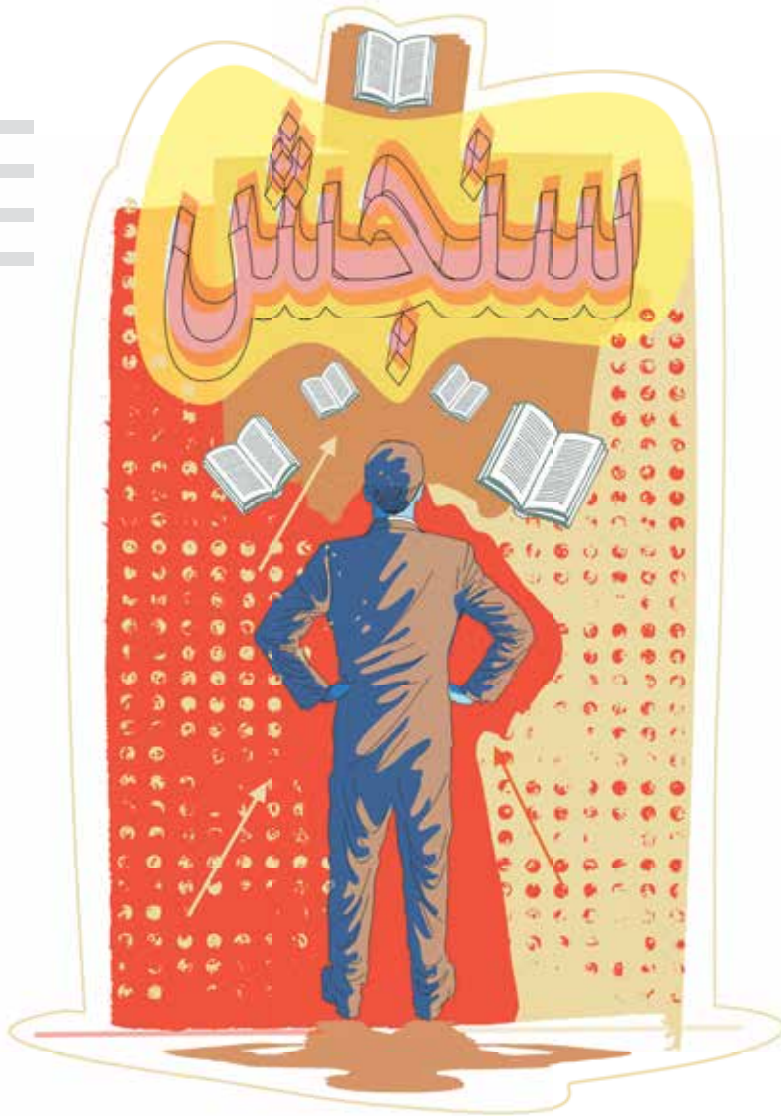
احساس شرمندگی توأم با عشق، تمام وجودم را فرا گرفت. زینب را دیدم که با خوشحالی، در حالی که چشمانش برق می‌زد، گفت: «خانم، کیفتان را از کجا خریده‌اید؟» لبخندی زورکی زدم و گفتم «از بازار شهر عزیز دلم». دیگر چیزی نگفت، ولی همچنان با نگاهی تحسین‌آمیز به کیف چشم دوخته بود. او دختری باهوش و درس‌خوان بود. چندسالی می‌شد که پدرش به علت بیماری از دنیا رفته بود و او با مادر و خواهر کوچکش زندگی می‌کرد.

تدریس را شروع کردم. در حین تدریس، این موضوع تمام فکرم را به خودش مشغول کرده بود. زمزمه‌هایی در فکرم رفت‌وآمد می‌کردند که به تصمیمی آنی و ناگهانی منجر شد. بی‌وقفه و بدون اینکه به آن

سال‌ها پیش، در یک روستای دورافتاده و کوهستانی در آموزشگاهی مختلط و چندپایه مشغول خدمت بودم. بچه‌های روستا را دوست داشتم. ساده، بی‌ریا و صریح بودند. صراحتشان از صداقتشان نشئت می‌گرفت و من بیشتر از هر چیزی از بودن در کنار آن‌ها لذت می‌بردم.

یک روز که برای خرید به بازار رفته بودم، در مسیر خانه، در پیاده‌روی خیابان، یک کیف‌دستی خوشرنگ و زیبا از پشت ویترین توجهم را به خودش جلب کرد. در حالی که از مغازه عبور کرده بودم، ولی هنوز سرم و جهت نگاهم به سوی آن کیف بود. آرام سر جایم ایستادم و عقب‌گرد به سمت مغازه برگشتم. لحظاتی به آن کیف چشم دوختم. آن قدر در نظرم زیبا بود که نمی‌شد از آن چشم برداشت. طوری به آن نگاه می‌کردم گویی عاشقی دارد به معشوقش نگاه می‌کند. و آن قدر غرقش شده بودم که دیگر مرزی میان خود و آن کیف‌دستی نمی‌دیدم. تا به حال چنین کیف زیبایی ندیده بودم. کیف آن قدر در نظرم زیبا آمد که ناگاه، بی‌آنکه به قیمتش فکر کنم، وارد مغازه شدم و به فروشنده گفتم «این کیف گوشه سمت راست پشت ویترین لطفا!»

فروشنده آن را آورد. کیف را خریدم. در مسیر خانه، از گوشه کیسه پلاستیکی مشکی، مدام نگاهش می‌کردم؛ همچون کودکی که اولین بار است با چنین چیزی روبه‌رو می‌شود. یک خانم، در هر سنی که باشد، بعد کودکانه‌ای هم دارد که گهگاهی خودش را نمایان می‌کند. خواه در مواجهه با یک کیف‌دستی و خواه یک شکلات طعم‌دار. صبح روز بعد برای تدریس راهی روستا شدم. وارد کلاس شدم و طبق روال همیشه‌گی شروع کردم به گفت‌وگوی دوستانه با بچه‌های کلاس. در حین سلام و احوال‌پرسی، دانش‌آموزان دخترم دور میز جمع شدند و با اشتیاق گفتند: «خانم چه کیف قشنگی!» با لطافت گفتم «ممنون عزیزان دلم.» اما آرام آرام اطراف میز



سنجش در بوم

دکتر عظیم محبی، دبیر برنامه ویژه مدرسه

برنامه درسی دارای چهار عنصر اصلی، شامل هدف، محتوا، روش و ارزشیابی می‌باشد. عنصر سنجش و ارزشیابی در برنامه‌ریزی درسی تجویزی، در قالب کتاب راهنمای تدریس و یا در متن دروس تا حدودی برای معلمان روشن است. در عین حال، نحوه به‌کارگیری آن در کلاس، با میزان شناخت معلمان از رویکرد این عنصر در ارتباط است. در حالت فعلی یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزش و پرورش، نوع مواجهه معلمان و کارشناسان با این موضوع است. در برنامه‌ریزی درسی غیر تجویزی (بوم) نیز این عنصر در کنار عناصر دیگر که در شماره‌های قبلی این نشریه تبیین شد مهم تلقی می‌شود. لذا تبیین رویکرد و راهبردهای این موضوع در برنامه ویژه مدرسه، می‌تواند به بهسازی این رویکرد در مدارس کمک کنند.

سنجش با کدام رویکرد؟

کلمه سنجش و ارزشیابی برای همه معلمان کلمه آشنایی است، اما آنچه به کارگیری این عنصر را در عمل متفاوت می‌کند نوع نگاه و رویکرد در این زمینه است. در یک برداشت کلی می‌توان ادعان داشت اساساً رویکرد اصلی سنجش و ارزشیابی، خودارزیابی است. یعنی فرایند فعالیت‌های کلاسی و پس از آن باید به گونه‌ای هدایت شود که دانش‌آموزان بتوانند به‌طور مستمر نحوه یادگیری خود را رصد و پایش کنند و زمینه یادگیری خود را تقویت نمایند.

بر اساس این رویکرد می‌توان ادعا کرد سنجش:

- با فرایند تدریس در هم تنیده است.
- نوعی روش تدریس است.
- بهترین روش خود یادگیری است.
- در خدمت یادگیری است.
- برای بهبود یادگیری است.
- اساساً فرایندی است.
- زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت است.
- زمینه‌ساز، خودمدیریتی و خوداصلاحی است.
- زمینه‌ساز چگونه یاد گرفتن و چگونه سنجیدن است.
- زمینه‌ساز نحوه به کارگیری مهارت‌های فراشناختی است.
- زمینه‌ساز بروز سبک‌های یادگیری است.
- زمینه‌ساز بازخورد مؤثر است.
- زمینه‌ساز تشخیص تفاوت‌های فردی است.
- زمینه‌ساز تشخیص و هدایت استعداد است.
- زمینه‌ساز مشاهده عملکرد است.

- زمینه‌ساز افزایش رغبت یادگیرنده است.

- زمینه‌ساز قضاوت مبتنی بر شواهد بر اساس عملکرد است.

- باید به چگونگی یادگیری فرد، چگونگی پیشرفت درک و نحوه عملکرد آن‌ها بپردازد.

این تلقی از سنجش با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی هم‌خوانی دارد. براساس نظریه فطرت‌گرایی توحیدی، دانش‌آموز خلاق، پرسشگر و یادگیرنده است. لذا در عمل با خودسنجی تلاش می‌کند تا به درک و اصلاح مناسب‌تر موقعیت بپردازد.

سنجش با کدام اصول؟

کل‌نگری: در سنجش و ارزشیابی، باید عملکرد یادگیرندگان به‌صورت یکپارچه، در موقعیت‌های مسئله‌محور و واقعی مورد توجه قرار گیرد.

یادگیرنده‌محور: سنجش و ارزشیابی باید نقش یادگیرنده در فرایند خودسنجی/سنجش‌های همسالان برای درک و بهبود موقعیت را مورد تأکید قرار دهد.

بازخودسازنده: در سنجش و ارزشیابی فرایند محور بازخوردها در فرایند کسب شایستگی مبتنی بر داده‌های کیفی است.

تعامل و مشارکت: به‌منظور تدارک زمینه‌های لازم برای کسب استقلال و پذیرش مسئولیت فردی و درک و اصلاح موقعیت در ارزشیابی باید بر مشارکت یادگیرنده، خانواده و معلمان تأکید شود.^۱

سنجش با کدام راهبرد؟

در برنامه ویژه مدرسه ضمن تأکید بر رویکرد و اصول فوق باید برای هر یک

از موضوعات آموزش در چارچوب برنامه ویژه مدرسه، انتظار و فرایند سنجش مشخص گردد. لذا در این ارتباط راهبردهای زیر مورد عنایت خواهد بود.

● تلفیق سنجش با فرایند آموزش با تأکید بر دست‌ورزی، ساحت و تولید، کارآفرینی و ...

● فرصت ارائه عملکرد در کلاس، سمینار، جشنواره، نمایشگاه و بازارچه مدرسه با تأکید بر تهیه پروژه، ماکت، مدل، پژوهش، تکالیف نوشتاری، تکالیف خواندنی، داستان، شعر، فیلم، انیمیشن، بازی‌های رایانه‌ای، نقاشی، ایفای نقش، روایت‌نگاری، و ...

● ارائه یکی از مهم‌ترین راهبردهای سنجش تلقی می‌شود. در برنامه ویژه مدرسه باید فرصت فراهم شود تا دانش‌آموزان عملکرد خود را به روش‌های مختلف (فوق) ارائه دهند. ارائه دادن هم فرصتی است برای مشاهده و سنجش یادگیری و هم فرصتی است برای یادگیری مؤثر.

● با توجه به نکات فوق می‌توان بیان داشت که سنجش و ارزشیابی آخرین ایستگاه در فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان تلقی نمی‌شود بلکه سنجش قبل، حین و پس از یادگیری به‌صورت درهم تنیده با کل فعالیت‌های یادگیری درهم تنیده است. لذا برنامه ویژه مدرسه فرصت خوبی است تا این رویکرد نهادینه شود.

پی‌نوشت

۱. خوش‌خلق، ایرج (۱۳۹۷). پیش‌نویس آیین ارزشیابی شایسته‌محور شورای عالی آموزش و پرورش (هنوز تصویب نشده است).



مدرسه دیجیتال هزاره

در تابستان ۹۹ توافق‌نامه‌ای بین وزارت آموزش و پرورش، وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی و بنیاد ملی توسعه فناوری در راستای حمایت و تثبیت آموزش بر بستر فناوری‌های دیجیتال منعقد شده است. براساس مفاد این توافق‌نامه، با آقای مجید تهرانیان، مشاور بنیاد ملی توسعه فناوری، گفت‌وگویی انجام شده است که با هم پی می‌گیریم.

معد براساس این وظیفه کلان بنیاد، مؤسسه مدرسه دیجیتال هزاره چه مسئولیتی دارد؟
بنیاد در راستای این تعهد مربوط به تولید سکو با هوش مصنوعی، مؤسسه‌ای را به ثبت رسانده با عنوان مؤسسه «مدرسه دیجیتال هزاره». مدرسه دیجیتال هزاره قرار است از طریق آن تعهدات خودش را عملیاتی و اجرایی کند. سکو مورد نظر قرار است تا سال ۱۴۰۱ عرضه شود. البته الان بخشی‌هایی از آن آماده و حتی بارگذاری هم شده است. در حال حاضر نزدیک به سه چهار هزار دانش آموز در سطح کشور دارند از بخش‌های آزمایشی این سکو استفاده می‌کنند و ان‌شاءالله قرار است تا سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۲ پودمان فعالیتی را شامل شود

(پلت‌فرم) را با همکاری وزارت کار آماده کند که بتواند به‌عنوان سکو در کنار سکو و بستر ایجادشده توسط وزارت آموزش و پرورش در حوزه شاد فعالیت کند. ویژگی مهم این سکو، بهره‌مندی آن از هوش مصنوعی خواهد بود. همچنین، بسترهای سخت‌افزاری لازم را فراهم می‌کند که سرورهای مربوط به حوزه فضای مجازی هستند. به هر حال یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌هایی که در کشور باید تأمین شود تا بتوان فضاهای مجازی را پوشش داد، مراکز داده و سرورها هستند. ان‌شاءالله بنیاد با همکاری وزارت کار و حمایت صندوق کارآفرینی امید می‌خواهد سروری اختصاصی ویژه مدرسه‌ها و آموزش در این حوزه تهیه کند.

معد براساس مفاد این توافق‌نامه چه اقداماتی قرار است انجام شود؟
اصولاً بنیاد در عرصه این تفاهم‌نامه می‌خواهد بسترهایی را در حوزه فضای مجازی فراهم کند که مدرسه‌ها، معلمان و مخاطبان حوزه آموزش بتوانند از آن‌ها بهره ببرند. از جمله مهم‌ترین این فرایندها، اقداماتی هستند که بنیاد در فضاسازی‌های لازم، مثلاً در فضای مجازی پس از کرونا، می‌خواهد انجام دهد. الان قرار است که ما با کمک کارشناسان ذیربط در این حوزه بتوانیم پیش‌بینی‌های لازم را برای نیازهای پس از کرونا فراهم کنیم و فضاهای لازم را برای مدرسه‌ها، مدیران، اولیا و حتی کارشناسان وزارت آموزش و پرورش فراهم کنیم. بنیاد قرار است یک سکو

که تقریباً تمام ابعاد فعالیت‌های یک مدرسه را پوشش می‌دهد؛ از ثبت‌نام دانش‌آموزان گرفته تا طراحی آموزشی سالانه و طرح درس سالانه معلمان، برنامه‌ریزی‌های آموزشی، طرح درس کلاس‌ها، ارائه محتواها، آموزش آنلاین یا آفلاین، ارزیابی‌ها و امتحانات حضوری یا آنلاین و الکترونیکی، و همچنین فعالیت‌های مشاوره‌ای مدرسه، ارائه تکالیف دانش‌آموزان به صورت دیجیتال، ثبت موقعیت‌های اطلاعاتی دانش‌آموزان در حوزه‌های انضباطی، پرورشی و درسی، آزمایشگاه‌های مجازی، کتابخانه مجازی و الکترونیک، و همچنین بحث پیگیری‌های هوشمندانه که با همکاری این سیستم معاونان، مشاوران، مسئولان پایه‌ها و مدیریت مدرسه می‌توانند اطلاعات لازم مورد نظر خودشان را در پیگیری‌های امور به دست آورند.

معلم سؤالی که برای من پیش آمد این است که خب این سکو در حال طراحی است و احتمالاً با آن نقشی که شما از بحث هوش مصنوعی اشاره کردید، هنوز نمونه‌کاری تولید نشده است. بنابراین، انتظار این است که با توجه به محتوای تفاهم‌نامه که ابتدا باید در مدرسه‌های غیردولتی دنبال شود، آیا آنچه قرار بوده براساس هوش مصنوعی برای یک مدرسه به‌عنوان یک واحد کار طراحی شود، شروع شده است یا نه؟

عرض کردم که این سکو حدود ۲۲ پودمان دارد که قرار است پشت اکثر آن‌ها هوش مصنوعی قرار بگیرد تا داده‌ها و اطلاعات را بگیرد و تحلیل کند. پیش‌بینی ما این است که دو سال زمان می‌برد. یعنی باید این اطلاعات وارد شوند و بعد از دو سال که این داده‌ها کامل شدند، تحلیل‌های لازم برای آن مدل‌سازی‌ها اتفاق بیفتد. ولی خب به هر حال از الان در برنامه‌نویسی و

کدنویسی‌های مربوطه پیش‌بینی‌های لازم بشود که به لطف خداوند شده است. الان برنامه در بخش‌هایی از فرایندش در حال اجراست. یعنی تعریف مدرسه، ثبت‌نام دانش‌آموز در کلاس، تدریس معلم (آنلاین و آفلاین).

معلم یعنی هنوز با نگاه هوش مصنوعی مدل‌سازی نشده است؟

چرا. الان هوش مصنوعی پشت این‌هاست. الان این اطلاعات و داده‌ها دارد دریافت می‌شود، ولی حجم آن‌ها برای آن مدل‌سازی‌ها هنوز کافی نیست. ظرف دو سال آینده باید این داده‌ها به حجمی برسند که این سیستم هوش مصنوعی بتواند از روی آن‌ها انواع مدل‌ها را پیش‌بینی کند.

معلم اهمیت ارزش این کار به‌گونه‌ای

است که نامش را هم گذاشته‌اید «مدرسه دیجیتال هزاره». برای اینکه این اطلاعات جمع‌آوری شوند و به‌نوعی کار بعد از دو سال به شکل عملیاتی‌تر اجرایی شود، به اطلاع‌رسانی و برگزاری جلسات همفکری حداقل بین سازمان فنی و حرفه‌ای، مدرسه‌های غیردولتی و این بنیاد نیاز است. یعنی درواقع برگزاری نشست‌هایی با مفهوم «مدرسه دیجیتال هزاره مبتنی بر هوش مصنوعی» مقداری تحلیل شود. الان شما برای این موضوع چه کارهایی یا اصطلاحاً چه فرهنگ‌سازی‌ای کرده‌اید؟ براساس تفاهم‌نامه، باید کمیته‌ای متشکل از کارشناسان سه دستگاه وزارت آموزش و پرورش، وزارت کار و بنیاد تشکیل شود و در آن همه مصادیقی که در این تفاهم‌نامه آمده‌اند، مورد توجه و بحث قرار گیرند و تصمیمات لازم گرفته شود. مکاتبات مربوط به این حوزه با بالاترین مقامات و دستیاران وزرای محترم صورت گرفته است تا نمایندگان خودشان را معرفی کنند. اولین جلسه این کمیته هم

با حضور نمایندگان تشکیل شد و دربارهٔ مباحث این فرایند بحث کردیم.

معلم این ظرفیت برای معلم‌ها چه کارایی و اثربخشی خواهد داشت؟

ببینید، در کل فرایند این سامانه فرایندی همه‌جانبه برای استفاده کاربران متفاوت، اعم از انواع رسته‌های شغلی است که در هر مدرسه وجود دارند؛ مانند مدیر، معاون و مربی که همه این‌ها دیده شده‌اند که رکن اصلی این سامانه معلمان هستند. برای معلمان ظرفیت‌هایی پیش‌بینی شده است. خیلی مهم است که این سکو در ابتدای قضیه سازمان‌دهی می‌کند. یعنی آنچه را ما در حوزهٔ تعلیم و تربیت به‌عنوان طرح درس سالانه، روزانه و هفتگی مطرح می‌کنیم، این‌ها حتماً باید در این سازمان ثبت شوند. یعنی یکی از مصداق‌های مهم این است که برنامهٔ یک معلم باید در این سکو تعریف شود که در مرحلهٔ بعد قابلیت ارزیابی و قابلیت پیگیری لازم را داشته باشد. لذا بعد از اینکه معلمان طرح درس‌های خودشان را در حوزهٔ کار می‌گذارند، این قابلیت را دارد که برای ارائهٔ آن انتخاب مسیر کند.

ما می‌خواهیم این فرایند را به صورت‌های حضوری و مجازی ارائه کنیم. و اگر به‌صورت مجازی است، باید ببینیم آیا می‌خواهیم به‌صورت آفلاین ارائه کنیم یا آنلاین؟ در بحث آموزش آفلاین که خیلی مورد توجه ماست، تولید محتواهایی صورت می‌گیرد. حالا هم در آنلاین و هم در آفلاین، تولید این محتواها توسط معلمان، این امکان را ایجاد می‌کند که در دسترس عموم قرار گیرد. یعنی این سکو از معلمان سؤال می‌کند آیا محتواهایی که شما بارگذاری می‌کنید، فقط برای استفادهٔ شخصی خودتان است، یا اجازه می‌دهید دیگران هم از آن استفاده کنند. اگر معلم اجازه

استفاده دیگران را هم صادر کند، محتواها در اختیار و دسترس افراد و همکاران قرار می‌گیرند که خودش تبادل تجربه بسیار خوب و مناسبی بین همکاران است و آنان می‌توانند با نگاه کردن به محتواها، سؤالات و تکالیفی که دیگر همکاران آن‌ها می‌دهند، در جریان روند فعالیت‌های دیگران قرار بگیرند.

معلم منظور شما این است که در درجه اول خود آن سکوست که ارزش دارد. ولی آیا در این سکو دوباره ظرفیت آموزش معلم‌ها وجود دارد یا خیر؟ آیا این سامانه و محتوا برای معلم بارگذاری می‌شود یا خیر؟ یا اصلاً آن یک پروژه دیگر است؟

یکی از پودمان‌های موجود در برنامه ما، بانک محتواسست. در حال حاضر بیش از ۲۴۰۰ ساعت محتوای آموزشی متوسطه در درس‌های تخصصی در این سکو وجود دارد؛ یعنی تدریس‌هایی که معلمان کرده‌اند. البته فعلاً می‌خواهیم این تدریس‌ها فقط در دسترس معلمان قرار بگیرند. یعنی هر معلمی اجازه داشته باشد تدریس سایر همکاران خود را ببیند و از آن ایده بگیرد. اگر هم معلم صلاح دید، حتی می‌تواند تدریس را بارگذاری کند تا دانش‌آموزش از آن استفاده کند.

معلم آیا الان معلمان می‌توانند به سامانه دسترسی داشته باشند؟

خیر. از مهرماه سال ۱۴۰۰ سامانه به‌طور رسمی افتتاح خواهد شد. الان در بخش آزمایشی است. تقریباً شصت درصد ظرفیت این سکو در سال ۱۴۰۰ ارائه می‌شود و در مهرماه سال ۱۴۰۱ قابلیت آن به صد درصد می‌رسد. در سال ۱۴۰۰ نکاتی از سکو هست که جزو الزامات یک مدرسه است. یعنی آنچه را

مدرسه الزاماً برای مدرسه‌بودن نیاز دارد، حتماً در سکو ۱۴۰۰ دیده می‌شود، اما مازول‌ها و آپشن‌هایی هستند که ممکن است بعضی از مدرسه‌ها داشته باشند و بعضی نداشته باشند. مثلاً ما پودمانی خواهیم داشت به نام «پرونده سلامت دانش‌آموز» که مدرسه‌ای که مربی بهداشت دارد، پزشک دارد و می‌خواهد پرونده سلامت درست کند، مثلاً واحد روان‌شناسی و مشاوره دارد، ثبت اطلاعات روانی دانش‌آموزان را دارد و می‌تواند از آن پودمان استفاده کند، ولی آن پودمان‌ها یا امکانات ان‌شاءالله در سال ۱۴۰۱ عرضه می‌شوند و فعلاً ما انرژی خود را برای الزامات و اصل آن سکو گذاشته‌ایم.

معلم اگر بخواهید این سکو را با شبکه شاد مقایسه کنید، چه توضیحی دارید؟

شبکه شاد حسب شرایطی خیلی اضطراری و فوری در یک دوره زمانی با یک درایت به قول معروف مدیریت بحرانی ایجاد شد و انصافاً هم در نوع خودش یک کار بسیار قابل توجه و ارزشمند بود. ولی به نظر می‌رسد با توجه به اینکه محور و پایه اصلی شبکه شاد روی پیام‌رسان‌ها گذاشته شده است، این پیام‌رسان‌ها تا یک اندازه‌ای قابلیت پیشرفت دارند و یک جاهایی بعضی از کارها را نمی‌توانند انجام بدهند. برای مثال، این هوش مصنوعی که خدمت شما عرض کردم، به یک مجموعه اطلاعات و داده‌های کاملاً طبقه‌بندی‌شده دقیق و پیش‌فرض‌های برنامه‌نویسی‌شده و کدنویسی‌شده دارد. شاید مثلاً در حال حاضر به سرعت نشود برنامه شاد را با یک سیستم هوش

مصنوعی هماهنگ و مدل‌سازی کرد، ولی خب امیدواریم در آینده با حضور انواع سکوهایی که در جامعه ایجاد خواهند شد و حتی اپراتورها، ممکن شود. آن‌طور که من شنیده‌ام، دولت در صدد تولید چند اپراتور به‌عنوان اپراتورهای آموزشی است؛ مثل ایرانسل، همراه اول و رایتل که الان در حوزه موبایل کار می‌کنند. قرار است در چند سال آینده ما سه چهار اپراتور آموزشی در کشور داشته باشیم که قابلیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری داشته باشند. هر فرایند آموزشی که بخواهد در کشور شکل بگیرد، باید از طریق این اپراتورها باشد که به نظرم یکی از آن‌ها قاعدتاً خود «شاد» خواهد بود.

معلم با توجه به اقدامات کوتاه‌مدت شما از منظر فرهنگ‌سازی این مدرسه دیجیتال هزاره و آماده‌شدن مدرسه‌ها برای بعد از کرونا، الان چه فعالیت‌های کوتاه‌مدتی را در دستور کار دارید؟

ما درصددیم گفتمانی راه‌اندازی کنیم. با توجه به امکانات استودیو و زمینه‌های خوبی که در بنیاد وجود دارد و کارشناسان و استادان حوزه‌های آموزشی که دعوت می‌کنیم، الان کار شروع شده است. ان‌شاءالله امیدواریم این عزیزان در حوزه گفتمان‌های لازم فضای مجازی، آنچه را به‌عنوان چالش در حوزه‌های فضای مجازی وجود دارد و ما با آن برخورد می‌کنیم، چه در حوزه معلم، چه در حوزه دانش‌آموز و چه در حوزه مدرسه و والدین و همچنین پیش‌بینی‌هایی که برای آینده فضای مجازی می‌شود، دنبال کنند. مسلم است سال آینده نوع مدیریت مدرسه‌های ما مانند گذشته نخواهد بود و تغییراتی می‌کند.



نقش نظارت بالینی بر توسعه حرفه‌ای معلمان



© مریم اشرفی، دبیر دبیرستان شهید رجایی، شهرستان کوهچنار، شهر قائمیه

توسعه حرفه‌ای و افزایش دانش و مهارت معلمان است. از این رو، در دهه گذشته، کانون بحث و گفت‌وگو درباره کیفیت مدرسه اثربخش، هر چه بیشتر متوجه توسعه حرفه‌ای معلمان بوده است. اهمیت «کیفیت توسعه حرفه‌ای» به دلیل تشدید چالش‌های پیش روی معلمان در حرفه معلمی و افزایش

کارایی و اثربخشی آن فراهم می‌آورد. نقش معلمان در پرورش انسان‌های جوامع گوناگون، از گذشته تاکنون، بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است؛ طوری که معلم یکی از ارکان اصلی نظام آموزش و پرورش شناخته می‌شود. لازمه موفقیت تلاش‌های انجام‌شده در زمینه بهسازی آموزش و پرورش،

یکی از ابزارهای مهم برای بقای هر سازمان و رسیدن به اهداف، منابع انسانی است. منابع انسانی مهم‌ترین سرمایه و منبع اصلی مزیت رقابتی هر سازمانی به‌شمار می‌آید. اهمیت راهبردی مدیریت منابع انسانی از آن جهت است که ابزاری را برای بهبود موقعیت رقابتی سازمان و نیز بهبود

انتظارات مردم از «کیفیت آموزش» است.

توسعه حرفه‌ای یکی از راهبردهای مدیریت منابع انسانی است. توسعه حرفه‌ای عبارت است از اعتلای استعداد، گسترش علاقه‌ها، بهبود شایستگی‌ها و به‌عبارت دیگر تسهیل رشد فردی و حرفه‌ای. این تعریف به‌قدری وسیع و گسترده است که شامل هر نوع فعالیتی می‌شود که در نهایت به توسعه فردی و حرفه‌ای کارکنان منجر شود. **رائول و کازاناس**^۱ (۲۰۰۴) بیان می‌دارند، توسعه کارکنان عبارت است از فرایند تغییر یک سازمان، کارکنان و ذی‌نفعان آن، با استفاده از یادگیری برنامه‌ریزی شده و برنامه‌ریزی نشده، به این منظور که سازمان به مزیت رقابتی دست یابد و آن را حفظ کند. به‌لحاظ علمی، توسعه حرفه‌ای ابعاد متعددی دارد که در سه بخش سازمان‌دهی می‌شوند:

● **زمینه:** شامل سازمان، فرهنگ یا مکانی است که یادگیری جدید در آن صورت می‌گیرد.

● **محتوا:** مهارت‌ها و دانشی را شامل می‌شود که مربیان برای انجام وظایف آموزشی خود بدان نیاز دارند و باید آن را از طریق مشارکت در فعالیتهای توسعه حرفه‌ای کسب کنند.

● **فرایند:** شیوه کسب دانش و مهارت‌های جدید را نشان می‌دهد. توسعه حرفه‌ای در واقع سفری دائمی است؛ سفری مادام‌العمر برای یادگیری؛ سفری که در طول زندگی حرفه‌ای معلم، به‌طور پیوسته جریان دارد و

موجب افزایش مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های او می‌شود. این یادگیری مداوم، کم‌کم عملکرد معلم را در کلاس بهبود می‌بخشد و موجب می‌شود او در مواجهه با مسائل و مشکلات کلاس و برای رفع و حل آن‌ها، تصمیم‌گیری‌های درست و اخلاقی داشته باشد. ارسطو این توانایی را خرد عملی می‌نامد. خرد عملی در واقع نوعی توانایی است که موجب می‌شود معلم خردمند، درست‌ترین و اخلاقی‌ترین

توسعه حرفه‌ای در واقع همان توسعه خرد عملی است که معلمان را به تصمیم‌گیرندگانی با تصمیم‌های درست و اخلاقی تبدیل می‌کند

تصمیم‌ها را برای لحظه‌لحظه کلاسش و آنچه در آنجا اتفاق می‌افتد، بگیرد. بنابراین، توسعه حرفه‌ای در واقع همان توسعه خرد عملی است که معلمان را به تصمیم‌گیرندگانی با تصمیم‌های درست و اخلاقی تبدیل می‌کند. عوامل متعددی توسعه حرفه‌ای معلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این مقاله بر نظارت بالینی تأکید می‌شود.

نظارت یکی از عملکردهای مدیریت و رهبری است و به‌عنوان راهی برای اطمینان‌یافتن از انجام فعالیتهای کارکنان به صورت مؤثر و توسعه شایستگی‌ها و توانایی‌های ایشان تعریف می‌شود. فرایند نظارت یکی از ابزارهای

ارزشیابی نیز به شمار می‌رود که طی آن عملکرد کارکنان ارزیابی می‌شود. نظارت به‌عنوان راهی برای رشد و بهبود فعالیت‌های کارکنان و نیز عاملی برای تسهیل دستیابی به اهداف سازمانی است و یکی از فرایندهای مهم در سازمان‌ها محسوب می‌شود.

نظارت در سازمان‌های آموزشی در جهت دستیابی به بهبود کیفیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به دو صورت می‌تواند انجام شود: نظارت اداری و نظارت بالینی.

● **در نظارت اداری، ناظران** مدیریتی وظیفه مشاهده، راهنمایی و ارزشیابی کارکنان، دانش‌جویان، دانش‌آموزان و متخصصان را در سازمان بوروکراتیک بر عهده دارند. در طی فرایند نظارت اداری، کلیه عوامل مربوط به نظام آموزشی، از جمله فعالیتهای حرفه‌ای معلمان، ارزشیابی و کنترل می‌شوند.

● **نظارت بالینی** فرایندی است که بین دو فرد اتفاق می‌افتد که یکی از ایشان ناظر محسوب می‌شود و دیگری فردی است که مورد نظارت قرار می‌گیرد. این دو نفر همدیگر را ملاقات می‌کنند و در زمینه موضوعات حرفه‌ای برای تکامل حرفه‌ای فرد مورد نظارت بحث می‌کنند. ارتباط نزدیک و چهره‌به‌چهره است و فعالیت اصلی آن کمک به رشد و تعالی حرفه‌ای معلم از طریق هوشیار کردن خود وی نسبت به آن چیزی است که برای بهبود لازم است.

وجود برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و کیفیت تداوم آن، در تحقق

هدف‌های آموزشی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. با اجرای طرح نظارت بالینی آموزشی به‌منظور اصلاح وضع آموزشی تحت‌عنوان رهبران آموزشی با معلمان و به کمک آنان کار و فعالیت می‌کنند و از طریق همکاری حرفه‌ای، در ارتقای کیفیت عملکرد معلمان و رفع مسائل و مشکلات آنان می‌کوشند. اگرچه برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و عنوان‌های راهنمایان آموزشی در نظام‌های گوناگون آموزشی متفاوت است، وظایف آنان کم و بیش مشابه است.

یکی از اساسی‌ترین بخش‌ها، در هر جامعه‌ای، بخش آموزش و پرورش است؛ زیرا این نهاد عامل اصلی و کلیدی توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر کشور محسوب می‌شود. از سوی دیگر، مدرسه‌ها از ارکان اصلی آموزش و پرورش‌اند که نقش اصلی را در موفقیت نظام آموزشی هر کشور به عهده دارند و این نظارت و راهنمایی آموزشی است که از به انحراف کشیده‌شدن اهداف آموزشی جلوگیری می‌کند و به تعالی کیفیت آموزشی می‌پردازد. این امر در نهایت متضمن پیشرفت، رشد و توسعه کشور در ابعاد گوناگون است.



نظارت بالینی یکی از گزینه‌های نظارتی و کمک مستقیم به معلمان است. بیان روح و جوهر نظارت بالینی در قالب کلمات مشکل است. نظارت بالینی یک فرایند، شیوه و سبکی مشخص برای نزدیک شدن به معلمان است. برای اینکه ناظر آموزشی بتواند این جریان را عملی مؤثر سازد، باید فکر، احساس و عمل او با یکدیگر هماهنگ

باشند. نظارت بالینی معروف‌ترین، قدیمی‌ترین و پراستفاده‌ترین ساختار کار مستقیم با معلمان است که هدف آن اصلاح فرایند آموزش و یادگیری از طریق همکاری حرفه‌ای متقابل ناظر آموزشی و معلم است. در واقع نظارت و راهنمایی آموزشی بالینی، مطالعه رفتار معلم در کلاس درس با روش نظام‌مند و منظم و در جوی همراه با همکاری و احترام متقابل است و مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که برای اصلاح فرایند تدریس و یادگیری طراحی شده‌اند. در مواجهه با برخی از روش‌ها یا راهبردها برای رفتار با معلم، راهنمای آموزشی با مدیر، باید راهبردهای مؤثرتر را با توجه به اهداف، گروه‌های معین، موقعیت‌های معین و شخصیت ویژه معلم انتخاب کند. یکی از انواع روش‌های مستقیم نظارتی مدیران و راهنمایان آموزشی، نظارت و راهنمایی بالینی است. در این روش، شیوه‌های برخورد با معلم به چهار رویکرد عمده «کنترل دستوری، مشارکتی، اطلاعات دستوری و غیردستوری» تقسیم می‌شوند که آگاهی مدیران مدرسه‌ها از این رویکردها می‌تواند آنان را در نحوه برخورد مناسب و رفتار با معلمان یاری رساند و باعث جلب اعتماد و احترام آنان شود و رضایت آنان را جلب کند. این موضوع در نهایت به همکاری، توسعه و پیشرفت حرفه‌ای میان آنان منجر می‌شود و شکوفایی، رشد و پیشرفت مدرسه‌ها و آموزش و پرورش را در پی خواهد داشت.

پی‌نوشت

1. Rothwell & Kazanas





دانش‌آموز کارآفرین

فاطمه زیاری، مشاور دبیرستان نبوت، متوسطه اول، منطقه ۴، تهران

دارد (فلاح و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۶). **مایکل اپل** معتقد است، برنامه درسی پنهان عبارت است از تدریس ضمنی هنجارها، ارزش‌ها و ایجاد تمایلات خاص به فراگیرندگان (کیانی، ۱۳۹۶). در کشور ایران هم برنامه درسی پنهان مدرسه باید عامل تأثیرگذار بر تقویت روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان باشد که بی‌توجهی به این موضوع، از منظر عملکردی لطمات جبران‌ناپذیری به دانش‌آموزان وارد می‌کند. بنابراین، محقق این پژوهش درصدد آن است که آیا برنامه درسی پنهان با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان رابطه معناداری دارد یا خیر؟

هدف تحقیق

تعیین رابطه بین برنامه درسی پنهان و ابعاد آن با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان

این عاملان تغییر، شخصیت و روحیه‌ای داشته‌اند که امروزه «کارآفرینی» نامیده می‌شوند. کارآفرینی هم بعد نظری و هم بعد عملی - کاربردی دارد. با روش‌های گوناگون آموزشی می‌توان به آموزش کارآفرینان همت گماشت (احمدیان راد، ۱۳۸۶: ۱۲). از طرف دیگر، در طول تاریخ برنامه درسی، صاحب‌نظران این رشته تلاش‌های زیادی کرده‌اند که غنای هرچه بیشتر آن را در پی داشته است. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها که از مفاهیم و مباحث به نسبت تازه و ارزشمند برنامه درسی است، برنامه درسی پنهان است که وجودش در کنار برنامه درسی رسمی یا آشکار، از ضرورت توجه به تمامیت آنچه دانش‌آموزان در اثر حضور در متن نظام رسمی آموزش تجربه کرده‌اند و می‌آموزند، حکایت

«کارآفرینی» همان فرایند تأسیس یک کسب‌وکار (شرکت) بر مبنای یک فکر و ایده نو است. اقتصاد دانش‌بنیان خود را مدیون همین افراد کارآفرین است. وقتی مسیر حوادث، وقایع و روند فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم انسان‌ها همواره به دنبال تغییر بوده‌اند و در این میان، افرادی بوده‌اند که از قوانین کلی جوامع تبعیت نکرده و خود باعث تغییر جوامع خود و به‌طور کلی جوامع بشری شده‌اند. جامعه پیشرفته امروزی توسعه خود را مدیون انسان‌هایی است که قادر به تبدیل رؤیایها و ایده‌های خلاقانه خود به واقعیت بوده‌اند. روحیه استقلال‌طلبی برای کاوش موقعیت‌های جدید را داشته و از جرئت کافی برای مبارزه با روش‌های متداول و جاافتاده برخوردار بوده‌اند.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین متغیر مستقل (ابعاد برنامه درسی پنهان) با متغیر روحیه کارآفرینی

متغیر وابسته (میزان روحیه کارآفرینی)	میزان همبستگی	سطح معناداری	درجه آزادی	ضریب تعیین
برنامه درسی پنهان	۰/۱۸۶	۰/۰۱۳	۱۲۰	۳/۴
بعد کنش متقابل	۰/۲۲۳	۰/۰۱۳	۱۲۰	۴/۹
بعد ساختار سازمانی	۰/۱۹۷	۰/۰۳۴	۱۲۰	۳/۸
بعد جو اجتماعی	۰/۱۱۲	۰/۰۳۷	۱۲۰	۱/۲۵
بعد ساختار فیزیکی	۰/۱۰۶	۰/۰۴۳	۱۲۰	۱/۱۲

فرضیه تحقیق

بین برنامه درسی پنهان و ابعاد آن با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان با میزان روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول منطقه چهار شهر تهران از روش پیمایشی استفاده شده است و در آن از پرسش‌نامه‌های استاندارد برنامه درسی پنهان، آزمون کارآفرینی روبینسون برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول منطقه چهار شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸ است که تعداد آنان براساس آخرین اطلاعات، ۱۵۰۰ نفر است و بر اساس جدول تنظیم‌شده مورگان، تعداد حجم نمونه آن ۱۲۰ نفر تعیین شده است. روش نمونه‌گیری نیز تصادفی ساده بوده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شد که در آن، در بخش آمار استنباطی نیز، با توجه به سطح سنجش متغیرها، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. (جدول ۱)

یافته‌های تحقیق

بررسی رابطه متغیرها گویای این است که بین دو متغیر همبستگی مستقیم و مثبت معناداری وجود دارد و لذا فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق پذیرفته یا

تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان گفت، بین میزان برنامه درسی پنهان و ابعاد آن با میزان روحیه کارآفرینی، به احتمال اطمینان ۹۵ درصد رابطه وجود دارد. اما این رابطه مثبت و مستقیم است. بدین صورت که هر چه میزان برنامه درسی پنهان در بین دانش‌آموزان بیشتر باشد، میزان روحیه کارآفرینی در بین آنان بیشتر خواهد بود.



در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت، از آنجا که برنامه درسی پنهان بعد غیرقابل پیش‌بینی یادگیری است، بنابراین توجه نکردن به برنامه درسی پنهان و مؤلفه‌های آن در مدرسه، غفلت از بخش مهمی است که می‌تواند از طریق کنش متقابل و تعامل مناسب عوامل مدرسه از جمله معلمان، روش‌های تدریس، برنامه‌های درسی، حوزه کادر آموزشی و بخش‌های آموزشی و غیرآموزشی و با فراهم کردن ساختار سازمانی مناسب و جو اجتماعی باز و ساختار و امکانات فیزیکی، بر باورهای انگیزشی و کارآفرینی در دانش‌آموزان تأثیر داشته باشد.

مطالعه نظریات و پیشینه تحقیقاتی برنامه درسی پنهان نشان می‌دهد، که برنامه درسی پنهان نقش بسیار مؤثری در پیشبرد اهداف آموزشی داشته است. نظر به پیوند میان روحیه کارآفرینی با ادراک بیشتر دانش‌آموزان از قلمرو و ابعاد موضوع مورد یادگیری، پیشنهاد می‌شود محیط فیزیکی کلاس‌های

درس، هم‌راستا با محیط مناسب الگوهای نوین تدریس، از حالت مستطیلی به مربعی بودن تغییر شکل یابند و چیدمان آن‌ها نیز به صورتی باشد که بتوان از الگوهای هم‌اندکوی تفحص گروهی بهره گرفت. با توجه به نوع رسالت نهاد آموزش و پرورش از یکسو و موارد غیرهمسوی معلمان با توسعه روحیه کارآفرینی، پیشنهاد می‌شود در هنگام جذب و استخدام معلمان، ملاک‌ها و شاخصه‌هایی از کارآفرین بودن آنان مدنظر قرار گیرد.

با عنایت به یافته‌های مربوط به نوع تدریس معلمان و با هدف افزایش و توسعه مهارت‌های تدریس معلمان، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌هایی آموزشی برای معلمان و با موضوع تدریس و ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموزان تدارک دیده شوند. از طریق تغییر در نگرش و شناخت معلمان مدرسه‌ها می‌توان افزایش روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان را انتظار داشت.

منابع

۱. احمدیان‌راد، حمیده (۱۳۸۶). شیوه‌های کهنه آموزش، دشمن خلاقیت و کارآفرینی. روزنامه ایران، سال سیزدهم، شماره ۳۶، بخش گزارش. دوشنبه بیست و پنجم تیرماه.
۲. فلاح، وحید؛ نریمانی، ابوالقاسم؛ نیازآذری، کیومرث؛ مونتمنی، همایون؛ مهدوی، هیلدا (۱۳۹۱). تأثیر برنامه درسی پنهان بر عملکرد دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر ساری. ویژه‌نامه.
۳. کیانی، سمانه (۱۳۹۶). تأثیر برنامه درسی پنهان بر عملکرد دینی دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان شهر شفت. مجموعه مقالات همایش از نگاه معلم. هرمزگان. میناب.



خانواده معلم آموزش مجازی

روح‌الله خلیلی بروجنی، کارشناس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

حداکثری آن‌ها در استفاده از یادگیری آنلاین را در پی دارد.

یکی از سیاست‌گذاری‌های نظام‌های آموزشی در این شرایط باید به راهنمایی و آموزش والدین در مورد روش‌های مؤثر برای حمایت از یادگیری فرزندانشان معطوف باشد. درعین حال، معلمان نیز به پشتیبانی و آموزش مستمر نیاز دارند تا قادر باشند فناوری را به‌طور مؤثر در شیوه‌ها و روش‌های تدریس و ارزشیابی خود به کار گیرند و به دانش‌آموزان، برای غلبه بر برخی از مشکلات مربوط به یادگیری آنلاین، کمک کنند.

بنابراین، مهم است که سیاست‌گذاران آموزشی درک کنند چه عواملی مانع از آموزش مناسب و کافی دانش‌آموزان در این شرایط شده‌اند. در این میان، افزون بر کمبود زیرساخت‌ها و آمادگی ناکافی مدرسه‌ها و معلمان، از نبود دستورالعمل‌های مناسب آموزشی نیز می‌توان صحبت کرد. این عناصر در هر کشوری نتایج متفاوتی را در کیفیت یادگیری آنلاین ایجاد کرده است و این نگرانی را در پی دارد که در صورت نبود اقدامات سریع و مناسب اصلاحی، ممکن است نابرابری در نتایج آموزشی در گروه‌های اقتصادی اجتماعی تقویت شود.^۱ مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده پیش

جایگزین مطلوبی برای آموزش حضوری نباشد؛ به‌خصوص در شرایط نبود دسترسی جهانی به زیرساخت‌ها (سخت‌افزار و نرم‌افزار) و نبود آمادگی کافی در معلمان و دانش‌آموزان برای مطالبات منحصربه‌فردی که یادگیری آموزش آنلاین ایجاد می‌کند. ایجاد نگرش مثبت نسبت به یادگیری آنلاین می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند برخی از چالش‌های بالقوه ناشی از یادگیری آنلاین را از بین ببرند. به‌طور کلی، نگرش مثبت نسبت به یادگیری، خودتنظیمی و انگیزه‌های ذاتی برای یادگیری، در بهبود عملکرد دانش‌آموزان نقش مهمی دارد و در شرایط همه‌گیری کووید ۱۹، اهمیت این مؤلفه‌ها و یافتن راه‌هایی برای توجه جدی به آن‌ها، بیش از پیش باید جزو برنامه‌های آموزشی باشد. نگرش مثبت دانش‌آموزان به یادگیری، افزون بر الگوهای آموزشی، تا حدود زیادی از حمایتی متأثر است که آن‌ها از خانواده‌ها و معلمان دریافت می‌کنند. حمایت عاطفی والدین از فرزندانشان و همچنین اشتیاق معلم به آموزش، از جمله راهکارهایی است که نگرش‌های مثبت دانش‌آموزان نسبت به یادگیری را رشد می‌دهد. این نگرش‌های مثبت، گرایش‌ها و تمایلاتی را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند که توانایی

← برای دولت‌ها و سیاست‌گذاران آموزشی بسیار مهم است که مشخص کنند کدام سیاست‌ها و راهبردهای آموزشی می‌توانند تأثیر یادگیری آنلاین را به حداکثر برسانند. در این یادداشت، نقش نگرش دانش‌آموزان در به حداکثر رساندن پتانسیل یادگیری آنلاین برای شرایطی که امکان آموزش منظم حضوری وجود ندارد، بررسی می‌شود.

از آنجا که والدین و معلمان در حمایت از دانش‌آموزان برای توسعه این نگرش نقش اساسی دارند، به‌ویژه در شرایط غیرحضوری بودن مدرسه، سیاست‌گذاری‌های آموزشی باید با هدف کاهش بار والدین و کمک به معلمان و مدرسه برای تقویت و استفاده بیشتر از یادگیری آنلاین طراحی شود.

بحران همه‌گیری کووید ۱۹، اکثر نظام‌های آموزشی را ملزم به انتخاب گزینه‌هایی دیگر به‌جای آموزش و یادگیری حضوری کرده است. به همین دلیل، بسیاری از نظام‌های آموزشی فعالیت‌های خود را به‌صورت آنلاین دنبال کرده‌اند تا در حین تعطیلی فیزیکی مدرسه، فرایند آموزش تداوم یابد.

آموزش آنلاین برای تداوم یادگیری در حین تعطیلی فیزیکی مدرسه‌ها ابزار مهمی بوده است. با این حال، هنوز نگرانی‌هایی وجود دارد که ممکن است یادگیری آنلاین

از همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ نشان می‌دهند، ابزارهای دیجیتال زمانی برای یادگیری دانش‌آموزان مفید و مؤثرند که برای تکمیل آموزش‌های حضوری از آن‌ها استفاده شود. به همین دلیل، دولت‌ها، سیاست‌گذاران آموزشی و مدیران مدرسه‌ها باید تلاش کنند معلمان را در استفاده از ابزارهای آنلاین در شیوه‌های آموزشی آنلاین، به‌طور مستمر حمایت کنند. برای مثال، با هدف ارائه راهنمایی و ایجاد انگیزه مثبت در دانش‌آموزان برای یادگیری آنلاین، به معلمان آموزش دهند. اگرچه نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت به یادگیری از عوامل مهم پیشرفت تحصیلی آن‌ها در زمان‌های عادی است، اما به دلیل چالش‌های خاص و منحصر به فرد یادگیری آنلاین، احتمالاً این شیوه از یادگیری، در شرایط فعلی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. یادگیری آنلاین دانش‌آموزان را به تکیه بر انگیزه‌های ذاتی، یادگیری ذاتی، خودتنظیمی و خودکارآمدی ملزم کرده است. به همین دلیل، ایجاد نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت به این شیوه از یادگیری، می‌تواند کلیدی باشد برای رفع مشکلات اصلی که دانش‌آموزان ممکن است در مواجهه با این بیماری دوباره با آن مواجه شوند.

آیا خانواده‌ها و معلمان می‌توانند از یادگیری آنلاین پشتیبانی مؤثرتری داشته باشند؟

نگرش‌های مثبت در یادگیری دانش‌آموزان، ریشه در حمایتی دارد که آن‌ها از معلمان و خانواده‌های خود دریافت می‌کنند. پژوهش‌ها به نقش مهم شیوه‌های آموزش معلم و همچنین حمایت عاطفی والدین به‌عنوان محرک‌های مهم رشد نگرش‌های مثبت در دانش‌آموزان اشاره دارند. بنابراین، شناخت روش‌های حمایتی معلمان و خانواده‌ها می‌تواند به آن‌ها کمک کند روند یادگیری آنلاین دانش‌آموزان را بهتر دنبال کنند.

شواهد نشان می‌دهند که والدین در دوران یادگیری آنلاین در خانه، می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. مانند اطمینان از اینکه فرزندان‌شان از برنامه‌های درسی پیروی می‌کنند. همچنین، والدین با حمایت

در نوشتن این یادداشت از برخی نکات مندرج در گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در خصوص وضعیت آموزش آنلاین در شرایط همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ استفاده شده است. متن کامل این گزارش را می‌توانید در نشانی زیر مطالعه کنید:



عاطفی از فرزندان‌شان، سبب می‌شوند آن‌ها انگیزه و اهداف بلندپروازانه خود را حفظ کنند، چرا که در شرایط بی‌توجهی، ممکن است فرزندان‌شان به راحتی از یادگیری مستقل دلسرد شوند. بنابراین، برای دولت‌ها، سیاست‌گذاران آموزشی و مدیران مدرسه‌ها بسیار مهم است که برای مقابله با این مسائل و تقویت مشارکت والدین اقدامات سریع و مؤثری انجام دهند.

سیاست‌های حمایت از خانواده‌ها و معلمان

تجزیه و تحلیل ارائه‌شده در بالا، اهمیت نقش خانواده‌ها و معلمان را در حمایت از یادگیری و ایجاد انگیزه مثبت یادگیری در دانش‌آموزان، به‌خصوص در تعطیلی مدرسه‌ها، برجسته کرده است. بنابراین، مهم است که دولت‌ها راه‌های تعامل مؤثر خود را با مدرسه‌ها، معلمان و والدین تسهیل کنند. یافتن روش‌های مؤثر برای والدین شاغل، به‌منظور تأمین مراقبت و حمایت از فرزندان‌شان در کارهای مدرسه، ضمن توجه به تعهدات شغلی خود، چالش مهمی است که بسیاری از دولت‌ها سعی در رفع آن دارند. اکثر کشورها در حال حاضر در این راستا با گسترش فرصت‌های حضور والدین در کنار فرزندان‌شان، برنامه‌هایی را به اجرا گذاشته‌اند.^۱ ارائه اطلاعات مناسب به والدین در مورد چگونگی حمایت مؤثر از یادگیری فرزندان‌شان می‌تواند نتایج

آموزشی را بهبود بخشد. برای مثال، محتواهای مناسبی که در شبکه‌های رشد و شاد بارگذاری می‌شوند، در این راستا می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. مدیران و معاونان آموزشی مدرسه‌ها همچنین می‌توانند با تقویت تعامل مدرسه و والدین، در مورد شیوه‌های مؤثر حمایت از یادگیری فرزندان خود، نقش مهمی داشته باشند. معلمان همچنین برای انطباق سریع شیوه‌های آموزشی خود با یادگیری آنلاین، به آموزش و پشتیبانی‌های علمی و فنی نیاز دارند.^۲

پی‌نوشت‌ها

۱. نتایج یک پژوهش در انگلستان حاکی از آن است که فرزندان خانواده‌های به‌نسبت برخوردار، در مقایسه با خانواده‌های فقیرتر، در شرایط دور از مدرسه، حدود ۳۰ درصد بیشتر وقت خود را برای یادگیری در خانه گذرانده‌اند، در حالی که دانش‌آموزان مدرسه‌های ثروتمندتر، برای یادگیری (مانند تدریس خصوصی آنلاین) به منابع بیشتری دسترسی داشته‌اند.



۲. برای مثال، در اسلوانی، والدین شاغل مجاز به مرخصی استحقاقی تا سه ماه هستند، به‌طوری که ۸۰ درصد درآمد آن‌ها توسط دولت پرداخت می‌شود. به همین ترتیب، در آلمان والدین دارای فرزندان زیر ۱۲ سال، از شش هفته مرخصی استحقاقی با ۶۷ درصد درآمد در ماه برخوردار می‌شوند. در ایالات متحده، والدین دارای فرزندان زیر ۱۸ سال که مدرسه آن‌ها بسته شده است، مجاز به مرخصی استحقاقی خانوادگی تا ۱۲ هفته هستند و دو سوم حقوق آن‌ها پرداخت می‌شود. کشورهای دیگر مقررات مشابهی را وضع کرده‌اند، برای مثال، کشورهای کانادا، فرانسه، ایتالیا، سوئیس و انگلستان، در حالی که مدرسه‌ها تعطیل هستند، برای تحریک مشارکت والدین در فعالیت‌های یادگیری فرزندان‌شان، ضمن حفظ شغل و پرداخت حقوق آن‌ها، اقداماتی از این دست انجام داده‌اند.

۳. در این میان می‌توان به تجربه فرانسه اشاره کرد که با ایجاد شبکه‌ای از مشاوران آموزش دیجیتال و آنلاین محلی، و ارائه آموزش آنلاین به آن‌ها در مورد دسترسی‌پذیری و استفاده از منابع دیجیتال برای آموزش و پرورش و با ترویج شیوه‌های آموزشی متناسب با تداوم آموزشی و باز شدن تدریجی مدرسه‌ها و دانش‌آموزان، از معلمان و مدیران مدرسه‌ها پشتیبانی کرده است.



تبلت و حل مسائل

کیهان خیرآبادی، مدیر آموزگار ابتدایی، کردستان، کامیاران، شهر موجش

گردآوری اطلاعات (شواهد ۱)

- ۱ برای آگاهی از موضوع، در اولین اقدام عملی، به کارنامه آموزشی - تربیتی دانش‌آموزانم در سال تحصیلی گذشته مراجعه کردم و در آن نامطلوب بودن وضعیت درس ریاضی نسبت به دیگر درس‌ها برایم مشخص شد.
- ۲ در گام بعدی، برای آشنایی بیشتر با فعالیت‌های انجام گرفته در سال قبل، محتوای پوشه کار دانش‌آموز و دفتر ثبت فرایندهای کلاس و گزارش پیشرفت تحصیلی را بررسی کردم.
- ۳ رجوع به خود دانش‌آموز به‌عنوان منبع اصلی اطلاعات با روش مصاحبه.
- ۴ بررسی کتاب‌های دانش‌آموزان.
- ۵ برگزاری آزمون‌های محقق ساخته از محتوای مسائل ریاضی تمام پایه‌ها.
- ۶ استفاده از «آزمون چند جنبه‌ای شخصیت EPI»، که فرم نوجوان (۱۲ تا ۱۸ سال) این آزمون با ۸۰ سؤال، برای تیپ‌های سالم طراحی شده بود (قابل استفاده برای پایه‌های پنجم و ششم).

تجزیه و تحلیل داده‌ها: وضعیت درسی دانش‌آموزان در سال گذشته به خوبی روش می‌کند که آن‌ها در درس ریاضی وضعیت مطلوبی نداشته‌اند.

○ بسیاری از دانش‌آموزان هر چند از خود درس ریاضی تنفر زیادی ندارند، اما به علت دشوار بودن درس‌ها و آشنا نبودن بیشتر آن‌ها با راهبردهای حل مسئله، نوعی تنفر از مسئله‌ها در وجود خود دارند.

○ اگر خود معلم در حین حل مسئله بر دانش‌آموزان نظارت کافی داشته باشد، در مقایسه با زمانی که مسئله‌ها بدون راهنمایی و بدون روش مناسب به دانش‌آموزان واگذار شود تا خودشان حل کنند، وضعیت متفاوت خواهد بود.

○ دانش‌آموزان تمامی پایه‌ها در حل مسئله ضعف اساسی دارند و عملکرد پایین و جمعی آنان نمی‌تواند اتفاقی باشد.

○ براساس تحلیل آزمون شخصیت EPI، دانش‌آموزان در برخورد با مسئله به علت‌های متعدد، اعتماد خود را از دست می‌دهند و در پی اینکه نمی‌توانند مسئله را به‌درستی حل کنند، نگرانی بر آن‌ها غالب می‌شود. کم‌کم منزوی می‌شوند و به‌صورت فردی درون‌گرا در خواهند آمد.

○ اجرای راه‌حل جدید

اهداف پژوهش

اهداف کلی: کمک به دانش‌آموزان در حل مسائل ریاضی با استفاده از تبلت و براساس مدل چهار مرحله‌ای جرج پولیا

اهداف جزئی پژوهش:

افزایش علاقه دانش‌آموزان به ریاضی و حل مسئله؛

متنوع و جذاب کردن روش تدریس

برای دانش‌آموزان؛

توانایی تفهیم والدین نسبت به

استفاده مفید از تبلت؛

جبران افت تحصیلی ناشی از

عملکرد پایین در درس ریاضی؛

رعایت زمان آموزش برای دیگر

پایه‌ها.

سؤال پژوهش: چگونه می‌توانم

عملکرد دانش‌آموزانم را در حل مسائل

ریاضی با استفاده از تبلت در کلاس

بهبود ببخشم؟

می‌خواهد (فهمیدن)؛

از شاگردان بخواهید مشخص

کنند معلومات مسئله چیست؟

مجهول مسئله کدام است؟ به عبارت

دیگر، معین کنند چه دارند و چه

می‌خواهند و بعد راهی را که می‌توانند

با استفاده از آن به حل مسئله اقدام

کنند، حدس بزنند (انتخاب راهبرد

حل مسئله)؛

بخواهید که بعد از خواندن مسئله،

پاسخ را حدس بزنند. این امر کمک

می‌کند بیشتر به مسئله توجه کنند.

یادآوری کنید که هر مسئله ممکن

است چند راه حل داشته باشد که

می‌توانند از هر راه حل استفاده کنند.

تا آنجا که امکان دارد، سعی کنید

مسئله‌ای طرح کنید که صورت آن

جنبه شهودی و تجربی داشته باشد.

در مدرسه‌های ما زمینه استفاده

از تبلت‌های دانش‌آموزی فراهم شود

تا ضمن هم‌نوایی با فناوری‌های

امروزی، بعضی مشکلات پیش روی

دانش‌آموزان هم برطرف شود.

والدین ضمن نظارت مستقیم

بر کیفیت و کمیت بازی فرزندشان،

ضمن ارتباط با مسئولان مدرسه،

براساس برنامه‌ای معین و اعمال

محدودیت‌هایی، فرصت استفاده از

تبلت دانش‌آموزی را مهیا کنند.

معلمان ما در کلاس درس نسبت

به روش تدریس خود تجدیدنظر کنند

و از روش‌های جذاب و فناوری‌های

امروزی بهره‌گیرند.

بدیهی است خلاصه کردن اقدام

پژوهی، منجر به نادیده گرفتن بخش

زیادی از مطالب مهم می‌شود که

ممکن است این چند برگ خلاصه

به‌درستی حق مطلب را ادا نکند.

تبلت در مدرسه؛

ث) شکل‌دهی رفتار؛

ج) نظارت والدین.

گردآوری اطلاعات و شواهد ۲

یکی از دانش‌آموزانم را به‌صورت

کاملاً تصادفی انتخاب کردم و او را با

یکی از والدینش به مدرسه دعوت

کردم. بدون حضور دانش‌آموزان و

اولیای دیگر، از آن‌ها خواستم هر دو

به‌صورت جدا از هم به یک نوع سؤال

جواب بدهند. در پایان تفاوت جواب‌ها

را مقایسه کردم. مشخص شد، جز در

چندین سؤال (که آن‌ها هم جواب هر

دو نفر نزدیک به هم است)، در بقیه

موارد، پدر و دختر در مورد اجرای طرح

و نتایج آن اتفاق نظر دارند. از نتیجه

بازدید راهبر آموزشی مشخص شد، غیر

از سه نفر از دانش‌آموزان که در حل

مسئله وضعیت خوبی داشتند، بقیه از

عهده این کار خیلی خوب بر می‌آیند.

همچنین، منبعی که می‌توانستم پس

از اجرای طرح به‌عنوان سندی معتبر

در نظر آورم، جدای از گزارش پیشرفت

تحصیلی، کارنامه نهایی دانش‌آموزانم

بود که عملکرد مطلوب در درس

ریاضی را به‌خوبی نمایان می‌کرد. دلیل

دیگر درستی طرحی که اجرا کرده

بودم، جمع‌بندی نظرات والدین در

مورد کاهش ساعات بازی و سرگرمی

توسط فرزندشان بود.

پیشنهادها

شاگردان را باید هدایت کرد که

مسئله را بفهمند. برای این منظور

بخواهید که متن مسئله را دقیق

بخوانند یا با زبان خودشان توضیح

دهند مسئله چه می‌گوید و چه

آماده شدن برای اجرا: با توجه به

اینکه ۶ دانش‌آموز از ۹ دانش‌آموز هر

کدام تبلت شخصی بدون سیم‌کارت

داشتند و براساس نظر والدینشان، به

بازی و سرگرمی علاقه زیادی دارند

و مدت‌زمان زیادی را صرف این کار

می‌کنند، به این فکر افتادم که از تبلت

خودشان، که جنبه سرگرمی و بازی

دارد، با تغییراتی جزئی، برای آموزش

حل مسئله با اهداف خاص بهره بگیرم.

اکنون باید برایم مشخص می‌شد

که کتاب ریاضی هر پایه، بیشتر چه

راهبردهایی را برای حل مسئله در نظر

داشته است. پس به بررسی صفحه به

صفحه کتاب‌های ریاضی شش پایه

پرداختم. بعد هم براساس مسائل موجود

در کتاب درسی هر پایه، مسئله‌ها را در

محیط برنامه پاورپوینت تایپ کردم و

غیر از آن، برای جذاب کردن مسئله، از

شکل‌ها و تصویرهای متحرک و مناسب

استفاده کردم. اما با توجه به ممنوعیت

استفاده از تبلت در مدرسه قبل از شیوع

بیماری کرونا، باید برای انجام طرح مورد

نظرم، از اداره آموزش و پرورش منطقه

موجش مجوزی موقت می‌گرفتم.

خوشبختانه پس از گفت‌وگوهای زیاد و

ارائه اهداف طرح، با قبول مسئولیت‌های

این کار توسط این‌جانب، مجوز موقت و

محدود را اخذ کردم.

اجرا در کلاس: فرایند اجرای راه‌حل،

نیازمند گذر از چند مرحله بود:

الف) برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با

دانش‌آموزان؛

ب) ورود تبلت به کلاس؛

پ) انتقال برنامه ساخته‌شده به

تبلت‌ها؛

ت) ارائه قوانین و زمان استفاده از



کارراهه شغلی

خلیل جوادیار، دبیر کمیسیون مدیریت آموزشی شورای عالی آموزش و پرورش

معلمان، به عنوان اصلی‌ترین مهره از منابع انسانی نظام تعلیم و تربیت، به طور دائم باید مورد توجه، نقد، بررسی و تبیین جایگاه قرار گیرند تا به بالندگی شغلی، ارتقای جایگاه، شأن و منزلت اجتماعی برسند. معلمی را اگر به طرز دقیق و علمی مورد توجه قرار دهیم، مراتبی فنی، تخصصی و مهارتی دارد که لازم است همواره به آن‌ها پرداخته شود. شغل معلمی در کشورمان، علاوه بر اهمیت ذاتی، باید در مقررات و قوانین حاکم نیز وجاهت و اهمیت داشته باشد.

رشد و توسعه سازمان‌ها، به‌ویژه آموزش و پرورش، بدون توجه به رکن اساسی نیروی انسانی امکان‌پذیر نیست. همه سازمان‌ها به عامل نیروی انسانی به عنوان عاملی کلیدی توجه می‌کنند. مدیران سازمان تلاش می‌کنند در منابع انسانی خود چنان انگیزه‌هایی ایجاد کنند که آن‌ها ضمن احساس سربلندی و خشنودی از کار در سازمان، نهایت دانش تخصصی، توان و مهارت خود را هم برای دستیابی به هدف‌های سازمان به کار گیرند. یکی از مفاهیم اصلی برای شناسایی هر شغلی، «کارراهه شغلی» ترسیم‌شده برای آن است. «کارراهه» یا «مسیر شغلی» همان مسیری است که فرد در هر شغل، از لحظه شروع تا زمان بازنشستگی، قدم به قدم طی و در آن پیشرفت می‌کند. مسیر شغلی (نردبان شغلی) شامل روش‌هایی است که به‌واسطه آن‌ها فرد شاغل در سازمان، توسعه و پیشرفت را به‌صورت قدم‌به‌قدم طی و از لحاظ جایگاه شغلی - مهارتی ترقی می‌کند. هر مسیر شغلی باید هدف نیز داشته باشد. یعنی فرد چشم‌اندازی برای خود ترسیم می‌کند که در آن یک هدف مشخص و واضح از پیش تعریف‌شده، تعیین شده است. داشتن هدف بلندمدت و چشم‌انداز شغلی می‌تواند انگیزه کاری را در فرد افزایش دهد.

کارراهه شغلی اهمیت و ضرورت دارد. کارراهه‌های شغلی در خوشه‌های گوناگون، از ساده‌ترین جایگاه‌ها و مهارت‌ها آغاز می‌شوند که گاهی حتی شاید از دید فرد

بسیار ساده و پیش‌یافتاده به نظر برسند. اما اینکه انتخاب شغل با در نظر گرفتن کارراهه انجام شود، در توسعه و پیشرفت آینده فرد بسیار اهمیت دارد.

ترسیم فرایند کارراهه شغلی، هم به‌صورت فردی و هم جمعی (برای کارکنان سازمان) قابل اجراست. در واقع، کارراهه شغلی نمودار مسیر پیشرفت یا پسرفت یا رکود فرد به تنهایی یا فرد به‌عنوان یک کارمند در سازمان را مشخص می‌کند تا به‌وسیله آن اطلاعاتی به دست آورد که کیفیت کاری خود و سازمان را بهبود دهد و بالاتر برود.

نبود کارراهه شغلی در هر سازمانی، آسیب‌هایی مانند کمبود نیروی انسانی متخصص، تعهد کم نیروی انسانی، نبود اثربخشی منابع صرف‌شده برای آموزش و توسعه نیروی انسانی، استیصال کارکنان و احساس بی‌ارزشی آنان برای سازمان را در پی دارد.

کارراهه شغلی از جنبه تأثیرگذاری احساسات و انگیزه‌های افراد روی عملکردشان نیز مهم است. برای کارراهه شغلی دو معنای درونی و بیرونی برشمرده‌اند:

فرایند بالا و پایین رفتن احساسات و انگیزه‌های فرد نسبت به شغلش، معنای درونی آن است. به زبان ساده‌تر، اینکه فرد در طول فرایند کاری خود چه احساساتی را تجربه می‌کند و انگیزه‌هایش چطور در

شرایط گوناگون تغییر می‌کنند. بنابراین، با تغییر و جهت‌دادن این احساسات و مشورت با متخصصان، فرد می‌تواند عملکرد شغلی خود را بهبود دهد و در سازمان خود تأثیر بیشتری بگذارد.

معنای بیرونی کارراهه شغلی، مسیر شغلی یک فرد در سازمان است. در واقع، این معنای بیرونی است که می‌باید مدیریت کارراهه شغلی را مهم و پررنگ می‌کند. این مدیریت فرایندی است که در آن توسعه مسیر شغلی کارکنان طراحی و براساس نیاز و توانمندی سازمان، عملکرد و پتانسیل و ترجیحات شخصی افراد، طرح‌ریزی و شکل‌دهی می‌شود.

چنانچه در قوانین و مقررات بالادستی به دنبال موضوع مورد بحث باشیم، «قانون مدیریت خدمات کشوری»، به عنوان اصلی‌ترین آن‌ها، ملاک خواهد بود. در دو فصل هشتم و نهم آن، در دو عنوان «انتصاب و ارتقای شغلی» و «توانمندسازی کارمندان» مطالب مرتبطی آمده است.

ماده ۵۳ فصل هشتم این قانون، انتصاب و ارتقای شغلی کارمندان را با رعایت شرایط تحصیلی و تجربی و پس از احراز شایستگی و عملکرد موفق در مشاغل





با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی دبستانی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوآموز برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد زنان برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

رشد جوانان برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

مجله‌های عمومی بزرگسال

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

● رشد آموزش ابتدایی ● رشد فناوری آموزشی

● رشد مدرسه فردا ● رشد معلم ● رشد آموزش خانواده

مجله‌های تخصصی بزرگسال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ● رشد آموزش پیش‌دبستانی ● رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش تربیت بدنی ● رشد آموزش جغرافیا ● رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی ● رشد آموزش زبان‌های خارجی
- رشد آموزش زیست‌شناسی ● رشد آموزش شیمی ● رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ● رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش مشاور مدرسه ● رشد آموزش هنر ● رشد برهان متوسطه دوم
- رشد مدیریت مدرسه

مجله‌های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانش‌جو معلمان، و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

● نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

● تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

● وبگاه: www.roshdmag.ir

قبل، مجاز دانسته است. در ماده ۵۴، به منظور استقرار شایستگی و ایجاد ثبات در خدمت مدیران، دستگاه‌های اجرایی به انجام اقداماتی موظف شده‌اند و در تبصره ۳ ذیل این ماده، دستگاه‌های اجرایی به فراهم‌سازی امکان ارتقای مسیر شغلی، با توجه به امتیازات مربوطه در فضای رقابتی برای کلیه کارمندان، موظف شده‌اند. به منظور برخورداری معلمان از اجرای تکالیف مصرح در این ماده برای دستگاه اجرایی (وزارت آموزش و پرورش)، باید اذعان کرد، تاکنون به تنظیم ساز و کار برای «کارراهه شغلی معلمان» هیچ توجهی نشده و صرفاً در سال‌های اخیر به میحت ارتقای شغلی و رتبه‌بندی معلمان در حد انجام تکالیف قانونی، بسنده شده است.

ماده ۶۵ این قانون نیز هر یک از مشاغل مشمول این قانون را براساس عواملی نظیر اهمیت و پیچیدگی وظایف و مسئولیت‌های سطح تخصص و مهارت‌های مورد نیاز، به طبقاتی با حق شغل مشخص تخصیص داده و در تبصره ۱ ذیل آن، هر یک از مشاغل را متناسب با ویژگی‌ها، در پنج رتبه «مقدمانی، پایه، ارشد، خبره و عالی» طبقه‌بندی کرده است. طی این مسیر شغلی را نیز در ادامه همین تبصره بیان کرده است: «شاغلان مربوط به بدو استخدام در رتبه مقدمانی قرار می‌گیرند و براساس عواملی نظیر ابتکار و خلاقیت، میزان افزایش مهارت‌ها، انجام خدمات برجسته، طی دوره‌های آموزشی و میزان جلب رضایت ارباب‌رجوع، براساس ضوابطی که متناسب با ویژگی‌های مشاغل به تصویب شورای توسعه مدیریت می‌رسد، ارزیابی می‌شوند و حسب امتیازات مکتسبه و طی حداقل مدت تجربه مربوط، به سطوح پایه، ارشد، خبره و عالی ارتقا می‌یابند.»

بدیهی است، تمام این مطالب را نمی‌توان به‌عنوان کارراهه شغلی در معلمی تلقی کرد. ضروری است مراجع قانونی در قالب مصوبه‌های مشخص و مجزا، با توجه خاص به حرفه معلمی، کارراهه شغلی آن را تدوین، تصویب و ابلاغ کنند. در سال‌های اخیر فعالیت‌هایی را برای تهیه «نظام رتبه‌بندی معلمان» شاهد بوده‌ایم که شاید بخشی از دغدغه نبود کارراهه شغلی را جبران کند، ولی مطمئناً جایگزین آن نخواهد شد.

با توجه به پیچیدگی‌های موجود در مدیریت کارراهه شغلی، علاوه بر مسئولیت سازمان در قبال منابع انسانی، اعم از لزوم برنامه‌ریزی‌های لازم در این خصوص و تدوین کارراهه شغلی و هدایت کارکنان در این مسیر، خود کارکنان نیز باید در مسیر پیشرفت شغلی‌شان درصدد پذیرش مسئولیت مدیریت بر کارراهه شغلی خود، ایجاد و افزایش انگیزش‌های درونی، و ارتقای توانمندی‌ها نیز برآیند.

بدیهی است، مسیر صحیح و عادلانه پیشرفت شغلی می‌تواند رضایت شغلی افراد، تعهد آن‌ها نسبت به سازمان و مسائلی از این قبیل را همراه داشته باشد. بنابراین، سازمان‌ها با ایجاد مسیر پیشرفت شغلی مناسب برای کارکنان، نه تنها به پیشرفت سازمان، بلکه به پیشرفت افراد نیز کمک می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Career Path

۲. هرچند به عقیده نویسنده، معلمان در جرگه کارمندان تلقی نمی‌شوند، ولی چاره‌ای نیست، زیرا تنها قانون حاکم در نظام مدیریت خدمات کشوری، همین قانون موجود است.

منابع

۱. خورشیدی، عباس (۱۳۸۹). رفتار سازمانی با رویکرد پژوهشی. یسطرون. تهران.
۲. سید جوادین، سیدرضا (۱۳۸۸). مبانی مدیریت منابع انسانی. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. تهران.
۳. قانون مدیریت خدمات کشوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



نگاه دوربین

جشنواره عکس رشد



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار می‌کند:

فراخوان

دهمین جشنواره تولید محتوای الکترونیکی رشد

محورهای برگزاری

- * تولید محتوای الکترونیکی برای کلیه دروس کتاب‌های درسی دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی (ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم: شاخه نظری، فنی و حرفه‌ای و کار دانش)
- * فیلم * انیمیشن * موشن
- * اینفوگرافی * بازی‌های تعاملی * تصویر سه بعدی
- * پادکست * صوت * گرافیک

از ارسال فیلم‌های تدریس معلم خودداری نموده و صرفاً محتواهای چند رسانه‌ای قابل پذیرش می‌باشد.

بدین وسیله از کلیه معلمان، (هنر آموزان، مدرسان)، کارشناسان و کارکنان آموزشی، دانش آموزان، شرکت‌ها و مؤسسات علمی آموزشی دعوت می‌شود جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس roshd.ir (جشنواره تولید محتوا) مراجعه نمایند.

به آثار منتخب، ضمن حمایت جوایز نفیس تعلق خواهد گرفت.

بাহمکاری:



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
معاونت آموزش متوسط



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
معاونت آموزش ابتدایی